

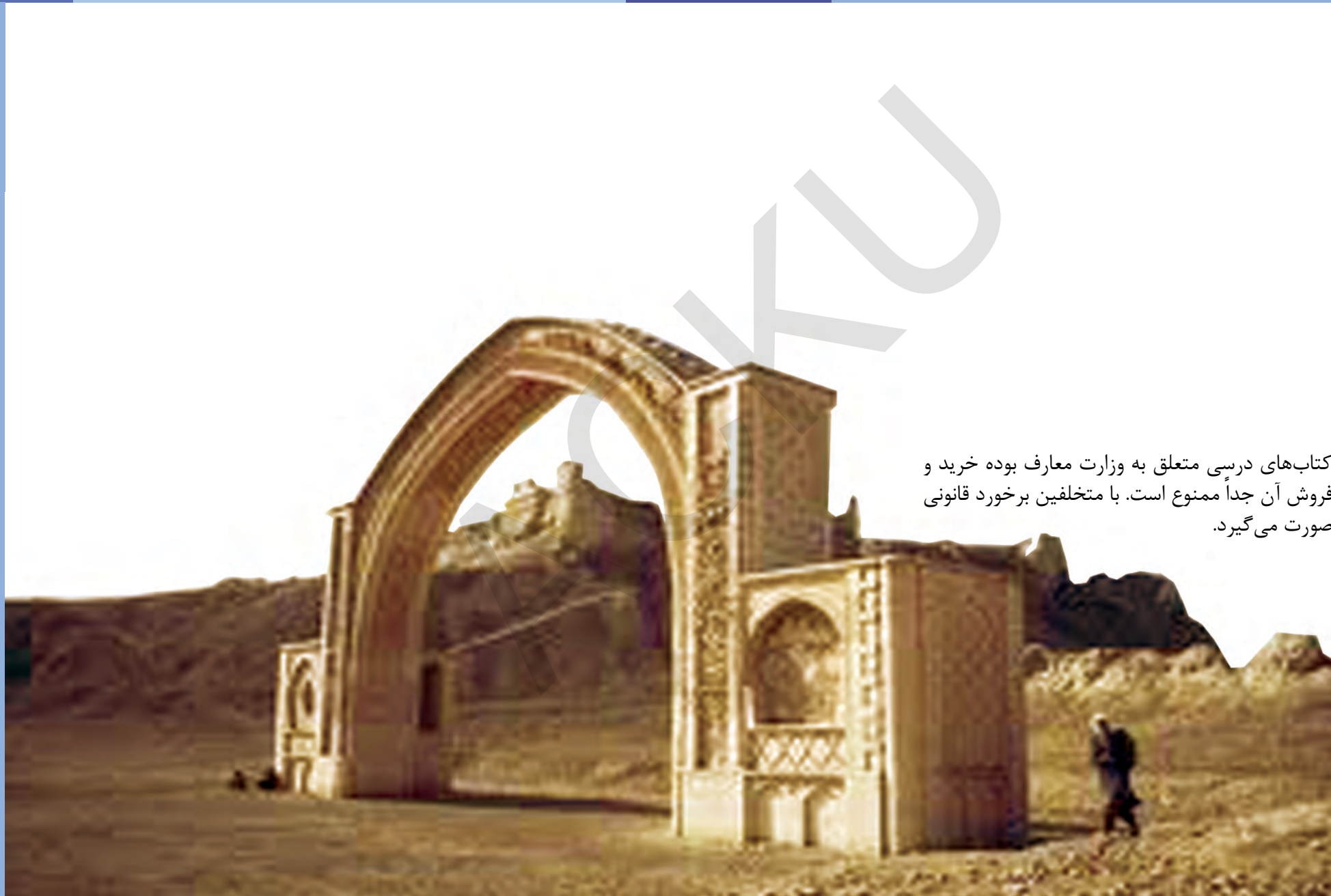


وزارت معارف

معیّنیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیّه معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب
تعلیمی و تألیف کتب درسی

تاریخ

صنف ۱۰



کتابهای درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جداً ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلېږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

دا عزت د هراfgان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه پان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیہ معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

تاریخ

صنف دهم

۱۳۹۶

ه.ش

مؤلفان

پوهنوال محمدرسول باوری
مؤلف محمدحسین احمدزی
مؤلف محمدابراهیم حقپال

ایدیت مسلکی

پوهنمل زلمی هوتک

ایدیت زبانی

سید محمود خلیق

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دکتور عبدالصبور فخری
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

کمیته نظارت:

- دکتور اسد الله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم
- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی
- دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین: عنایت الله غفاری

تنظیم امور چاپ: محمد کیر حقل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شکوفا کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می شود که همگام با تحولات و پیشرفت های علمی نوین و مطابق با نیازمندی های جامعه تهیه و تألیف می گردد و باید دارای ظرفیت و ظرفیتی باشد که بتواند آموزه های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده های علوم جدید با میتودهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه گی ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره بر این بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه های اخلاقی و علمی شکوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته اند، صمیمانه آرزو مندم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده ها و اولیای محترم شاگردان خواشمنم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نورزند. همچنان از همه نویسنده گان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب های درسی همکاری نمایند.

لازم می دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و

توزیع این کتاب زحمت کشیده اند و از همه نهادهای ملی و بین المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی پایان خود، ما را در تحقق آرمان های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف

عناوین صفحه

فصل اول: آریایی ها	۱
اهداف فصل اول	۲
درس اول: تمدن آریانا	۳-۴
درس دوم: مدنیت ویدی	۵-۶
درس سوم: مدنیت اوستایی	۷-۸
درس چهارم: تاریخ اساطیری افغانستان	۹-۱۰
درس پنجم: تاریخ اساطیری افغانستان	۱۱-۱۲
درس ششم: تاریخ اساطیری افغانستان	۱۳-۱۴
درس هفتم: افغانستان قدیم هخامنشی ها، یونانی ها و موریایی ها	۱۵-۱۶
درس هشتم: افغانستان قدیم و یونانی ها	۱۷-۲۰
درس نهم: افغانستان قدیم و موریایی ها	۲۱-۲۲
فصل دوم: مدنیت های اولیه در افغانستان	۲۳
اهداف فصل:	۲۶
درس دهم: مدنیت های اولیه افغانستان	۲۵-۲۸
درس یازدهم: خصوصیات مدنیت یونانو باختری	۲۹-۳۰
درس دوازدهم: آی خانم شهر مشهور دوره یونانو باختری	۳۱-۳۲
درس سیزدهم: ساک ها و پارت ها	۳۳-۳۴
درس چهاردهم: امپراتوری کوشانی ها	۳۵-۳۸
درس پانزدهم: سه مرکز عمده دوره کوشانی	۳۹-۴۰
درس شانزدهم: هده مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانیان	۴۱-۴۲
درس هفدهم: بامیان	۴۳-۴۶
درس هجدهم: کیداریان یا کوشانیان کوچک	۴۷-۴۸
درس نوزدهم: امپراتوری یفتلی ها	۴۹-۵۲
درس بیستم: اوضاع افغانستان مقارن ظهور اسلام	۵۳-۵۴
فصل سوم: مدنیت های قدیم جهان	۵۵

اهداف فصل:	۵۶
درس بیست و یکم: مدنیت‌های قدیم جهان	۵۷-۵۸
درس بیست و دوم: تمدن بین‌النهرین	۵۹-۶۲
درس بیست و سوم: تمدن و فرهنگ بین‌النهرین	۶۳-۶۴
درس بیست و چهارم: تمدن مصر	۶۵-۶۸
درس بیست و پنجم: فرهنگ و تمدن مصر	۶۹-۷۲
درس بیست و ششم: تمدن فارس	۷۳-۷۶
درس بیست و هفتم: تمدن هند	۷۷-۸۰
درس بیست و هشتم: تمدن چین	۸۱-۸۴
درس بیست و نهم: تمدن یونان	۸۵-۸۸
درس سی‌ام: تمدن روم	۸۹-۹۲
درس سی و یکم: تمدن امریکا	۹۳-۹۵
فصل چهارم: تاریخ اسلام	۹۶
اهداف فصل	۹۶
درس سی و دوم: اوضاع جهان و شبه جزیره عربستان مقارن ظهور اسلام	۹۷-۹۸
درس سی و سوم: زنده‌گانی حضرت پیامبر ﷺ از تولد تا بعثت	۹۹-۱۰۲
درس سی و چهارم: بیعت عقبه	۱۰۳-۱۰۶
درس سی و پنجم: غزوات	۱۰۷-۱۱۲
درس سی و ششم: صلح حدیبیه - بیعت الرضوان	۱۱۳-۱۱۶
درس سی و هفتم: فتح مکه مکرمه	۱۱۷-۱۲۲
درس سی و هشتم: خلفای راشدین <small>رضی الله عنهم</small>	۱۲۳-۱۲۶
درس سی و نهم: حضرت عمر فاروق <small>رضی الله عنه</small>	۱۲۷-۱۲۸
درس چهلم: حضرت عثمان <small>رضی الله عنه</small>	۱۲۹-۱۳۰
درس چهل و یکم: حضرت علی <small>رضی الله عنه</small>	۱۳۱-۱۳۲
درس چهل و دوم: نگاه مختصری به دوره درخشان خلفای راشدین <small>رضی الله عنهم</small>	۱۳۳-۱۳۴
درس چهل و سوم: امویان	۱۳۵-۱۳۸
درس چهل و چهارم: وضعیت اقتصادی، اداری، فرهنگی و نظامی در زمان اموی‌ها ۱۳۹-۱۴۰	۱۴۰-۱۴۴
درس چهل و پنجم: عباسیان	۱۴۱-۱۴۴
درس چهل و ششم: اوضاع سیاسی، اداری، فرهنگی و اقتصادی دوره عباسیان	۱۴۵-۱۴۷

فصل اول آریایی ها

این فصل مشتمل بر مطالب ذیل است:

- آریایی ها در افغانستان،
- مدنیت ویدی؛
- مدنیت اوستایی؛
- تاریخ اساطیری افغانستان
- هخامنشیان، یونانیان و موریانیان؛

اهداف فصل

- انتظار می‌رود تا شاگردان در پایان این فصل به اهداف ذیل برسند:
- در مورد تمدن آریایی‌ها، مدنیت ویدی، اوستایی معلومات حاصل نمایند؛
 - تاریخ اساطیری افغانستان را بدانند؛
 - به ارتباط هخامنشی‌ها، یونانی‌ها، و موریایی‌ها معلومات حاصل کنند؛
 - اوضاع افغانستان قدیم (آریانا را) تحلیل و بررسی نموده بتوانند؛
 - مدنیت‌های ویدی و اوستایی را باهم مقایسه کرده بتوانند؛
 - اوضاع افغانستان را در زمان هخامنشی‌ها، یونانی‌ها و موریایی‌ها تحلیل و باهم مقایسه نموده بتوانند؛
 - به تاریخ کشور علاقه مندی پیدا نمایند.

در این درس پیرامون چگونگی زنده‌گی آریایی‌ها در افغانستان معلومات حاصل خواهید کرد

آریانای کهن (افغانستان امروز) از دو تا سه هزار سال قبل از میلاد دارای زراعت و آبیاری پیشرفته و شهر توانگر و پرنفوس بود. در طی هزار سال اول قبل از میلاد صنایع دستی، مسکوکات، طب، نجوم، نساجی و فلز کاری داشت و جایگاه پنجم کانونهای تمدن جهانی را به خود اختصاص داده بود.

مردمانی که تقریباً ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد در افغانستان قدیم مسکون شده بودند. این قبایل خود را آیین مینامیدند که معنی اصیل و نجیب را افاده می‌کند. در رابطه به محل اقامت نخستین ایشان اطلاعات دقیق بدست نیآمده، ولی این ثابت شده است که آریاییان از طرف شمال افغانستان (آمو دریا و سیر دریا) وارد شمال افغانستان خاصاً بلخ شده و در آنجا نخستین مدنیت عصر آریایی را اساس گذاشته اند، و وطن خود را آریانا نام نهادند.

سروده‌های ویدی یکی از مهمترین منابع و مآخذ در رابطه به شناخت آریایی‌ها می‌باشد. در سروده‌های ویدی معلومات زیادی راجع به قبایل آریایی موجود است. آریایی‌ها محل اقامت خویش را (آریانا و یجه) یا (آریاناورشو) مینامیدند. در سروده‌های ویدی از قبیله بنام الینا تذکر بعمل آمده است که ساکنین الینگار کنونی بوده اند. ساکنین بولان را بنام بهالانه یاد کرده اند.



جریان کوچ کشی آریایی‌ها

در سروده‌های ویدی از مناطق تحت حاکمیت آریایی‌ها نیز تذکر بعمل آمده که قسمت زیادی از این مناطق طبق ارزیابی جغرافیه دانان تاریخی در افغانستان کنونی تشخیص و شناسایی شده است. به عنوان نمونه از هریوا (هرات) هراوتی (دهراوت) بلهیکه (بلخ) می‌توان نام برد.

افزون بر اسامی مناطق در ریگویدا از دریاها و کوها نیز نام برده شده، بطور مثال منجوان نام کوهی است که در میان نورستان و بدخشان کنونی موقعیت دارد. آریایی‌ها قبل از آمدن به بلخ زنده گی کوچی گری داشتند و بر بنیاد تحقیقاتی که در سال ۱۹۳۹م در (تالی برزو) سمرقند، صورت پذیرفته، تصویر یکی از شاهان آریایی که به روی ظرف گلی نقش شده بوده بدست آمده که به باور دانشمندان این تصویر مربوط به کیومرث شاه قدیم آریایی‌ها می‌باشد. در سرودهای ویدی حاکم مشهور کوچی‌ها بنام کیومرث یاد شده است ذکر کلمه پادشاه در سروده‌های ویدی به اثبات میرساند که آریاییان در زمان زنده گی بادیه نشینی خویش دارای نظام شاهی بوده اند.

زیادت نفوس آریایی‌ها در بلخ و اطراف آن موجب شد تا آن‌ها بصورت دسته جمعی به جانب، جنوب، جنوب شرق و غرب شروع به مهاجرت نمایند آریایی‌ها بعد از مسکون شدن در فارس تمدنی را بنیاد نمودند که به تمدن فارس معروف شد و در بحث تمدن‌ها از آن یاد آوری می‌شود.

یک شاخه آریایی‌ها به طرف غرب مهاجرت نمودند که ابتدا به ایران و بعداً به ترکیه و سرانجام تا به کشورهای اروپایی رسیدند، دسته دیگری به جنوب شرق حرکت نمودند، به هند شمالی و بعد به مناطق مرکزی هند قدیم رسیدند. آن عده از آریاییان که در دو طرف هندوکش مقیم ماندند به ترتیب دو تمدن (ویدی و اوستایی) را یکی بعد دیگری در افغانستان قدیم اساس گذاشتند، که تفصیل آن را در دروس آینده خواهید خواند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به اقامت آریایی‌ها در بلخ و دسته دومی راجع به هجرت اخیر آنها، بوسیله نماینده خود به یکدیگر معلومات ارائه دارند.

سؤالات



۱. آریایی‌ها چه وقت به افغانستان آمدند؟ معلومات خویش را بنگارید.
۲. آریایی‌ها از بلخ به کدام جهات مهاجرت کردند؟ مختصراً معلومات دهید.

فعالیت‌های بیرون صنف



به کمک معلمان و منابع دست داشته راجع به آریاییان قدیم معلومات جمع آوری نموده و آن را در صنف به دیگرهم صنفان خویش ارائه نمایند.

در این درس راجع به چگونگی وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر ویدی آشنا می‌شوید.

قدیمترین مدنیت آریایی در افغانستان بنام ویدی یاد می‌گردد، کلمه ویدی از وید گرفته شده که مفهوم علم و دانش را افاده میکند. این مدنیت بخاطری به این نام (ویدی) مسمی شده که معلومات آن از چهار کتاب ویدی (ریگویدا، اتھرو ویدا، ساماویدا و ویجور ویدا) بدست آمده است. آغاز سروده‌ها به (۲۰۰۰) سال قبل از میلاد میرسند که بصورت شفاهی از یک نسل به نسلی دیگر منتقل شده و شش قرن قبل از میلاد به زبان سانسکریت به رشته تحریر درآمده است.

آریایی‌های عصر ویدی شهر بُخدی قدیم را به عنوان پایتخت و نخستین مرکز اداری خویش تعیین نمودند و در کنار زنده گی کوچی نشینی به زراعت و باغداری دست به کار شدند، برای امرار معیشت خانه‌های فراخ ساختند و به ایجاد شهرها نیز موفق شدند. برای حفاظت از شهر در اطراف آن دیوارهای عریض و برج‌های بلند احداث نمودند که آثار و علایم آن تا هنوز باقی مانده است.



بقایای شهر قدیم بلخ (بخدی)

مردمان عصر ویدی احتیاجات اولیه خویش را از راه زراعت و مالداري مرفوع می‌ساختند، حیوانات را اهلی کرده بودند. بر علاوه استفاده از گوشت و شیر، از پوست حیوانات نیز برای خویش لباس گرم و پاپوش می‌ساختند، تبادلۀ حیوانات بجای سکه اساس مبادلات داد و ستد بود که آنرا پیسو می‌گفتند و معاملات جنس به جنس صورت می‌گرفت.

در عرصۀ زراعت به پیشرفت‌های نایل شده بودند، اقسام غلات و حبوبات را میشناختند و زرع می‌نمودند که در سروده‌های ویدی به صراحت از آن یادآوری شده است. ساختن ظروف گلی مرسوم بود و زیورات نیز ساخته میشد و از آن در جشن و میله‌ها استفاده صورت می‌گرفت.

سهم زنان در عصر ویدی مشخص بود، یکتعداد از زنان شوهران شان را بیرون از خانه همکاری میکردند و تعداد شان امور منزل را برعهده داشتند.

افزون بر آن یک تعداد زنان همچون دانشمندان (ریشی‌ها) به امور اجتماعی اشتغال داشتند

و شعر می‌سرودند طوری معلوم می‌شود که سرودن و به خاطر سپردن سروده‌های ویدی از نظر زمانی بسیار پیش آغاز شده است؛ اما قدیمیترین حادثه یاد شده در سروده‌های ویدی به ۱۸۰۰ ق م می‌رسد که آغاز آشکار مدنیت ویدی محسوب می‌شود. مدنیت ویدی بطور ناگسستگی (۱۲۰۰-۱۰۰۰) سال قبل از میلاد دوام داشت.

بیشتر بدانید

نمونه از فرهنگ عصر ویدی

داماد دست عروس خود را می‌گرفت و سه مرتبه عروس را بدور خانه خود چرخ میداد و این سرود را می‌خواند من دست شما را «به شگون نیک میگیرم تا شما با من تا پیری زنده و خوش باشید.

وقتیکه عروس به خانه داماد میرسید داماد او را به خواندن اشعار ذیل استقبال می‌کرد. «درینجا خوشی نصیب شما باد خانه تان از مال و دولت و اولاد پر شود ای عروس مقبول! تو این خانه را نگهدار و با صاحب خود باش تا به پیری، این خانه از تو باشد حال تو در اینجا زنده گی کن و از اینجا هرگز جدا مشو! تو صاحب عمر زیاد، نواسه و کواسه‌های زیاد باشی تو هم درینجا خوشحال زنده گی کنی ای بانوی این خانه!»

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به مدنیت ویدی معلومات جمع آوری نموده و گروه دوم راجع به احوال زنان و سهم شان در عصر مدنیت ویدی معلومات شان را به واسطه نماینده گروه به همصنفان شان توضیح نمایند.

سؤالات

۱. کلمه ویدی چه معنی دارد؟ بنویسید.
۲. در مدنیت ویدی کدام شهر من حیث مرکز انتخاب شد؟ معلومات دهید.
۳. مدنیت ویدی از نظر زمانی به کدام سالها ارتباط میگیرد؟ بنویسید.

در این درس راجع به میان آمدن مدنیت اوستایی در بلخ یا (بخدی) معلومات حاصل خواهید کرد.

حوالی هزار سال قبل از میلاد مدنیت اوستایی در بلخ یا بخدی قدیم پی ریزی شد. این مدنیت بخاطری بنام اوستایی یاد میگردد که معلومات زیادی در خصوص این مدنیت در کتاب مذهبی که اوستا نام دارد و به دست مؤرخین رسیده است، وجود داشت. اوستا مجموعه از نصایحی است که توسط زردشت یا سپین تمان نوشته شده و ضمناً یگانه منبع مهم معلوماتی است که مدنیت‌های اولی آریایی‌ها و تاریخ این منطقه خصوصاً افغانستان قدیم را روشن می‌سازد. کتاب اوستا بعد از مرگ سپین تمان یا زردشت جمع آوری و بنام اوستا انتشار یافت. تعداد زیادی از دانشمندان اوستا را به معنی قانون و هدایت تعریف کردند. نخستین متن اوستایی در (۱۲۰۰۰) پوست حیوان نوشته شده بود که در زمان حملات سکندر قسمتی زیاد آن سوختانده شد. بعد از حملات سکندر پیروان آیین زردشتی بار دیگر بقایای کتاب اوستا را جمع آوری نموده و در پنج بخش آن را به رشته تحریر در آوردند که بنام یسنا، ویسپرد، ویندیداد، یشت و خورد اوستا یاد میشود.

گفته می‌شود که زردشت در ۶۶۰ قبل از میلاد در بلخ به دنیا آمد و به سن ۲۰ سالگی منزوی گشت تا اینکه در عمر ۴۲ سالگی رهبر آیین خود گردید. متعاقباً نصایح خویش را آغاز کرد و گشتاسپ پادشاه را به آیین خود دعوت نمود. گشتاسپ دعوت وی را پذیرفت و به دین زردشتی گرایید.

زردشت در آیین خویش آهورامزدا را خدای نیکویی و اهریمن را خدای بدیها یا شر دانسته و مجادله میان آن‌ها را نیز همیشه گی و غیر قابل انقطاع میدانست. به پیروان خویش توصیه می‌کرد با آهورامزدا باشید تا از شر اهریمن در امان شوید از بیانات مشهور وی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است.

از نظر ژوزف هاکن تصاویری که در منطقه باستانی (دختر نوشیروان) بلخ بروی سنگ و کوهپاره‌ها حک شده، بقایای آثار و نقاشی عصر زردشتی هویدا است.

آریایی‌ها در عصر اوستا رسوم و عاداتی داشتند که تا هنوز هم در میان یک تعداد اقوام و قبایل معمول است بطور مثال از نیزه بازی، اسپ دوانی، جشن سال نو، اتن، ترانه روزهای میله، موسیقی و غیره می‌توان یاد کرد.

اوستا یک تعداد سلسله‌های سیاسی را معرفی می‌دارد. که در تاریخ بنام تاریخ اساطیری شهرت یافته که در دروس بعدی به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند. دسته اول راجع به اوستا و دسته دوم در مورد تحقیقات ژوزف هاکن معلومات خویش را بوسیله نماینده‌های گروه خود به دیگر هم صنفان شان بیان دارند.

سؤالات



۱. اوستا یعنی چه؟
۲. راجع به زردشت چه می‌دانید؟ بنویسید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان در مورد زردشت از معلمان و منابع دیگر مطالبی را تهیه نمایند و در صنف قرائت کنند.

تاریخ اساطیری افغانستان

در این درس راجع به اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکمیت پیشدادیان و چگونه گی پایان یافتن این سلسله معلومات حاصل مینماید.

بر اساس نوشته های متون اوستایی و یک تعداد شهنامه ها، سه دوره بسیار مهم تاریخ افغانستان قدیم شناسایی شده است. این دوره ها بنام های پیشدادیان، کیانی ها و اسپه یاد گردیده است که از اولین حاکمیت سیاسی مدنیت های قدیم افغانستان به شمار می روند.

سلسله اول: حکمرانی پیشدادیان

نخستین حاکمیت سیاسی کشور ما در کتاب اوستا بنام پیشدادیان یاد شده است، اولین حاکم این خانواده کیومرث شاه نامیده میشد. ابوریحان البیرونی در نوشته های خویش کیومرث را بنام هوشنگ یاد کرده است. وی اولین حاکم آریایی بود که اساس حاکمیت سیاسی بلخ را گذاشت. بعد از کیومرث پسر وی تهمورث به قدرت رسید در زمانی پادشاهی موصوف وزیر مدبر و لایق شیداسپ در امور دولتی سهم فعال داشت. وی علاوه بر خدمات دولتی، نحوه ساختن لباس و ریستن پشم را نیز به مردم می آموخت.

یکی از شاهان معروف سلسله پیشدادیان یمایا جمشید نامیده میشد که بعد از تهمورث به قدرت رسید، یمایا اولین پادشاهی بود که اساس شهر را در بلخ گذاشت، یمایا هدایت ساختن شهر را از آهورامزدا دریافت کرد، یمایا پادشاه، شهری ساخت که طول و عرض آن به اندازه یک میدان اسپ دوانی بود. حوض های آب، میدان اسپ دوانی و مناطق مناسب برای قریه ها و خانه ها تهیه کرد، در کنار آن یک باغ وحش که یک یک جوره از حیوانات وحشی در آن نگهداری می شد نیز ساخت.

در زمان حاکمیت یمایا به مردم توجه زیاد صورت می گرفت، نعمات زیادی وجود داشت و مردم در رفاه و آرامش بسر می بردند زمانی که ضحاک بر یمایا پیروز گردید زنده گی مردم به مشکلات مواجه شد، ضحاک به زور و جبر پادشاهی خود را پیش می برد، که از اثر آن مردم بسیار آزار و اذیت شدند تا سرانجام کاوه آهنگر چرم روی پاهای خود را منجیث بیرق بلند نمود و مردم را در مقابل ضحاک به قیام دعوت نمود که در تاریخ به نام درفش کاویانی شهرت یافت. فریدون نیز حاضر به پذیرش قربانی صد اسپ و یک هزار گاو شد و در مقابل ضحاک قیام کرد، در نتیجه فریدون پیروز شد و ضحاک را از بین برد.

فریدون قلمرو تحت حاکمیت خویش را بین پسرانش ایرج، تور و سلم تقسیم کرد. تور و سلم برادر خود ایرج را کشتند و پادشاهی او را از خود کردند بعد از آنکه پسر ایرج

منوچهر بزرگ شد انتقام پدر خویش را از کاکاهایش گرفت و آن‌ها را بکشت و خود بر اریکه قدرت نشست. در زمان زمامداری منوچهر یکتعداد پهلوانان نامور نقش بسیار مهمی در حکومت داشتند بطور مثال رستم، سهراب، نریمان، و تعدادی از پهلوانان دیگر که در مقابل تورانیان از حاکمیت خویش دفاع کردند.

بعد از فریدون پسر وی نوزد به قدرت رسید. در زمان زمامداری وی، افراسیاب تورانی بعد از سه جنگ موفق شد تا نیروهای نوزد را شکست دهد و برای مدتی بلخ را تحت تصرف خویش در آورد. بعد از نوزد اوزه به قدرت رسید وی مرد عاقل و هوشیار بود بعد از جنگ‌های زیادی با تورانیان، دریای آمو سرحد میان قلمرو او و تورانیان گردید. آخرین حاکم سلسله پیشدادیان کرشاسپ بود که بعد از مدت ۹ سال زمامداری به دست افراسیاب شکست خورد، به این ترتیب زمامداری پیشدادیان پایان یافت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند دسته اول حاکمان سلسله پیشدادیان را نام برده و گروه دوم راجع به ایجاد شهر بلخ معلومات خویش را ارائه نمایند.

سؤالات



۱. مؤسس سلسله پیشدادیان کی بود؟ نام بگیرید.
۲. شهر بلخ از طرف کدام پادشاه بنیافت؟ معلومات دهید.
۳. ضحاک کی بود؟ معلومات خویش را بنگارید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان در مورد شهر بلخ (بخدی یا بلهیکه) مقالاتی ترتیب و در صنف ارائه نمایند.

سلسله دوم کیانیان

در این درس درمورد حاکمیت کیانیان، وضع اجتماعی، سیاسی مردم و چگونه گی پایان یافتن زمامداری این خانواده آشنا خواهید شد.

سلسله دوم تاریخ اساطیری افغانستان بنام کیانیان یاد شده است. کاو در متون ویدی و اوستایی به معنی دانا، بزرگ و امیر اطلاق شده، این خانواده به خاطری کاوی یا کیانی گفته می شود که پیشوند (کی) با نام تمامی شاهان (حاکمان) این سلسله پیوند دارد. نخستین زمامدار خاندان کیانی کیقباد نام داشت که بنابر خواست پدر رستم پهلوان بر تخت کوه البرز در حوالی بلخ بنشست و زمامداری وی ۱۵ سال دوام یافت. بعد از کیقباد پسر وی کیکاوس به تخت بلخ نشست. کیکاوس با کسانیکه با فرهنگ و مدنیت آریایی مخالفت می ورزیدند جنگ هایی هم به راه انداخت. این دسته جنگجویان که در جنگلات مازندران می زیستند و در متون اوستایی از آن به نام دیوها ذکر شده، از طرف کیکاوس در هم شکست و تمدن آریایی را از حملات و سقوط نجات داد. در اوستا آمده است که کیکاوس به خاطری که از همه مقتدر تر باشد، صد رأس اسب، یک هزار گاو و ده هزار گوسفند را برای رب النوع (اناهیتا) قربانی کرد. از متون اوستایی بر می آید که کیکاوس در اطراف کوه ارزیفه هفت قلعه بزرگ آباد کرد و به کشورهای بزرگی حکم میراند. کیکاوس وزیر عاقل هوشیار ودانا بنام پوره جیره یا اوشنر داشت. که در زبان پشتوی معاصر بمعنی (پوره خیر) (چالاک) استعمال میشود.

کیکاوس در اواخر دوره زمامداری خویش یک سلسله اشتباهاتی را مرتکب شد که سبب ازدست دادن حاکمیت وی گردید. وزیر خود را که قبلا از آن یاد آوری شد کشت، موصوف دعوی رفتن به آسمانها نمود و محافظین سرحدی را برطرف کرد، که در نتیجه افراسیاب تورانی مناطق تحت تصرف کیکاوس را به اشغال خود در آورد و به زمامداری وی نقطه پایان گذاشت. ولی رستم پهلوان از سیستان قیام کرد. و گلیم افراسیاب را برچید. بعد از کیکاوس سیاوش صاحب تاج و تخت بلخ شد. سیاوش در متون اوستایی به شکل سیاورشن ذکر شده، وی یکی از حکمرانان دلیر و شجاع بلخ بود. سیاوش در ناحیه آریانا و یجه قلعه بزرگی بنا نهاد که در متون اوستایی از آن بنام دژکنگ یاد شده است. وی بافرنگیس دختر افراسیاب پادشاه تورانی ها ازدواج کرد و پسری از آن ها بدینا آمد که کیخسرو نام داشت.

سیاوش در جنگ رویارویی با تورانی ها کشته شد و بعد از آن پسرش کیخسرو حکمران

بلخ شد. وی به هدف انتقام پدرش جنگ‌های را با تورانی‌ها به راه انداخت تا آنکه افراسیاب زمامدار تورانی‌ها و برادر وی را با زنجیر بست و بعد به قتل رساند در متون اوستایی آمده است که کیخسرو مناطق مختلف کیانیان را بهم پیوند داد و از اختیار و قدرت امپراتوری برخوردار شد. به همین ملحوظ است که از وی به عنوان کشورگشا در اوستا تذکر بعمل آمده است. بعد از کیخسرو سلسله حاکمیت کیانیان به پایان رسید و حکمرانان خاندان سوم که به نام اسپه یاد میشود به قدرت رسیدند.



تخت رستم در ولایت سمنگان

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، دسته اول معنی نام کیانیان و زمامداران مشهور این سلسله را نام گرفته و دسته دوم راجع به کیکاوس معلومات خویش را به شاگردان تقدیم نمایند

سؤالات



۱. نخستین زمامدار کیانی‌ها چه نام داشت؟ معلومات خویش را بنویسید.
۲. سیاوش کی بود؟ معلومات دهید.
۳. آخرین حکمران کیانیان کی بود؟ معلومات خویش را بنویسید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان از بزرگان محل شان یک داستان را نقل نموده و در صنف ارائه نمایند.

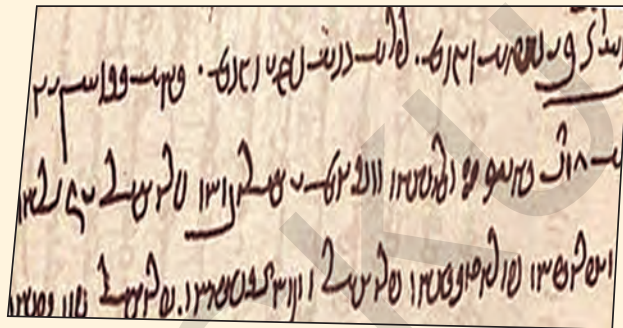
تاریخ اساطیری افغانستان

خاندان سوم (اسپه)

در این درس پیرامون تاریخ به قدرت رسیدن خانواده اسپه، وضع اجتماعی و سیاسی این خانواده و اضمحلال آن معلومات حاصل مینمایید.

بعد از خانواده کیانی سلسله دیگری به قدرت رسید که به نام اسپه (خانواده اسپه) شهرت یافته است از اینکه در اخیر نام هریک از حکمرانان این سلسله پسوند «اسپه» آمده، بناءً در متون تاریخی به نام خانواده اسپه مشهور شده است. بر اساس روایات تاریخی اولین پادشاه این سلسله لهراسپ نامیده میشد. لهراسپ بر تمام بخش‌های قلمرو حاکمیت کیانیها

نمونه‌ی از
مجموعه نوشته
گاتما روستا که
در موزیم بریتانیا
نگهداری میشود



حاکم بود. به باور عده‌ی از محققین لهراسپ در جنگ با تورانیان به قتل رسید، وی یک شخص عادل و دارای شخصیت عالی بود و در قلمرو تحت حاکمیت خویش دست به عمرانات وسیع زد، آئین زردشتی را پذیرفته و در راه گسترش آن زحمات زیادی را متحمل شد. از وی دو پسر باقی ماند که یکی ویش اسپه و دومی زری وری نام داشت. ویش اسپه یا گشتاسپ بعد از مرگ پدرش حاکم بُخدی شد و به خاطر همکاری با زردشت شهرت خاص یافت و هم جهت گسترش آئین زردشتی متحمل زحمات زیادی شد. در نطق (۱۰۵) زردشت آمده است: (ای ارواح سورا اناهیتا خوب! مرا یاری کن تا پسر دلیر لهراسپ، گشتاسپ را ترغیب نمایم تا به اساس آئین اندیشه همی گوید و براساس آئین عمل کند، زردشت از گشتاسپ تقاضا کرد که هوتاوسا همسر خود را نیز به آیین خود دعوت کند تا آئین زردشت به نواحی دور دست وسعت یابد. بنابر حکم گشتاسپ تمامی گفتارهای زردشت (اوستا) در ۱۲ هزار پوست گاو تحریر شد.

در زمان حاکمیت گشتاسپ جنگ‌های زیادی با تورانیان صورت گرفت، در رابطه به یکی ازین جنگها در بیانیه ۱۰۸ زردشت ای‌نطور گفته شده است ویشتاسپ بزرگ (گشتاسپ) در اطراف دریای فرازادانا تقریباً صد رأس اسپ، هزار رأس گاو نر و ده



بقایای معبد آتشکده نوبهار بلخ

هزار رأس گوسفند را به نام اناهیتا قربانی کرد. بعد از گشتاسپ پسران وی به قدرت رسیدند. با وجود اینکه معلومات زیادی راجع به زمامداری زری وری وجود ندارد اما راجع به پهلوانی وی که در سیستان می زیست روایات تاریخی زیادی گفته شده است، اما راجع به حاکمیت پسر گشتاسپ که (سپیتوداتا) یا اسفندیار

نام داشت معلومات زیادی موجود است، گفته می شود اسفندیار پادشاه دلیر و هوشیار بود موصوف بر معبد (آتشکده) بلخ نیزه را استاده گذاشت که معنی آن دفاع دلیرانه از مناطق خود و مانع شدن بیگانه گان بود این مطلب را طی مکاتیب رسمی به اطلاع تمام همسایه گان خویش رسانید. وی در مناطق خویش کارهای عمرانی زیادی را به انجام رسانید. برای آئین زردشتی خدمات چشمگیری کرد و آن را در تمام نواحی تحت تصرف خویش گسترش داد با مرگ اسفندیار حاکمیت خاندان اسپه به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند: گروه اول راجع به خانواده اسپه دسته دوم در رابطه به لهراسپ و دسته سوم راجع به گشتاسپ معلومات خود را به دیگران شرح دهند.

سؤالات



۱. خاندان اسپه چرا به این نام مسمی شده اند؟ معلومات خود را بنگارید.
۲. نخستین حکمران خانواده اسپه چه نام داشت ؟ راجع به آن معلومات دهید .
۳. آخرین زمامدار خانواده اسپه کی بود؟ معلومات دهید.

فعالیت های بیرون صنف



شاگردان راجع به معابد (آتشکده ها) باستانی با استفاده از رسانه های صوتی، تصویری و چاپی مختلف، معلومات جدید جمع آوری نموده و در صنف به دیگران تشریح نمایند.

در این درس پیرامون چگونگی روابط افغانستان و هخامنشی‌ها و سقوط آن‌ها توسط یونانیان معرفت حاصل مینمایید.

اول: افغانستان قدیم و هخامنشی‌ها

تا قرن ششم قبل از میلاد حکمرانان اوستایی بر قسمت‌های زیادی آریانا حاکمیت داشتند، در آغاز همین قرن در ماورای مرزهای غربی افغانستان حکمرانی هخامنشی‌ها تأسیس شد. هخامنشی‌ها علاوه بر مربوطات فارس قدیم، مناطق شرقی و غربی خارج از مرزهای امپراتوری خویش را نیز به تصرف درآوردند. دامنه یک امپراتوری بزرگ را بر فارس قدیم و نواحی آن گسترش دادند.

هخامنشی‌ها در پی برقراری حاکمیت خود بر مربوطات فارس قدیم، به فکر توسعه طلبی و گسترش دامنه حکمرانی خود شدند. در زمان حکمرانی کوروش امپراتور هخامنشی در شرق و غرب دست درازی‌های کرد. این در حالی است که یک دولت واحد مرکزی در افغانستان آن زمان وجود نداشت و در هر گوشه افغانستان حکومت محلی و ملوک الطوائفی حاکم بود.

در سال ۵۴۹ قبل از میلاد، لشکری تحت فرمان کوروش قسمت‌های از افغانستان را برای مدتی به تصرف درآورد. بعد از کوروش پسر وی کمبوجیه به قدرت رسید، وی بیشتر به مرزهای غربی فارس توجه کرد، با فرعون مصر جنگید او را مغلوب ساخت و نواحی تحت حاکمیت فرعون را تصرف کرد، نامبرده حین برگشت به فارس چشم از جهان بست.



قلمرو هخامنشیان در زمان حاکمیت کوروش

داریوش جهت تسخیر هند دریای سند را عبور کرد و سند و پنجاب را متصرف شد، و سالانه به اندازه ای ۳۶۰ تالانه طلا (واحد پولی آن زمان) به قسم باج به حکمرانان هخامنشی از سوی بومیان سند و پنجاب پرداخت میشد، داریوش امپراتوری وسیع خویش را که در ترکیب آن ۴۸ نوع نژاد، آئین‌های مختلف، رسوم، عادات و لسان‌های متنوع وجود داشت، با تدبیر خاص اداره مینمود.

در یک تعداد سنگ نوشته‌هایی که از زمامداران هخامنشی‌ها باقی مانده، آمده است که دامنه حکمرانی هخامنشی‌ها به طرف شرق گسترش یافته. یکی از این سنگ نوشته‌ها سنگ نوشته بیستون است که در آن بیشتر از ۲۱ منطقه تحت حاکمیت هخامنشی‌ها ذکر گردیده است.

از حکمرانان مشهور هخامنشی‌ها چون داریوش اول، خشایار شاه، داریوش دوم، ارد شیردوم و تعدادی دیگری به اریکه قدرت رسیدند.

عده از آن‌ها مناطقی زیادی را متصرف شدند. اما در ۳۳۳ قبل از میلاد امپراتوری هخامنشی‌ها توسط یونانیان از بین رفت و متصرفات آن با امپراتوری یونانی ملحق گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند دسته اول حکمرانان مشهور هخامنشی را معرفی نموده و دسته دوم راجع به سنگ نوشته بیستون به همصنفان خویش معلومات ارائه نمایند

سؤالات



۱. کدام امپراتور هخامنشی‌ها برای تسخیر افغانستان سعی نمود؟ معلومات دهید.
۲. امپراتوری هخامنشی از طرف کی‌ها واژگون شد؟ مختصراً معلومات دهید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان با استفاده از رسانه‌های همه‌گانی راجع به امپراتوری هخامنشی‌ها معلومات جمع آوری نموده و متعاقباً به همصنفان خویش آن را بخوانند.

افغانستان قدیم و یونانیها

در این درس در رابطه افغانستان و یونانیها بحث می شود.
مرحله اول که با حملات اسکندر مقدونی در ۳۳۰ قبل از میلاد آغاز و تا مرگ وی دوام میابد. مرحله دوم عصر حکمرانی قوماندانان یونانی بعد از سکندر که تا سال ۲۵۵ قبل از میلاد ادامه داشت.

الف - حملات اسکندر و درگذشت وی: اسکندر مقدونی امپراتوری هخامنشیها را از بین برد و آخرین حکمران هخامنشیها داریوش سوم به طرف افغانستان فرار نمود. اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ ق.م به قصد تعقیب داریوش سوم ابتدا به هرات و بعد به طرف باختر سوقیات سپاه را آغاز کرد داریوش سوم از طرف هواداران بسوس والی باختر در حوالی دامغان به قتل رسید.

ابتدا حاکمان هرات طبق میل شان به عساکر اسکندر راه دادند و عساکر اسکندر مقدونی به هدف دستگیری و نابودی بسوس به طرف باختر به حرکت افتادند و بعد از آنکه نیروهای اسکندر هرات را عبور کرد، مردم هرات قیام کردند در نتیجه اناکسپ یکی از قوماندانان یونانی نیز به قتل رسید. وقتی که اسکندر از این حادثه اطلاع یافت، بلافاصله تصمیم مجدد تسخیر هرات را اتخاذ نموده و به طرف هرات لشکر کشید در نزدیکی هرات باستان (اریا)

تصویر اسکندر مقدونی



تمامی قیام کننده گان را که در جنگلات برای دفاع از هرات سنگر گرفته بودند، در همانجا به آتش کشید. پس از آن به هدف حفظ و نگهداری عساکر یونانی بنام اسکندریه یک شهر را تأسیس کرد که همانا هرات فعلی بشمار میرود. بعد از تسخیر هرات عساکر اسکندر

به طرف فراه و مربوطات آن حملات خود را آغاز کردند و نواحی سیستان را متصرف شدند، در ادامه این لشکرکشی نواحی همجوار دو طرف هلمند را نیز در تصرف خود در آورد و مرکز بلوچستان (آریاسپ) را نیز تسخیر نمود.

متقابلاً سوقيات خویش را به طرف اراکوزیا (قندهار) آغاز کردند. در سال (۳۲۹ ق م) ارغنداب را تصرف نمودند و در همین سال در نزدیکی قندهار هم یک پایگاه نظامی را تأسیس نمودند و در اینجا از اهالی محل یک نیروی تازه نفس بومی را تشکیل نمودند و از طرف اسکندر شخصی بنام ممّین در رأس ولایت اراکوزیا منسوب گردید. باوجود اینکه تا این زمان اسکندر سه ولایت مهم افغانستان باستان نظیر هرات، بلوچستان و قندهار را تحت سلطه خود در آورده بود، اما حاکم قبلی هرات به همکاری بسوس دو هزار عسکر برای دفاع از هرات تهیه دید و استقلال هرات را اعلان نمود و اسکندر جهت سرکوب قیام هرات تعداد زیادی عسکر فرستاد و هرات را به محاصره در آورد. ضمن جنگ شدید رهبر شورشیان هرات (ساتی بارزانس) کشته شد و هرات مجدداً در اشغال نیروهای اسکندر در آمد.

به تعقیب اشغال هرات، سیستان و قندهار، اسکندر متوجه تسخیر کابل شد. وی در سال ۳۲۹ ق. م به کابل رسید بعد از تسخیر این مناطق از طریق پغمان به کاپیسا رفت و در آنجا برای عساکر خویش اسکندریه قفقاز (بگرام کنونی) را بنا نهاد در بهار همین سال از راه اندراب بالای عساکر بسوس حملات خود را آغاز نمود، بسوس به همت هشت هزار عسکر دست به مقاومت زد اما در مقابل عساکر زیاد اسکندر تاب مقاومت نیاورد، از قسمت علیای دریای آمو گذشت و از آنجا به همت نیروهای باختری به حملات خود بر عساکر اسکندر ادامه داد. این وضعیت تا سال ۳۲۷ قبل از میلاد دوام نمود، در همین حال اسکندر بایکی از قوماندانان نیروی باختری دست دوستی داد و با دختری جوانی به نام رخشانه ازدواج نمود، به این ترتیب مناطق باختری را در تصرف خویش نگهداشت.

اسکندر بعد از تسخیر باختر از راه کاپیسا به کابل برگشت و در آنجا با استفاده از راه درونته به نواحی کنر و اسمار رسید، در مناطق یاد شده طی جنگ‌های سنگین با یوسف زایی‌ها مجروح شد پس از آن به طرف باجور و چترال رو آورد این مناطق را متصرف شد. اسکندر جریان تصرفات این مناطق را تداوم بخشید و در سال ۳۲۵ ق.م در بندر بحری کراچی اسکندریه یی دیگری ساخت از آنجا به طرف گدروزیا (بلوچستان) رو آورد وی زمانی که به بابل رسید در آنجا به مرض ملاریا مبتلا شد که در نتیجه آن به عمر ۳۲ سالگی وفات یافت.

ب - امپراتوری یونانها بعد از اسکندر: بعد از مرگ اسکندر میان قوماندانان وی بر سر قدرت اختلاف پیدا شد و جنگ‌های خونینی به وقوع پیوست در نتیجه شخصی بنام کاسندر یکی از قوماندانان او در شهر مقدونیه به قدرت رسید وی مادر اسکندر را در شهر پیرنا محاصره نموده و بعداً به قتل رساند.

به این ترتیب، هرج و مرج در امپراتوری بزرگ اسکندر به میان آمد. نتیجه همان شد تا امپراتوری یونانی به سه مرکز بزرگ تقسیم شود.

بعد از مرگ اسکندر بطليموس مصر را از پیکر امپراتوری یونان جدا کرد و به تصرف خویش در آورد، بعد از بطليموس به صورت دوامدار اعضای خانواده او تا سال ۳۰ ق.م بر مربوطات مصر حاکمیت داشتند.

در پایتخت امپراتوری یونانی (مقدونیه) انتی گوس به قدرت رسید انتی گوس و خانواده وی از سال ۳۰۶ تا ۱۴۶ ق.م بر مقدونیه و حوالی آن حکمرانی نمودند.

حکمران یونانی دیگر بنام سلیکوس در سوریه به قدرت رسید و متصرفات شرقی امپراتوری یونانی را از سوریه تاهند تحت تصرف خود در آورد که افغانستان از جمله مناطق تحت حاکمیت سلیکوس به حساب می‌آمد. سلیکوس و عده یی از حکمرانان این

سلسله تا زمان دیودتس بر افغانستان حاکم بودند، ولی جنگهای پی در پی بین نیروهای بطلموس و سلیکوس زمینه را برای دیودتس فراهم ساخت تا در سال ۲۵۵ ق.م استقلال این سرزمین را اعلام نماید که تفصیل بیشتر آن را در درس مربوط به دوره یونانو باختری خواهیم خواند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان سمت لشکر کشی اسکندر مقدونی را در نقشه نشان دهند.

سؤالات



۱. اسکندر مقدونی در کدام سال امپراتوری هخامنشی ها را از بین برد؟ معلومات خویش را بنویسید.
۲. اسکندر مقدونی در باختر با کدام دختر ازدواج نمود؟ بنویسید.
۳. بعد از مرگ اسکندر مقدونی امپراتوری یونانیها با چی سرنوشتی روبرو گردید؟ معلومات دهید.

فعالیت های بیرون صنف



شاگردان با استفاده از منابع بجز از کتاب درسی، معلومات را در مورد اسکندر جمع آوری نموده و در صنف بیان دارند.

در این درس در مورد حکومت موریایی ها و اوضاع سیاسی افغانستان آن زمان معلومات حاصل خواهید کرد.

اولین حاکم موریایی ها چندراگوپتا نام داشت که در سال ۳۲۴ ق.م زمامداری آن بر نواحی مختلف هند توسط چند راگوپتا آغاز شد. چندراگوپتا برخی نقاط شرقی افغانستان را که تحت حاکمیت حکمرانان یونانی قرار داشت، تصرف نمود در این زمان نیروهای سلیکوس یونانی ابتدا، باختر و بعد از آن وادی کابل را متصرف شد. و چندراگوپتا را تا دریای سند به عقب راند. ولی در پی یک سلسله پیروزی های مؤقت عساکر سلیکوس دوباره مورد حملات پی در پی نیروهای چندراگوپتا قرار گرفت تا بالاخره وی مجبور شد که به چندراگوپتا دست دوستی بدهد و دختر خویش را به عقدنکاح وی در آورد. علاوه بر آن گنده هارا، اراکوزیا و گدروزیا را نیز به نیروهای چندراگوپتا وا گذاشت در همین وقت بود که باختر را در اختیار دیودتس سپرد بعدها همین حکمران باختری استقلال خود را اعلام کرد.

چندراگوپتا در سال ۳۰۰ ق.م درگذشت، پسر وی بندو سارا به قدرت رسید، درین وقت مراکز مختلف امپراتوری یونانی ایجاد شد و جنگ میان آن ها ادامه داشت با وجود اینکه جنگ میان نیروهای یونانی جریان داشت؛ اما روابط حسنه بین سلوکیدان و موریایی ها روز به روز زیاد می شد. ابو ظفر ندوی مؤرخ هندی می نویسد: حکمران هند بندو سارا به انتیاکوس پیام فرستاد که برایم یک تن طیب، شراب شیرین



و یک مقداری انجیر خشک بفرست انتیاکوس به جواب نوشت که شراب و انجیر خشک برایت خواهیم فرستاد ولی در قانون یونانی ها فروش عالم و طیب ممنوع می باشد.

روابط نیک بین سلوکیدان و موریایی ها زمینه انتقال اموال تجارتنی هندی را مساعد ساخت تا به نواحی

سکه طلایی از عصر چندراگوپتا

باختر و مناطق تحت تسلط سلوکیدیان و حتی فراتر از آن برسند و برعکس اموال تجارتی این مناطق به طرف هند سرازیر شود این روابط تجارتی سبب شد تا زمینه اختلاط فرهنگ هندی و یونانی فراهم شود. بعد از بندو سارا حکمران معروف سلسله گوپتایی (آشوکا) به قدرت رسید. وی در راه نشر دین بودایی زحمات زیادی را متحمل شد و مبلغان زیادی را به افغانستان و نقاط مختلف جهان فرستاد. وی در قلمرو تحت سلطه خویش فرامینی را بر روی سنگ‌ها نوشت که از آئین بودایی نماینده گی می نمود در قندهار، ننگرهار (دروته) و بعضی مناطق دیگر، از این گونه سنگ‌هایی که فرمان‌های آشوکا به روی آن‌ها مرقوم شده موجود است. در فرمانهای آشوکا نشانه از نام ایتودموس (ایتیدیوم) وجود ندارد، این بدان معنی است که در زمان حاکمیت آشوکا در افغانستان حکمرانی ایتیدیوم شروع نشده بود. با آغاز زمامداری ایتودیم، یکی از والیان آشوکا که بر حوزه کابل و گنده هارا حکم می‌راند به شکست مواجه شد. به این ترتیب حکمرانی موریایی‌ها در قسمت‌های جنوبی افغانستان از بین رفت. تا سال ۲۵۴ ق.م ایتودیم حملات باختر را تا مناطق جنوبی هندو کش رسانید و استقلال افغانستان را اعلام کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند هر گروه به ترتیب قلمرو و سرحدات حکمرانی هخامنشی‌ها، یونانی‌ها و موریایی‌ها را بروی نقشه نشان دهند.

سؤالات



۱. راجع به نخستین حکمران موریایی‌ها چه می‌دانید؟ تحریر دارید.
۲. بندو سارا به سلوکیدی چه نوشت؟ جواب چه بود؟ معلومات دهید.
۳. راجع به به عقیده آشوکا چه می‌دانید؟ بنویسید.

فصل دوم

مدنیت‌های اولیه در افغانستان

این فصل مشتمل بر درس‌های زیر می‌باشد:

۱- دولت‌های مستقل یونانو باختری.

۲- خصوصیات مدنیت یونان- باختری.

۳- شهر مشهور دوره یونان- باختری (آی خانم).

۴- عصر حکمرانی ساکها و پارتها.

۵- امپراتوری کوشانیها.

۶- بگرام پایتخت امپراتوری بزرگ کوشانی.

۷- هده مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانی.

۸- بامیان یا اماکن بزرگ بودایی.

۹- کیداریان یا کوشانیان کوچک.

۱۰- امپراتوری یفتلی‌ها.

۱۱- افغانستان مقارن ظهور اسلام.

اهداف فصل

- از شاگردان انتظار می‌رود که در پایان این فصل به اهداف ذیل برسند:
- شاگردان با دولت یونانو باختری، شهر آی خانم، حکمرانی ساکها و پارتها، امپراتوری کوشانیها و مراکز عمده آنها، حاکمیت کیداریان، امپراتوری یفتلی‌ها و وضعیت افغانستان مقارن ظهور اسلام آشنا شوند.
 - خصوصیات مدنیت یونانو باختری و طرز ساختمان شهر آی خانم را بیان کرده بتوانند.
 - ارزش ساحات باستانی بگرام، هده و بامیان را درک کنند.
 - با ساحات باستانی وتوریستی کشور علاقمند شوند.

مدنیت‌های اولیه افغانستان (دولت‌های مستقل یونانو باختری)

در این درس در مورد تأسیس دولت یونانو باختری، وضع سیاسی باختر که شامل مناطق سغد، مرو، بلخ و تخار می‌شد آشنا می‌شوید.

دیودتس اول بانی دولت یونان-باختری می‌باشد. وی در سال ۲۵۵ ق.م در باختر استقلال خویش را از سلوکیدها اعلام نمود. حکمرانی دیودتس دارای دو مرحله است. در مرحله نخست وی سکه‌هایی را ضرب زد که در یک روی آن عکس دیودتس و در روی دیگر آن چهره آنتیکیوس نقش شده بود؛ اما در مسکوکات مرحله بعدی حکمرانی او در یک طرف سکه چهره دیودتس و در روی دیگران جیوپتر (الهه رعد و برق) ترسیم شده است.

در زمان حکمرانی دیودتس هم زمان با اعلام استقلال باختر که شامل مناطق سغد، مرو، بلخ و تخار میشد. دیودتس اول در سال ۲۵۰ ق.م وفات یافت. بعد از مرگ او پسر وی دیودتس دوم به قدرت رسید. وی تا سال ۲۳۰ ق.م بر سرزمین باختر حکمرانی کرد. در این زمان مناطق دیگری همچون هرات و حوزه هریرود نیز به قلمرو تحت کنترل دیودتس دوم ملحق شد و روابط بین دولت پارت به رهبری ارساس و دیودتس هم استحکام یافت. به این ترتیب، دو دولت تازه استقلال یافته در برابر سلوکیدان با هم متحد شدند. زمامداری سلسله دیودتس مدت زیادی دوام نه یافت زیرا یک تن از قوماندان به نام آی تیدیوم در سال ۲۲۰ ق.م بر ضد وی قیام نمود و به حاکمیت سلسله دیودتس نقطه پایان گذاشت. آی تیدیوم در سال ۲۲۰ ق.م حاکم مستقل جدید باختر شد این درحالی است که حکمران یونانی شام آنتیکیوس دولت مستقل نو بنیاد پارتی را مورد حمله قرار داد و بعد از سقوط دولت پارت حملات خود را به طرف باختر آغاز کرد. آی تیدیوم غرض مقابله و جلوگیری از نفوذ دشمن به حوزه هریرود شتافت و در

آنجا در طی جنگ‌های سنگینی به شکست مواجه شد، بعد از آن به طرف مرکز خود زیراسپ رو آورد. او در آنجا به هدف دفاع از سرزمین تحت حاکمیت خود کمر همت بست. این دفاع دو سال به طول انجامید. طی همین مدت مناطق زیر حاکمیت اش در محاصره حاکم شام قرار داشت، تا اینکه بعد از دو سال بین دو جناح مصالحه صورت گرفت. به تعقیب آن زمینه توسعه و گسترش هرچه بیشتر حکمرانی او مساعد گردید.

آی تیدیوم اولین حکمران باختر بود که هنر یونانی را تا نیم قاره هند رساند. به باور یک تعداد مؤرخین بر اساس سنگ نوشته‌های خروشتی که در هند بدست آمده است معلوم می‌شود که صنعت کاران و هنرمندان یونانی تأثیر خود را بر مناطق هند گذاشته است

بعد از آیتیدیوم پسر وی دیمیتروس در سال ۱۹۰ ق.م. جانشین او شد. موصوف قلمرو تحت تسلط خویش را گسترش داد و نواحی تاکسیلا، کاتیاوار و موریای پته را از قید سلطه پادشاه هندی خارج ساخت دیمیتروس در نواحی مختلف قلمرو خود کار ساخت و ساز شهرهای جدید را آغاز کرد. که شهر کلات در اراکوزیا، سیالکوت و پتیاله در سندو هند از نمونه‌های بارز آن است.



نمونه از مسکوکات دیمتروک

آخرین حکمران سلسله یونان- باختری دیمیتروس بود که از جانب یک تن از قوماندانان خود به نام ایواکراتید شکست خورد. ایواکراتید سلسله حکمرانی جدید را اساس گذاشت. وی در سال ۱۸۱ قبل از میلاد در بلخ به قدرت رسید و بر تمام آریانای باستان حکم می‌راند. در زمان حکمرانی ایواکراتید بقایای خانواده‌ی آیدیوم به همکاری



نمونه از مسکوکات ایواکراتید

پارس بر ضد او دست به یک سلسله فعالیت‌ها زد. در نتیجه همین فعالیت‌ها بود که حاکمیت ایواکراتید دچار ضعف و تزلزل شد، و در سال ۱۳۵ ق.م مرکز حکمرانی خویش را به جنوب هندوکش یا کاپیسا انتقال داد. بعد از ایواکراتید پسر او هیلوکلیس بر مسند قدرت نشست. وی که آخرین حکمران دوره یونان-باختری شناخته می‌شد، دامنه قلمرو تحت سلطه خود را از شمال هندوکش تا گندهارا و جهلم وسعت داد. جمعاً سی و شش تن از حاکمان یونان - باختری بر سر زمین باختر حکمراندند. در سال صدم (۱۰۰) قبل از میلاد سلسله دیگری به نام ساکها در نواحی جنوبی افغانستان باستان رویکار شدند و روز به روز مناطق تحت تسلط خود را وسعت میدادند. و به صورت تدریجی حکمرانان محلی دوره یونانو باختری را خلع نموده و به سقوط مواجه ساختند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان موقعیت کاپیسا، پتیاله و جهلم را در نقشه‌ها نشان دهند.

سؤالات

۱. کدام یکی از حکمرانان یونانو باختری اولین بار استقلال باختر را از سلوکیدیان اعلام کرد؟ معلومات خویش را بنویسید.
۲. آی تیدیوم کی بود؟ معلومات خویش را بنویسید!
۳. آخرین امپراتور دوره یونان باختر که بر تمام حوزه باختر حاکمیت داشت چی نام داشت؟ مختصراً معلومات خویش را بنویسید.

فعالیت‌های بیرون صنف

شاگردان تصاویر مسکوکات دوره یونانو باختری را با استفاده از نشرات و کتابهای دیگر جمع آوری نموده و در صنف نمایش دهند.

در این درس پیرامون اهمیت و خصوصیات مدنیت یونانو باختری در افغانستان قدیم آشنا میشوید.

افغانستان از نظر عده زیادی از مؤرخین و محققین یک منطقه مهم استراتژیک محسوب میشود. مؤرخ شهر انگلیسی (تاینبی) از افغانستان به عنوان کانون مدنیت‌های قدیم و محل تلاقی آن‌ها یاد کرده است، اما باستان شناسان جاپانی (ماوریزویوتوزی) افغانستان باستان را چهار راه تجارتی لقب داده است؛ ولی علامه حبیبی افغانستان را مهد تمدن‌ها در منطقه معرفی کرده است. به همین ترتیب، القاب و عناوین دیگر نیز راجع به اهمیت افغانستان قدیم ذکر شده است.

از جمله مدنیت‌های مشهور تاریخی که در افغانستان و منطقه قابل شناخت است، مدنیت یونانو باختر می‌باشد.

مدنیت یونانو باختری اساساً مجموعه آمیزش دو تمدن است. یکی از این دو مدنیت بوسیله یونانی‌ها و همراه با آن‌ها به افغانستان و منطقه رسیده است و دیگر آن مدنیت ساکنین باختر بود که بر بنیاد مدنیت‌های قدیم آریایی انکشاف کرده بود. تزویج این دو تمدن در افغانستان و منطقه اساس مدنیت جدید را گذاشت. که در تاریخ بنام مدنیت یونان-باختر شناخته شده است.

یونانی‌ها در کشور شان مراحل مختلف تفکر و اندیشه عالی را متوالیاً پشت سر گذاشته بودند. یکی از این مراحل مرحله هیراکلت، افلاطون، بطليموس و سایر فیلسوفان بود این مرحله با امپراتوری یونانی یکجا تجلی یافت. در امور عمرانی تجارب مختلف را آزموده و از آن استفاده کرده بودند که از نمونه‌های آن می‌توان از هنر هیکل تراشی نام برد که به مرحله کمال رسیده بود. یونانیان همین گونه دست آوردهای مدنی دیگری نیز در کشور شان داشتند. یونانیان یکجا با فتوحات خود دست آوردهای مدنی خویش را به مناطق تحت تسلط شان آوردند که نمونه‌های آن در تمام مناطق تحت نفوذ ایشان خصوصاً در افغانستان قدیم آشکار است. معماران یونانی برای ساختن پایگاههای عسکری مناطقی را انتخاب مینمودند که از دو یا سه طرف به همکاری موانع طبیعی محافظت می‌شد. نمونه اینگونه معماری در مناطق مختلف افغانستان دیده می‌شود؛ بطور مثال: محل باستانی آی خانم که در مقاطع دریاهاى کوچک و آمو اعمار شده است و نیز محل باستانی بگرام یکی دیگری از نمونه این معماری میباشد که در محل مقاطع رود شتل و پنجشیر بنا یافته است.

مجسمه سازی و هیکل تراشی از نمونه‌های هنر یونانی است که در افغانستان قدیم به

مساعی هنرمندان افغانی زیاد انکشاف کرد. این هنر با موجودیت مجسمه‌های بامیان در ادوار اخیر به حیث میراث فرهنگی جهانی شناخته شده است. نمونه رسم الخط یونانی به روی سنگ نوشته‌ها بسیار قابل رویت است که در آن زمان در قسمت‌های مختلف کشور معمول بود. این رسم الخط‌ها منابع مطمئن و مهم حوادث تاریخی افغانستان می‌باشد.

مثال‌های مختلف تمدن یونانی که در روش‌های معماری در مجسمه سازی و کاربرد رسم الخط دیده می‌شود، به همت افغانها در افغانستان و منطقه انکشاف و توسعه یافت. ابتدا مردم این نوآوری‌ها را پذیرفته و پس از آن غرض تعمیم و ازدیاد آن زحمات زیاد کشیدند به همین ملحوظ در دوره تمدن یونان و باختر تمامی دست آوردهای یونان قدیم و باختر بصورت یونانی باقی نماند بلکه مطابق به اساسات و ارزشهای افغانی رشد کرد و چهره یک تمدن مشترک را بخود اختیار کرد که در تاریخ قدیم بنام مدنیت یونانو باختر مسمی شده است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و هر گروه در باره اینکه چرا مؤرخان به افغانستان قدیم القاب و نام‌های مختلف داده اند با هم بحث نموده و نتیجه را یکی به دیگران بیان نمایند.

سؤالات



۱. مؤرخین، افغانستان باستان را به کدام القاب یاد نموده اند؟ سه نمونه آنرا تحریر دارید.
۲. تأثیر متقابل هنر معماری یونانو باختر چه بود؟
۳. هنر مجسمه سازی یونانی در افغانستان چه تأثیر داشت؟ معلومات خود را بنویسید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان راجع به شکل، نوع و ساختمان، معماری قدیم از بزرگان خویش معلومات به دست آورده و آنرا در صنف به دیگران تشریح نمایند.

آی خانم شهر مشهور دوره یونانو باختری

در این درس در رابطه به آثار و شواهد به دست آمده از محل باستانی آی خانم که جزء تاریخ قدیم افغانستان محسوب میشود آشنامیشوید.

در محل تقاطع دریا‌های کوکچه و آمو در ولایت تخار ۲۳۰۰ سال قبل یک شهر دفاعی تأسیس شد که نشانه از مدنیت یونانو باختری می‌باشد. که در سال ۱۹۴۶ م از طرف باستان شناسان فرانسوی مورد کاوش و تحقیق قرار گرفت.

آی خانم اسم ترکی است که آی بمعنی (ماه) و خانم به معنی زن استعمال میشود. بعضی اوقات اهالی محل برای این منطقه نام ماه خانم را هم استعمال میکنند با آنکه مشخص نیست که نخستین بنیانگذار این منطقه باستانی چه کسی بوده است، ولی بر اساس شواهدی که ازین محل به دست آمده است و یا از بعضی متون تاریخی بر می‌آید، آشکار می‌سازد که نخستین بار اساس این شهر را اسکندر مقدونی گذاشته است، جغرافیه دان معروف یونانی بطليموس در آثار خود بنام اسکندریه اکسوس از یک محل تذکر داده که بدون شک آی خانم کنونی است.

تحقیقات باستان شناسان فرانسوی نشان داد که اهالی نخستین این شهر با مهارت و دقت کامل میتود نوین معماری را از میان روش‌های معماری شرقی و غربی به وجود آوردند که از جایگاه و مقام خاصی برخوردار است. بطور مثال جهت استحکام بعضی از عمارات، در تهداب بجای خشت خام از خشت پخته کار گرفته شده، از زغال به مقصد جلوگیری از رطوبت یک لایه (طبقه) بخصوص ساخته شده و برای تزئین این بناها از سنگ چونه (آهک) کار گرفته شده است.

تحقیقات پی هم باستان شناسان نشان داد که آی خانم کانون ممزوج تمدن یونانو باختری



ستون‌های آی خانم

میباشد، این شهر باستانی بوسیله دیوار بزرگی احاطه شده که طول آن به ۱۵۰۰ و ارتفاع آن به ۱۰ متر میرسد. اگر بقایای عمارات بدست آمده از این محل و ویرانه‌های که مورد کاوش قرار گرفته از نظر موقعیت و حالت ملاحظه شود به وضاحت آشکار میشود که در بخش مرکزی این شهر دفاتر و در حوالی آن خانه‌های مسکونی آباد شده بود. قسمت وسطی این شهر که ۳۰۰ در ۳۰۰ متر ساحه را احتوا میکند، به شکل حویلی نمایان میشود که در اصل پایتخت حاکمان و مرکز اداری همان وقت بوده است.

این حویلی که ۱۳۰ متر طول و ۱۸۰ متر عرض داشت به شکل مستطیل ساخته شده و در چهار اطراف خود دارای (۱۱۶) ستون میباشد. و همین طور یک تالار بزرگ که طول آن ۲۷ و عرض آن به ۱۷ متر رسیده در وسط حویلی بزرگ دید بیننده را به خود جلب می‌کند. از خانه‌ها و اتاقهای داخل محوطه آی خانم آثار و شواهد زیادی بدست آمده که از عظمت مدنیت یونانو باختری نماینده گی میکند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، گروه اول راجع به بنیانگذار آی خانم معلومات ارائه داشته گروه دوم راجع به موقعیت آی خانم معلومات ارائه بدارند.

سؤالات



۱. راجع به وجه تسمیه و موقعیت آی خانم چه میدانید؟ بنویسید.
۲. در آی خانم مسکوکات کدام دوره دریافت شده؟ معلومات دهید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان با استفاده از صحبت با بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی راجع به ولایت تخار و آی خانم معلومات جمع آوری نموده و در صنف آنرا توضیح نمایند.

ساکها و پارتها

در این درس راجع به حاکمیت ساکها و پارتها در ساحات جنوب افغانستان چون اراکوزیا «کندهار» سکستان «سیستان» معرفت حاصل می‌نمایید.

آخرین حکمران دوره یونانو باختری امپراتور هیلو کلیس بود، وی بر تمام امپراتوری یونانو باختری حاکمیت داشت. بعد از او حاکمان محلی بوجود آمدند که هر یکی از ایشان بر منطقه کوچکی حکم میراند. این وضعیت تا صد سال قبل از میلاد ادامه یافت. در این زمان در مناطق جنوب و جنوب شرقی افغانستان قدیم زمامداری سلسله جدیدی به نام ساکه یا ساکها آغاز شد.

در ساحات جنوب افغانستان باستان چون، اراکوزیا (کندهار) سکستان (سیستان) قوم نیرومندی به نام ساکها حاکمیت خویش را اساس گذاشتند. نخستین حاکم این نیروی جدید به نام هرایوس شناخته شده است، وی همچون امپراتوران یونانو باختری به نام خود سکه ضرب می‌زدند.

این سلسله به مدت کوتاهی دامنه متصرفات شان را تا تاکسیلا، سند و حوالی بولان گسترش دادند، و نواحی جنوب و جنوب شرقی امپراتوری یونانو باختری را نیز تحت کنترل خویش در آوردند.

بعد از هرایوس، مایوس در (۷۲) سال قبل از میلاد به قدرت رسید. وی به روی مسکوکات خویش عنوان شهنشاه را نوشت، یک نامه که از زمان حاکمیت وی بدست باستان شناسان رسیده و بر روی پارچه مسی تحریر شده، از این نامه استنباط میشود که در این ناحیه ۷۸ سال قبل از میلاد، استفاده از رسم الخط یونانی و خروشتی آشکارا ظاهر میشود. هفت قسم مسکوکات زمان مایوس به دست باستان شناسان رسیده است.

بعد از مایوس دو تن از وارثین وی شناسایی شده که حکمرانی هردوی ایشان ۵۰ سال قبل از میلاد در اثر فشار اقوام سیتی پایان یافت و امپراتوران کوشانی ایشان را از قدرت خلع نمود و متصرفات ایشان را نیز تحت سیطره خود در آوردند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان بین هم راجع به ساکها و پارتهای گفتگو نموده، و از یکدیگر سوال کنند و جوابات آنرا نیز خود ایشان ارزیابی کنند.

سؤالات



- ۱- اولین مرکز ساکها در کجا بود؟ معلومات دهید.
- ۲- نخستین حکمران ساکها چه نام داشت؟ مختصراً معرفی نمایید.

فعالیت‌های بیرون صنف



شاگردان از بزرگان شان پرسند که آیا قریه یی را به نام ساک‌ها می‌شناسند، یا خیر هر کدام معلومات خویش را در صنف ارائه بدارند.

امپراتوری کوشانها

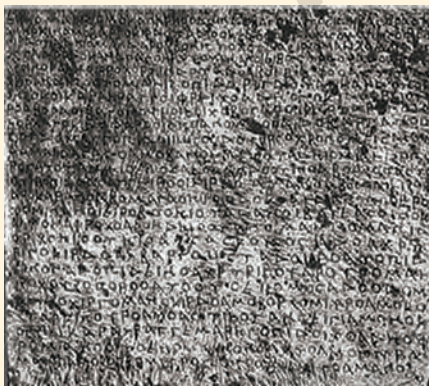
در این درس راجع به تأسیس امپراتوری کوشانی‌ها، و امپراتوران مهم آن‌ها و کتیبه رباتک آشنا میشوید.

نام کوشانها از کلمه کوشان گرفته شده است، کوشان یکی از جمله اقوام یوچی بود که دریای آمو را عبور نمودند و در بلخ به حاکمیت یونان-باختری خاتمه بخشیدند. در آغاز حکمرانی کوشانیان، سه ولایت دیگر با بلخ ملحق شد و اساس یک امپراتوری جدید را گذاشتند. در آن زمان چهار امپراتوری بزرگ بر مناطق وسیعی آسیا و اروپا حاکمیت داشتند که یکی از آن‌ها امپراتوری کوشانها بود.



دو روی یک سکه کجولا کد فیسیس

کتیبه رباتک



مؤسس امپراتوری کوشانی، کجولا کد فیسیس می‌باشد. نامبرده سه حاکم محلی را که به حاکمیت یونانو باختری خاتمه بخشیده بودند، و در بلخ و نواحی همجوار آن حاکم بودند، یکی را پی دیگر تحت سیطره خود در آورد. کجولا کد فیسیس قبل از آنکه اعلان پادشاهی

کند، ریاست (رهبری) قوم خویش را به عهده داشت. او در سال ۴۰ م اعلان پادشاهی کرد و تا سال ۸۰ بر نواحی زیادی از آریانای کهن یعنی به مدت ۴۰ سال حکمرانی داشت او در اواخر دوره حکمرانی خویش لقب شهنشاه را بخود اختیار کرد.

بعد از مرگ کجولا کدفیسیس پسر او ویما تکتو بر اریکه قدرت نشست بعد از ویما تکتو پسر وی ویما کدفیسیس تا سال ۱۲۷ م حاکمیت داشت. ویما کدفیسیس اولین امپراتور کوشانیها بود که حدود کشور را در جنوب تا دریای گنگا وسعت داد. ویما کدفیسیس با کشور چین روابط دوستانه داشت و به دربار امپراتور روم تراجان یک سفیر فرستاد و با آنها روابط تجارتي و اقتصادی برقرار نمود. در این دوره تأثیر هنر سکه سازی روم نمایان گردید.

تازه ترین معلومات راجع به امپراتوری کوشانی از سنگ نوشته رباتک بدست آمده است. این سنگ نوشته به صورت غیر مترقبه از منطقه به نام رباتک واقع در وسط ولایات سمنگان و بغلان به دست آمد، به این خاطر بنام رباتک مسمی گردید. در این سنگ نوشته راجع به عصر کوشانیها معلومات تازه که قبلاً از آن اطلاع در دست نبود آشکار شد.

بطور مثال: در گذشته باور بر این بود که خانواده کدفیسیس ها و سلسله کوشانی از هم جدا اند، ولی سنگ نوشته رباتک ثابت ساخت که این هر دو خانواده یکی بوده و ذهنیت مبنی بر جدایی این دو سلسله را نادرست ثابت کرد.

کنشکای کبیر پسر ویما کدفیسیس، بعد از مرگ پدرش به قدرت رسید. کنشکا در تاریخ قدیم افغانستان یک امپراتور مقتدر و از شهرت خاصی برخوردار است. حدود امپراتوری وی از طرف شرق به بنارس هندوستان، از طرف غرب به امپراتوری



سکه طلایی کنشکا

پارتها، و از شمال تا کاشغر و یارکند میرسید. هم چنان در شرق با چین و در غرب با روم روابط تجارتي داشت، در زمان کوشانیها راه مشهور ابریشم خصوصاً در زمان حاکمیت کنشکا، شهرت خاص جهانی یافت. کنشکا برای اداره امور امپراتوری خویش دو مرکز (پایتخت) داشت. وی پایتخت تابستانی خویش را بگرام و پایتخت زمستانی اش را



تصویر مجسمه سنگی کنشکا

پشاور انتخاب کرده بود.

امپراتوران مهم کوشانی‌ها به ترتیب زمانی:

۱- کجولا کد فیسیس از سال ۴۰ میلادی تا سال ۸۰ میلادی.

کجولا کد فیسیس بنیانگذار امپراتوری کوشانی‌ها است که به مدت ۴۰ سال بر آریانای کهن و مناطق باختر حاکمیت داشت.

۲- ویماتکتو از سال ۸۰ م تا ۱۰۵ میلادی حکمرانی نمود نامبرده برای نخستین بار بر

اساس سنگ نوشته رباطک شناخته شد. سنگ نوشته رباطک در سال ۱۳۷۲ هـ. ش در منطقه بین بغلان و سمنگان کشف شد.

۳- ویماکد فیسیس از ۱۰۵ تا ۱۲۷ م امپراتور کوشانی‌ها بود که مرز کشورش را تا سواحل دریای گنگا رساند و به دربار تراجان امپراتور روم سفیر فرستاد.

۴- کنشکا از ۱۲۷ تا ۱۴۷ م حکومت نمود وی بزرگترین امپراتور سلسله کوشانی است که وسعت امپراتوری آن از شرق تا گنگا و بنارس هند از طرف غرب به امپراتوری پارتها و از طرف شمال تا کاشغر و یارکند میرسید.

۵- هوویشکا از ۱۴۷ تا ۱۸۲ م.

۶- واسودیوا از ۱۸۲ م تا ۲۲۰ م آخرین حکمران امپراتوری کوشانیان بود که بر تمام امپراتوری بزرگ کوشانی‌ها حاکمیت داشت. بعد از واسودیوا، حکمرانان محلی حاکمیت مرکزی را به مخاطره انداختند.

عوامل سقوط امپراتوری کوشانی: عوامل سقوط امپراتوری کوشانی‌ها تا هنوز به

صورت درست مشخص نشده، اما مواردی نظیر توجه بیش از حد حاکمان کوشانی به طرف هند، نیرومندی روز افزون امپراتوری ساسانی در غرب امپراتوری کوشانی، حملات قبایل یفتلی در شمال کشور، تمرد حاکمان محلی از فرمان حکومت مرکزی، حملات پی هم نیروهای نو

ظهور در داخل امپراتوری کوشانی، از جمله عواملی بود که زمینه فروپاشی امپراتوری کوشانی را مساعد ساخت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه دسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به مؤسس سلسله کوشانی‌ها، دسته دوم راجع به سنگ نوشته رباطک و دسته سوم در رابطه به حکمرانان مشهور کوشانی به همصنفان خویش معلومات ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- مؤسس کوشانی‌ها کی بود؟ معلومات خود را بنویسید.
- ۲- راجع به سنگ نوشته رباطک چه میدانید؟ تحریر دارید.
- ۳- فهرست اسامی حکمرانان مشهور امپراتوری کوشانی را بنویسید.

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان تصاویر مربوط به دوره کوشانی را که در داخل و خارج از کشور به دست نشر سپرده شده باشد جمع آوری نمایند.

سه مرکز عمده دوره کوشانی

اول- بگرام پایتخت امپراتوری بزرگ کوشانی

در این درس راجع به تحقیقات دانشمندان در مورد محل باستانی افغانستان یعنی بگرام پایتخت تابستانی کوشانی ها معلومات حاصل مینمایید.

کنشکا بزرگترین امپراتور سلسله کوشانی، بگرام را پایتخت تابستانی خویش قرار داد، تحقیقات باستان شناسان این مطلب را واضح ساخته که بگرام قبل از آنکه مرکز اداری کنشکای کبیر تعیین گردد، اسکندر مقدونی در آنجا یک شهر دفاعی را اساس گذاشته بود، در آثار کتبی که از اسکندر مقدونی به شکل خاطرات بجا مانده راجع به مناطق بگرام و کاپیسا معلومات مطلوب دارد. در همین خاطرات تحت نام اسکندریه قفقاز تذکرات راجع به بگرام فعلی موجود است. تمام مناطق امپراتوری کوشانی که سرحدات آن در شرق از خوقند، یارکند و نیپال شروع میشد و تا مناطق اصفهان و سیستان در غرب و همچنین سرحدات شمالی آن از سیر دریا، خوارزم و سغد شروع و تانواحی پوتالی پوترا، سری چامپای هند مرکزی الی بحیره هند میرسید. در تابستان از مرکز بگرام و در فصل زمستان از پشاور اداره میشد.

برگرام برای نخستین بار توسط باستان شناسان فرانسوی در سال ۱۹۳۷ م سروی و مورد کاوش قرار گرفت. از تحقیقات گرشنم باستان شناس فرانسوی استنباط میشود که این شهر



بدست ماهرین یونانی ساخته شده باشد، نامبرده شهر بگرام را از نظر ساختمان و ممیزات معماری با شهرهای یونان مقایسه کرده و در میان این شهرها مشابهت‌ها و خصایص زیادی را بر ملا ساخته است. که نمونه از این گونه مشابهت‌ها و خصوصیات بسیار زیاد است ولی توجه گرشن به این نکات معطوف شده است.

شهرهای متذکره در محل تقاطع دریاها ساخته شده، از نظر نظامی دفاع از این شهرها از سه جهت آسان به نظر میرسد، و در مکان‌های بلند و نقاط حاکم بر مناطق اطراف خویش اخذ موقع نموده است.

از بگرام به پیمانه وسیع مسکوکات طلایی، آثار عاجی، وسایل ارزشمند برونزی، آثار نایاب و ویژه یونان، روم، مصر، چین، هند و بعضی نواحی دیگر جهان به دست آمده است، این آثار به صورت متواتر به موزیم ملی افغانستان ارسال میشد و در موزیم ملی اتاق مخصوص به نام بگرام افتتاح گردید که مورد توجه زیاد محققین و زائرین واقع شده بود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به کاوش‌ها در بگرام، دسته دوم در رابطه به خصوصیات بگرام و گروه سوم راجع به آثار به دست آمده از بگرام، معلومات خود را به همصنفان خویش عرضه نمایند.

سؤالات



- ۱- کاوشگری بگرام در کدام سال آغاز شد؟ معلومات خویش را بنگارید.
- ۲- خصوصیات ساختمانی بگرام چگونه است؟ مختصراً شرح دهید.
- ۳- اسامی چند نوع آثار بدست آمده از بگرام را بنویسید؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان راجع به بگرام معلومات بدست آورده و آنرا در صنف برای دیگر همصنفان شان توضیح نمایند.

دوم: هده مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانی

در این درس پیرامون هده، مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانی‌ها، معلومات حاصل خواهید کرد.

مؤرخین و دانشمندان مناطق شرقی افغانستان باستان را که تا به گوشه‌های شمالی هند کنونی میرسید، بنام گندهارا یاد کرده اند.



هیرودت و استرابون مؤرخین یونانی نواحی گندهارا را در آثار خویش بنام گنداریس ثبت کرده، که مناطق میان کابل و کنر را در بر میگرفت. افزون بر اینکه در دوره اسکندر مقدونی از گندهارا نامبرده نشده، ولی در آثار حکمرانان دوره یونانو باختری که بر تمام حدود افغانستان قدیم حاکم بود، از این منطقه بنام گنداراتی (Gandarati) و یا گنداروا (Gandarwa) تذکر بعمل آمده است. که مناطق ناگاکا را (ننگرهار) کوهش (کنر)، پورا شاپورا (پشاور)، سراسوتی (سوات) در آن شامل می باشد.

یکی از مراکز بزرگ فرهنگی گندهارا واقع در نزدیکی مرکز جلال آباد کنونی منطقه هده است، که در متون کهن بنام هیلو یاد شده، هیلو محل متبرک بودائیان قدیم و مرکز عمده عبادت آنها بود، در سفرنامه‌هایی که از زایرین چینی به میراث مانده، در رابطه به این محل معلومات مطلوب وارزشمندی وجود دارد. فاهیان اولین زایر چینی بود که در سال

۴۲۰ م از هده دیدن نمود، بعد از آن سوینگ یون در سال ۵۲۰ م از هده دیدن بعمل آورده و مطالب زیادی در این باره ثبت کرده است.

چرا هده پایتخت فرهنگی امپراتوری کوشانی محسوب میشود؟

بر اساس تحقیقات و کاوش‌های پی‌در پی که باستان‌شناسان در مورد هده انجام داده‌اند و نتایجی که از آن بدست آمده می‌رساند، مهمتر از همه اولین عامل مؤثر موجودیت شرایط و امکانات مورد ضرورت بوده که در زمان امپراتوری کنشکا فراهم شد، عامل دوم تغییرات و نوآوری در بودیزم قلمداد شده است و عامل سوم ذکاوت و ظرافت فکری گندهارایی‌ها را یاد کرده که در تمام عالم بودایی برای نخستین بار ابتکار ساختن مجسمه بودایی را نمود به قول میسو فوشه باستان‌شناس فرانسوی مجسمه بودا در گندهار را توسط گندهاری‌ها ساخته شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه دسته تقسیم گردند، دسته اول راجع به نام هده، و گروه دوم در مورد عوامل انتخاب هده به حیث پایتخت فرهنگی و گروه سوم در رابطه به چگونه گی ساختن مجسمه بودا به دیگر هم صنفان خویش معلومات ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- تاریخ هده را مختصراً شرح دهید؟
- ۲- هده چرا پایتخت فرهنگی امپراتوری کوشانیان محسوب میشود؟ معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج صنف

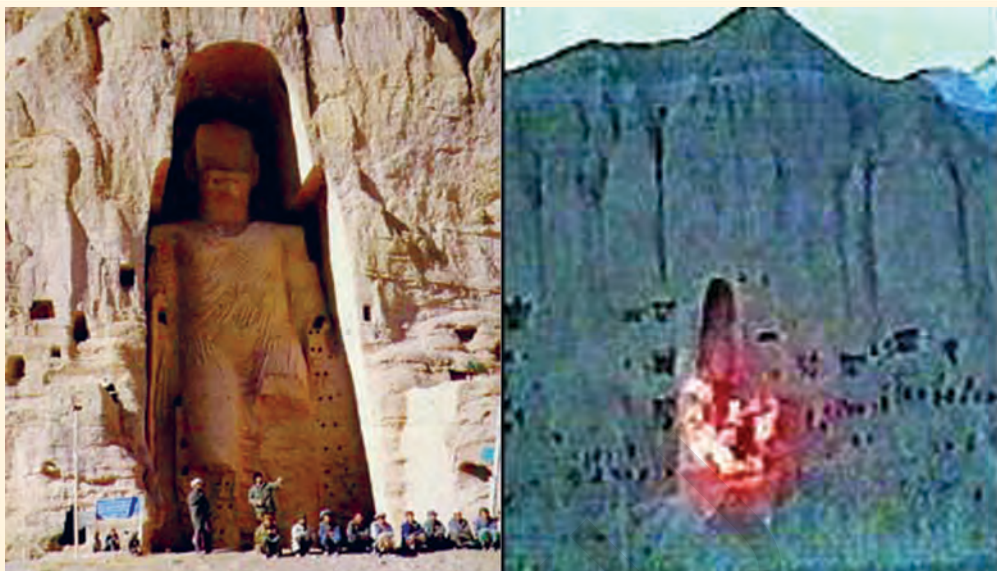
شاگردان راجع به هده معلومات تهیه نموده و به همصنفان خود آنرا بخوانند.

در این درس راجع به تمدن گریکو بودیک و اهمیت بامیان باستان آشنامیشوید.

تمدن گریکو بودیک اساساً در افغانستان قدیم بوجود آمد و انکشاف کرد که بعداً به دیگر نواحی همجوار انتشار یافت. تا زمانی که کنشکای کبیر به آئین بودایی نگراییده بود. این آئین در محدوده هند به عنوان یک عقیده بی تحرک باقی مانده بود، همینگونه هنرمندانی که از یونان آمده بودند، در راه ترویج هنر خویش با تفکر شرقی با یک رشته مشکلات مشخص نیز مواجه بودند، که در زمان حاکمیت کوشانی ها این معضلات بوسیله هنرمندان و ماهرین افغانی برطرف شد و زمینه برای اتحاد هنر یونانی و ارزش های هندی فراهم گردید که در نتیجه تمدن بزرگ تاریخی بوجود آمد که بنام گریکو بودیک نامیده میشود.

تمدن گریکو بودیک از یکطرف بر جامعه قدیم افغانستان تأثیرات همه جانبه از خود بجا گذاشت، و از طرف دیگر این مدنیت مناطق جاپان، چین، کوریا، و از سریلانکا گرفته تا





هند، سیر دریا و تاجیکستان را تحت تأثیر خود در آورد. از نقاط مختلف جهان غرض ادای مراسم مذهبی تعداد زیادی راهبان، زائرین و توریست‌ها نیز به هدف دیدار از معابد بودایی به افغانستان بویژه به بامیان باستان سفر مینمودند. قدیمیترین معلومات راجع به بامیان بواسطه زائرین چینی نوشته شده، فاهیان یکی از جمله قدیمی‌ترین زائرین چینی است که در رابطه به بامیان تحقیقات نموده است.

وی در سال ۴۰۰ م از بامیان دیدن نموده و راجع به مجسمه‌های بزرگ معلومات مفید را برشته تحریر در آورده است.

نامبرده می‌نویسد دره‌های بامیان سرسبز و پاک است، اطراف مجسمه‌های بزرگ هر روز شسته میشود، تعداد زیاد مدارس مذهبی موجود است، هر روز زائرین و تاجران به این منطقه در رفت و آمد هستند، صومعه‌های خاص برای راهبان ایجاد شده و برای مواشی و حیوانات محلات جداگانه وجود دارد. بعد از فاهیان هیوان تسنگ از بامیان دیدن بعمل آورد و در سفر نامه‌های خویش مطالب مهم را گرد آورده است. به قول وی در بامیان بیشتر از ده خانقا

وجود دارد که در آن‌ها کم از کم یک هزار تن واعظین برای تبلیغ مذهب بودایی گماشته شده، ده‌ها مدرسه موجود است که در یکی از آن‌ها کم و بیش یک‌هزار شاگرد است. هیوان تسنگ مجسمه‌های خورد و کوچک را دیده است، اما یکی از این مجسمه‌ها هر صبح در مقابل نور آفتاب رنگ طلایی را بخود می‌گرفت و طوری ظاهر میشد که گویا از طلا ساخته شده باشد.

بعد از آغاز کاوش‌ها و تحقیقات رسمی در افغانستان در سال ۱۹۲۲ م، برای اولین بار مجسمه بزرگ بامیان از طرف باستان شناس فرانسوی (الفرد فوشه) مورد تحقیق قرار گرفت. او در تحقیقات خود ثابت کرد که در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی دو مجسمه بزرگ بودا به نام صلصال و شمامه ساخته شده است.

کار کاوش و تحقیقات علمی راجع به این مجسمه‌های بزرگ بوسیله باستان‌شناسان فرانسوی آغاز شد و در پی آن باستان شناسان از کشورهای دیگری هم در این خصوص تحقیقات و نوشته‌های کرده اند که به عنوان مثال میتوان از باستان شناسان هندی، جاپانی، چینی و افغانی یاد کرد.

دو مجسمه بزرگ بودا در بامیان در سال ۲۰۰۱ م در زمان تسلط طالبان از بین رفت. دو سال بعد از تخریب این مجسمه‌ها در سال ۲۰۰۳ م بامیان در فهرست اداره میراث‌های فرهنگی ملل متحد یا یونسکو شامل شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به دیدگاه‌های زایران چینی در خصوص بامیان، گروه دوم در رابطه به معلومات دانشمندان اروپایی، و دسته سوم بعد از کاوش‌های رسمی در افغانستان راجع به بامیان معلومات خویش را با دیگر هم صنفان شان شریک سازند.

سؤالات



- ۱- زایرین چینی در سفرنامه‌های خود در خصوص بامیان چه معلومات را تحریر نمودند؟ بنویسید.
- ۲- معلومات ابتدایی دانشمندان اروپایی در رابطه به بامیان چه بود؟ بنویسید.
- ۳- بعد از تحقیقات رسمی راجع به بامیان چه میدانید؟ تحریر دارید.

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان با استفاده از بزرگان خویش راجع به ولایت بامیان معلومات جمع آوری نموده و در صنف آنرا به دیگران شرح دهند.

در این درس در مورد حاکمیت کیداریان و آغاز حکومت‌های محلی در امپراتوری کوشانی‌ها در بلخ و وضع سیاسی آن‌ها معلومات حاصل مینمایید.

بعد از مرگ واسودیوا، دوران حاکمان محلی در امپراتوری کوشانی آغاز شد، مرکزیت اداری این امپراتوری بزرگ از بین رفت، حکمرانان محلی بر اساس منافع و سلیقه‌های شخصی ادارهٔ امور را به پیش میبردند، در قسمت‌های غربی امپراتوری کوشانی حاکمان متمرّد روابط خود را با امپراتوری نو بنیاد ساسانی برقرار کردند که در حقیقت این روابط سعی برای حفظ موجودیت شان بود، که کم از کم نیم قرن دوام یافت.

نیروهای ساسانی قادر نشدند تا تمام افغانستان را متصرف شوند، گاهی بر یک منطقه و گاهی بر منطقهٔ دیگری از راه تفاهم با حکمرانان محلی و بعضاً با استفاده از نیرو میخواستند امپراتوری شان را توسعه بخشیده و ریشه دار سازند، اما به قدرت رسیدن کیداریان در بلخ و وجود روحیهٔ استقلال طلبانه در حکمرانان کیداری سبب شد تا جریان جنگ‌های پی در پی ایشان با ساسانیان به درازا بکشد و مقاومت در برابر ایشان تقویت گردد، روی همین ملحوظ بود که اوقات بیشتری کیداریان در جنگ با ساسانیان گذشت.

کیداریان از بقایای حکمرانان کوشانی اند. یک شهزاده مربوط خانواده کوشانی که کیدار نام داشت، ادارهٔ امور حکومتی را در بلخ بدست گرفت، اما از حاکمیت کیداریان در بلخ دیری نگذشت که در شمال، مورد حملات پی هم قبایل یفتلی قرار گرفت؛ بنابر آن، کیدار پایتخت (مرکز اداری) خود را به سمت غرب هندوکش منتقل کرد و بدون جنگ کابل و گندهارا را تحت تسلط خویش در آورد. حاکمیت کیدار مصادف با سال ۳۲۵ م آغاز دوران کوشانی‌های کوچک محسوب میشود.

راجع به دورهٔ کیداریان و کابل شاهان معلومات زیادی تا به حال یا بر اساس مسکوکات و یاهم مبنی بر نوشته‌های چینی‌ها به دسترس قرار گرفته است. از مسکوکات کیداری طوری آشکار میشود که جنگ‌های زیادی میان کیداریان و ساسانیان واقع شده و حملات زیادی نیز متقابلاً بر یکدیگر انجام داده اند، در زمان حاکمیت کیدار جنگ و مخالفت با ساسانیان هشت (۸) سال دوام داشت. در خصوص جنگ‌ها بین کیداریان و ساسانیان، فوستس مؤرخ

ارمنستانی نوشته است «در سالهای ۳۶۷ و ۳۶۸ م جنگ‌های سختی صورت گرفت که در نتیجه آن ساسانیان شکست سختی را متحمل شدند.»

در زمان حکمرانی کیدار در کابل از پسر وی کنگاس نیز ذکر شده وی در زمان حکمرانی پدرش اداره یک تعداد مناطق را بر عهده داشته است. بعد از مرگ کیدار پسر دیگری او بنام پیرو به قدرت رسید، نامبرده از ۳۷۵ الی ۳۸۰ م زمام امور را بدست داشت. یک مقدار مسکوکات طلایی نیز ازین دوره بدست آمده است.

بعد از پیرو بهرام، یکی دیگر از حکمرانان کابل شاهان یا کیداریان زمام امور را بدست گرفت. بعد از بهرام نواحی جنوبی هندوکش تحت حملات نیروهای یفتلی قرار گرفت که در نهایت به حکمرانی کیداریان و یا کوشانیان کوچک نقطه پایان گذاشت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، بعد از مباحثه دسته، اول راجع به نخستین حکمران کیداریان و دسته دومی در رابطه به حکمرانان بعدی این سلسله به هم صنفان خویش معلومات دهند.

سؤالات



- ۱- نخستین حکمران کیداریان کی بود؟
- ۲- راجع به روابط بین ساسانیان و کیداریان چه میدانید؟
- ۳- حکمرانان بعدی کیداریان کی‌ها بودند؟ معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان علاوه بر کتاب مکتب، با استفاده از منابع دیگر راجع به کیداریان معلومات جمع آوری نموده و در صنف درسی آنرا به خوانش بگیرند.

در این درس پیرامون ایجاد امپراتوری یفتلی ها، امپراتوران مهم آن ها و سقوط این امپراتوری آشنایی شوید.

بنابر عقیده سراولف کارو مؤرخ انگلیسی، یفتلیان از آسیای مرکزی به طرف جنوب در حرکت افتادند و نخستین اداره خود را در سال ۴۲۵ م در تخار ایجاد نمودند، تخار و بعضی از مناطق هندوکش را از سیطره کیداریان یا کوشانیان کوچک خارج ساختند و به تصرف خود در آوردند، اما در پی جنگ های سنگین با ساسانی ها مجبور به دفاع از مناطق خود شدند. این قبایل تعداد زیادی از عمارات بودایی را ویران نمودند و عبادت گاه های آفتاب پرستی را به حال خود گذاشتند. جنگ میان یفتلیان و ساسانیان زمانی شدت گرفت که یفتلی ها بر مناطق جنوب هندوکش حاکم نشده بودند، اولین جنگ بین حکمرانان یفتلی و ساسانی در سال ۴۲۷ م اتفاق افتاد که بهرام گور ساسانی بالای مرو و مرغاب حمله



سرحداث افغانستان در زمان یفتلی ها



مسکوکات یفتلی‌ها

نمود، ولی حاکم یفتلی (خاقان) از قلمرو حاکمیت خود با قاطعیت دفاع کرد و نیروهای ساسانی را به شکست مواجه ساخت. در سال ۴۳۸ م پسر بهرام یزدگرد دوم بازم بر نواحی متصرفه یفتلی‌ها حمله کرد و وی نیز به شکست سختی مواجه شد به تعقیب آن فیروز اول هم یکبار دیگر راه جنگ با یفتلی‌ها را در پیش گرفت، ولی این بار حکمران یفتلی اخشنور شکست طاقت فرسایی را به فیروز ساسانی تحمیل کرد و وی مجبور شد تا جهت حفظ حاکمیت خویش قباد پسر خود را تسلیم اخشنور نماید. وی برای مدت دو سال مالیات زیادی به حاکمان یفتلی پرداخته و سرانجام خود را رهایی بخشید.

اخشنور بعد از جنگ با فیروز توانست تا وحدت آریانای قدیم را مجدداً تأمین کند، نواحی جنوبی هندوکش را متصرف شد زابل را منحصراً مرکز خود انتخاب کرد و از همانجا پلان‌های تسخیر مناطق دیگر را اتخاذ می‌نمود. این در حالیکه جنگ و تشنج میان حاکمان ساسانی افزایش یافته بود، تاحدی که ولاش برادر فیروز بوسیله یکی از وزرای خویش عزل واز نعمت چشم نیز محروم شد. بعد از این هرج و مرج‌ها در میان حکمرانان ساسانی، پسر فیروز، قباد که مدتی زیادی نزد اخشنور گروگان باقی مانده بود، به حکمرانی

ساسانی‌ها رسید. قباد با حاکمان یفتلی راه دوستی را در پیش گرفت. درین حال توجه حکمرانان یفتلی به طرف هند معطوف شد.

اخشنور کم از کم نیم قرن حاکمیت داشت، حکمرانان ساسانی مثل ولاش و قباد خراج گذار وی بودند، او در هند خاندان گوپتا را درهم کوفت، تا سال ۴۶۰ م بیشتر از ۴۰ ولایت آنرا تحت تسلط خویش در آورد، بعد از اخشنور پسر وی تورمنه به قدرت رسید وی در مسکوکات خویش خود را امپراتور زابل تورمنه یاد کرده است. تورمنه قلمرو حاکمیت خود را تا نواحی مرکزی هند وسعت داد و در سال ۵۰۲ م وفات یافت. بعد از وی پسر او مهراکولا بقدرت رسید. مهراکولا جهت وسعت دامنه حاکمیت خود بر هند حملات انجام داد و خاندان گوپتا را مجبور به پرداخت باج کرد.

با حکمرانان بنگال نیز جنگ‌هایی کرد و تعداد زیادی مراکز بودایی را منهدم کرد، مهراکولا در سال ۵۴۲ م فوت کرد و همزمان با مرگ او زوال امپراتوری یفتلی هم آغاز شد. هند و بنگال دوباره بدست حکمرانان محلی افتادند و در افغانستان نیز زمینه قدرتمند شدن حاکمان محلی فراهم شد. در پی فروپاشی امپراتوری یفتلی در افغانستان دوره دیگری بنام کوشان- یفتلی که همانا دوره حکمرانان محلی بود آغاز شد. در این دوره میتوان از کابل شاهان رتبیل شاهان، شیران بامیان و تگین شاهان یاد کرد که در نقاط مختلف هر یکی حاکم بودند از ویژه گی این دوره در افغانستان حاکمیت حکمرانان محلی و مقاومت‌های پی در پی است که در نقاط مختلف افغانستان در برابر نیروهای اسلامی صورت گرفته است. از نظر زمانی این دوره عمدتاً از قرن ششم میلادی الی اواخر قرن هشتم میلادی دوام مییابد که مصادف میشود با آغاز حکومت مستقل اسلامی در افغانستان.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، گروه اول کار و نظریه مؤرخ انگلیسی را در خصوص حکمرانان یفتلی بیان داشته و دسته دوم معلومات خویش را در رابطه به حاکمیت اخشنور به دیگر هم صنفان خود ارائه دارند.

سؤالات



- ۱- یفتلیان از کجا آمدند؟ معلومات دهید.
- ۲- راجع به اخشنور حکمران یفتلی چه میدانید؟
- ۳- راجع به تورمنه هر چه میدانید؟ بنویسید.

فعالیت بیرون صنف



شاگردان در رابطه به یفتلی ها مطالبی را تهیه و آن را در صنف ارائه نمایند.



تصویر مسجد نه گنبد بلخ که اولین مسجد در افغانستان شمرده میشود

در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی سرزمین افغانستان به وسیله امرای محلی و بعضی از بقایای کوشانیان و یفتلیان اداره میشد. برای اینکه تصویر جامعی از اوضاع افغانستان مقارن ظهور دین مبارک اسلام ارائه گردد باید این بحث را به طور مختصر تحت دو عنوان مطالعه نماییم.

الف: اوضاع سیاسی

مقارن ظهور دین مقدس اسلام، افغانستان از لحاظ سیاسی در حالت پراکنده گی و تشتت بسر می برد. از یک طرف موجودیت دو امپراتوری نیرومند در شرق (امپراتوری گپتاها) و در غرب (امپراتوری ساسانیها) و از جانب دیگر عدم اداره قوی مرکزی، زمینه مساعدی را برای به وجود آمدن حکومت های محلی مهیا ساخته بود.

هیونتسنگ زایر چینی که در قرن هفتم میلادی به افغانستان سفر نموده و مطالب زیادی در مورد اوضاع و حالات افغانستان نوشته است، پیرامون وضع سیاسی آنزمان افغانستان می نویسد که: این سرزمین به واحدهای جداگانه منقسم شده که هر حوزه جغرافیایی آن بوسیله شاه مستقل اداره می گردد.

رتیل شاهان زابلی از جمله خانواده های مشهوری بودند که با کابلشاهان روابط حسنه داشته و بر زابل و غزنه تا سیستان حاکمیت داشتند. هم چنان خانواده های چون شیران در بامیان، کابلشاهان در کابل و تعداد دیگری ازین گونه حکومت های محلی در گوشه و کنار افغانستان حاکمیت داشتند. به این ترتیب، حکومت سراسری قوی مرکزی وجود نداشت.

ب: اوضاع دینی و اجتماعی

مردم این دیار از لحاظ دینی به کیشهای مختلف اعتقاد داشتند. آئین زردشتی که مبدأ آن در بلخ بود. و کیش بودایی که مبدائی آن در هند بود، پیروانی در افغانستان داشتند. علاوه بر آن عقاید

دیگری نیز تا رسیدن مبلغین مسلمان اعراب در این سرزمین وجود داشت. یکی از دلایل موجودیت عقاید متعدد، وضعیت خود مختار حکومت محلی بود. اما کلتور و فرهنگ مردم افغانستان آن زمان بنیاد عظیمی از تهذیب‌های ویدی و اوستایی گرفته بود. از این جهت هیچ کلتور عادی و عقب مانده نمیتوانست بر مردم این مرز بوم فایق آید، ولی آن عده از فرهنگها و تهذیبهای که تازه به میان می آمد و نوآوری در آن به ملاحظه میرسید مردم این سرزمین همان فرهنگ را با فرهنگ بومی و اصلی خویش یکجا می نمودند و به آن چهره جدید داده و بعداً به جهانیان عرضه می نمودند. برای ثبوت این مدعایمیتوان به عنوان نمونه از مدنیت‌های دوران یونانو باختری و گریکوبودیک یادآوری کرد که هر دو از ابداعات مردم این سرزمین است که از میراث‌های مهم فرهنگی در تاریخ قدیم جهان بشمار می رود.

خلاصه اینکه در اواخر قرن هفتم میلادی آخرین شاه ساسانی بنام یزدگرد سوم، به وسیلهٔ احنف ابن قیس رحمه الله سر لشکر سپاه اسلام در سال ۶۵۱ میلادی شکست خورد. و به تعقیب آن سپاه اسلام به سمت افغانستان پیشروی کرد. در سال ۲۲ هـ در عهد خلافت حضرت عمر فاروق رحمه الله لشکر اسلام به افغانستان رسید. فتوحات مسلمانان در اوقات مختلف ادامه یافت تا سرانجام در عهد حضرت عثمان رحمه الله خلیفه سوم مسلمین، لشکر اسلام تحت قیادت عبدالله ابن عامر رحمه الله تا حدود کابل رسید و به این ترتیب زمینه برای سقوط حکومت محلی قبل از اسلام در افغانستان مساعد شد. عساکر فاتح مسلمین برای ثبات حکومت اسلامی تقریباً دو قرن به جنگهای پی در پی ادامه دادند تا اینکه زمینه برای ظهور دولت‌های مستقل اسلامی در افغانستان مساعد گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول وضع سیاسی افغانستان مقارن ظهور اسلام را در صنف بیان کنند، و گروه دوم وضع اجتماعی و دینی افغانستان را مقارن ظهور دین مبین اسلام در صنف شرح دهند.

سؤالات

- ۱ - مقارن ظهور اسلام وضع سیاسی افغانستان چگونه بود شرح دهید؟
- ۲ - وضع اجتماعی و دینی افغانستان مقارن ظهور اسلام چگونه بود توضیح دهید؟
- ۳ - آخرین شاه ساسانی بنام به وسیلهٔ احنف ابن قیس رحمه الله در سال ۶۵۱ میلادی شکست خورد.

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان از بزرگان خویش در مورد حکایات آمدن دین مقدس اسلام در افغانستان بپرسند، و معلومات خویش را در صنف بیان کنند.

فصل سوم مدنیتهای قدیم جهان

این فصل مشتمل بر درسهای زیر می باشد:

- ۱- چگونه گی به میان آمدن تمدن و خصوصیات آن.
- ۲- تمدن بین النهرین.
- ۳- تمدن و فرهنگ بین النهرین.
- ۴- تمدن مصر.
- ۵- فرهنگ و تمدن مصر.
- ۶- تمدن فارس.
- ۷- تمدن هند.
- ۸- تمدن چین.
- ۹- تمدن یونان.
- ۱۰- تمدن روم.
- ۱۱- مدنیتهای امریکا.

اهداف فصل

- از شاگردان انتظار میرود که در پایان این فصل به اهداف ذیل برسند:
- شاگردان با تمدن‌های بین النهرین، مصر، فارس، هند، چین، یونان، روم و امریکا آشنا شوند.
 - شاگردان دست آوردهای علمی و فرهنگی تمدنهای متذکره را بیان کرده بتوانند.
 - شاگردان از اطلس‌ها و نقشه‌های تاریخی استفاده کرده بتوانند.
 - شاگردان ارزش تمدنهای قدیم جهان را درک کنند.
 - شاگردان با تمدنهای قدیم جهان و دست آوردهای آنها علاقمند شوند.

چگونگی به میان آمدن تمدن و خصوصیات آن

در این درس در باره نظریات دانشمندان راجع به چگونگی به میان آمدن تمدن‌ها و خصوصیات آن‌ها معرفت حاصل می‌نماییم.

تمدن کلمه عربی بوده که به مفهوم شهر نشینی اطلاق می‌گردد. در رابطه به چگونگی به میان آمدن تمدن نظریات مختلف از طرف مؤرخین و جامعه شناسان ارائه شده است. ابن خلدون مؤرخ مشهور جهان اسلام بدین باور است که تمدن بر بنیاد فرهنگ‌های بدوی بوجود می‌آید و تحت حملات همین فرهنگ بدوی نیز دوباره از بین میرود و این جریان به شکل دایروی پایان می‌یابد. آرنولد تاینبی نظریه چالش‌ها و عکس العمل را عامل به وجود آمدن تمدن می‌داند، بنابر باور آرنولد تاینبی مشکلات پی در پی، انسان‌ها را مجبور به تلاش نمود که در نتیجه این عمل باعث به میان آمدن تمدن گردید.

یک تعداد مؤرخین به این باور اند که تمدن بشری دارای منشأ واحد بوده و از یک حوزه باستانی آغاز شده است.

گوردن چایلد یکی از مؤرخین است که تمام مدنیت‌ها را برآمده از یک هسته واحد و یا محل واحد می‌داند، تمدن‌های مصر، بین النهرین و سند را تحت مطالعه قرار داده و شباهت‌های میان این تمدن را برملا کرد و سرانجام سرچشمه تمام تمدن‌ها را مصر عنوان نمود.

گروه دوم مؤرخین معتقد اند که منشأ تمدن‌ها یکی نیست و تمدن‌های دنیا از یک تمدن سرچشمه نه گرفته، بلکه نظر به شرایط هر منطقه تمدنی به میان آمده و انکشاف کرده است.

خصوصیات مدنیت‌های اولیه

۱- انقلاب شهری: تقریباً ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد انسان‌ها به یک مرحله مهم تمدن وارد شدند که آن عبارت از ایجاد شهرها بود. جدا شدن زراعت از مالداری به نوبه خود بستر مناسب را برای ایجاد شهرها بوجود آورد. شهرها مراکز تغییرات دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شدند.

در تاریخ بشریت این انکشاف را به نام انقلاب شهری نامیده‌اند.

۲- **ساختار های نظامی و سیاسی:** همزمان با آغاز زنده گی شهری ادارات حکومتی نیز به وجود آمد تا جامعه را به طرف رشد و ترقی سوق نموده و به خواست آنان پاسخ بدهد. نیروی نظامی نیز به منظور حفظ قدرت سیاسی و تصرف مناطق جدید تشکیل گردید.

۳- **ساختار اجتماعی جدید بر اساس نیروی اقتصادی:** پادشاهان، روحانیون، طبقه بالا، رهبران سیاسی و جنگجویان اهرام قدرت را به دست گرفتند و خود به طبقه ممتاز در جامعه مبدل شدند. زارعین و صنعت کاران در طبقه دوم و غلامان در طبقه پایین جامعه جای داده شدند.

۴- **تشکیلات دینی:** در مدنیت های اولیه تشکیلات و ساختارهای دینی حایز اهمیت خاص بودند. پس از انحراف برخی از مردم جوامع قدیم از جاده توحید و آغاز جریان های شرک و خرافات که از طریق ساختارهای دینی به منظور تلقین و باور مردم آغاز شده، برای ارباب الانواع کاذب شان نقش مهمی در موفقیت جامعه قایل شدند و به همین طریق برای انکشاف مدنیت و ساختار سیاسی بوجود آمده در تلاش بودند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اولی در مورد چگونه گی به میان آمدن تمدن و گروه دوم در باره خصوصیات تمدن معلومات جمع آوری و به همصنفان خود ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- در مورد به میان آمدن تمدن نظر ارنولد تاینبی را واضح سازید.
- ۲- در مورد منشأ تمدن نظریات دانشمندان را بیان نمایید.

فعالیت های خارج صنف



شاگردان در مورد نمونه های تمدن معلومات جمع آوری و به همصنفان خود ارائه نمایند.

تمدن بین النهرین

در این درس راجع به قدامت محلات باستانی و اوضاع سیاسی تمدن بین النهرین معلومات حاصل می‌نمائیم.

آن مناطقی که در میان دو دریای (دجله و فرات) موقعیت دارند به نام بین النهرین یاد می‌گردد، در این منطقه قدیمترین تمدن جهان به وجود آمده است که مؤرخین عامل به وجود آمدن آن را سواحل دجله و فرات می‌دانند. به نظر مؤرخین طوفان نوح علیه السلام در همین منطقه اتفاق افتاده است.

قدیمی ترین محل بین النهرین به نام (تل حسونا) یاد می‌شود که ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در آن قلعه بزرگی وجود داشت و مردم آن به زراعت اشتغال داشتند. لیکن با ازدیاد نفوس در این محل در سال های ۵۰۰۰-۴۰۰۰ قبل از میلاد به بین النهرین هجرت نمودند و در آنجا تمدنی را بنیاد نهادند که به نام تمدن (سومریان) یاد می‌شود.

در سومر محل سکونت سومری‌ها شهرهای زیادی ایجاد شد که از جمله شهرهای اور، اوروک، کیش، لاگاش، لارسا و وینیور قابل ذکر است.

این شهرها به صورت مستقل اداره شده، روی همین ملحوظ دولت‌های شهری محسوب می‌شدند، در میان این شهرها عبادتگاه‌های وجود داشت که در آن مجسمه خدای حافظ شهر حفاظت می‌شد.

وضع سیاسی بین النهرین

شهرهای دولت سومری از سوی کاهنان که بزرگان شان به نام (انسی) یاد می‌شدند به صورت مستقل اداره می‌شد و حاکمیت مرکزی وجود نداشت یکی از حکمرانان سومر (ایتن) بود که بر تمام دولت‌های سومری تسلط داشت.

در سال ۲۴۰۰ قبل از میلاد اقوام اکدی حکمران سومری (گیل گمیش) را از میان برداشتند و قدرت را به دست آوردند، اولین حکمران این سلسله سارگون بود که قلمرو خود را از خلیج

فارس تا شمال بین النهرین گسترش داد، او از همین لحاظ در تاریخ سیاسی بین النهرین از شهرت زیادی برخوردار است و نخستین امپراتور به حساب می آید. این سلسله بعد از دو قرن حکمرانی از طرف یکی از اقوام شمال شرق (گوتی) از بین رفت.

گوتی ها یک قرن حاکمیت کردند و سرانجام به وسیله سومریان محو شدند ، بعد از مدتی سومری ها و اکدی ها باهم متحد شدند و حکومت (اور) را ایجاد کردند، در این زمان ایلامی ها که در غرب و جنوب ایران حاکم بودند و تازه تابع حکومت اور شده بودند، یکبار دیگر به استقلال دست یافتند، در برابر سومری ها به جنگ پرداختند و در ۲۰۰۷ قبل از میلاد به حاکمیت آن ها نقطه پایان گذاشتند.

در پی از بین رفتن حاکمیت اور در بین النهرین جنوبی جنگ آغاز شد که در اثر آن سلسله



بابیلی ها که در قرن ۱۹ قبل از میلاد تأسیس شده بود، قسمت اعظم این کشور را متحد ساخت و به نام بابلیان امپراتوری را ایجاد کرد.



سه تصویر از یک مجسمه حمورابی

عصر امپراتوری باستانی بابلیان که سه قرن دوام نمود، فصل مهم تاریخ جهان محسوب می گردد، حکمران مشهور این سلسله حمورابی بود که وحدت بین النهرین را تأمین کرد و قلمرو خود را توسعه بخشید و یک امپراتوری را اساس گذاشت، علاوه بر آن زراعت و تجارت را انکشاف داد و هم یک قانون را ساخت که به نام قانون

حمورابی یاد می گردد، پایتخت حمورابی شهر بابل بود که یکی از شهرهای معمور و بزرگ دنیای قدیم به حساب می آید.

قسمتی از قانون حمورابی

اگر کسی فرد را به قتل متهم کرد و آن را به اثبات نرساند، اتهام کننده باید به قتل برسد.

اگر کسی به غلام فراری پناه داد، باید کشته شود.

اگر کسی غلام دیگری را کشت، در بدل آن باید غلام بدهد.

اگر یک فرد آزاد یک فرد آزاد دیگر را کشت، در بدل آن باید جریمه نقدی پرداخت

کند و اگر فرد بابلی را کشت شصت ۶۰ دره باید زده شود.

با مرگ حمورابی در بین النهرین شورشها آغاز شد که در نتیجه آن بابلیها از بین رفتند و آشوریان به قدرت رسیدند، آشوریها قوم جنگی بودند که در آشور حاکمیت داشتند. نخستین حکمران این سلسله سارگون بود که ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد شهر اور را به دست آورد. در قرن ۹ قبل از میلاد آشوریان موفقیت های زیادی به دست آوردند و قلمرو خویش را تا سواحل مدیترانه وسعت دادند. و بعد از مدت زمانی مصر را نیز متصرف شدند، آخرین حکمران این سلسله آشور بانپال بود که نواحی زیادی را به تصرف خود در آورد و به اقتدار سیاسی ایلامیها نقطه پایان گذاشت. مرکز این سلسله شهر نینوا بود که در اداره متذکره توسعه یافته بود.

قوم بعدی که بیشتر از یک قرن در بین النهرین حکومت کردند کلدانیها بودند و به نام بابلی های نو نیز یاد می شدند، زیرا آنها پایتخت خود را از نینوا به شهر بابل انتقال دادند و

سعی کردند تا تمدن بابلی‌ها را احیا نمایند و قانون حمورابی را پیاده کنند، اما موفق نشدند. در سال ۵۳۹ قبل از میلاد هخامنشی‌ها حکمران اخیر کلدانیان (بخت نصر) را از بین بردند و شهر بابل را متصرف شدند، به این ترتیب بین‌النهرین به قلمرو هخامنشی‌ها ملحق شد. بعد از هخامنشی‌ها ساسانی‌ها بر بین‌النهرین تسلط یافتند و منطقه مذکور در قرن هفتم میلادی از طرف مسلمانان تسخیر شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد سومری‌ها، گروه دوم در مورد اکدی‌ها و گروه سوم در مورد بابلی‌ها معلومات جمع‌آوری نموده و نماینده هر گروه به دیگر اعضای صنف آنرا ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- نخستین تمدن بین‌النهرین چه نام دارد و علت به میان آمدن آن چه بود؟
- ۲- در مورد شهرهای سومری چه میدانید؟ واضح سازید.
- ۳- در مورد حکومت اور معلومات خویش را بگویید؟
- ۴- حمورابی کدام کارها را انجام داد واضح سازید؟

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان در مورد وضع سیاسی بین‌النهرین معلومات جمع‌آوری و به دیگر هم‌صنفان خود ارائه نمایند.

در این درس پیرامون عقاید دینی بین النهرین، دست آوردهای علمی و اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم بین النهرین معلومات حاصل خواهید کرد.

دین: مردم بین النهرین به خدایان زیادی چون آسمان، ستاره گان، مهتاب، زراعت و غیره باور داشتند. آن‌ها مجسمه‌های خدایان شانرا ساخته بودند و مشغول پرستش آن‌ها بودند. در مراکز شهرها به روی تپه‌ها معابد چند طبقه‌یی وجود داشت که در هر معبد آن مجسمه خدایان حافظ شهر گذاشته شده بود.

مردم بین النهرین به هدف رضای خدایان مراسم مختلفی را اجرا میکردند. قربانی می‌کردند و مشترکاً سروده‌های مذهبی می‌سرودند. آن‌ها به زنده گی بعد از مرگ معتقد بودند، بنا بر آن با مرده‌ها در قبر وسایل را دفن میکردند.

بر اساس نصوص دینی و روایات تاریخی خداوند (ﷻ) حضرت ابراهیم علیه السلام را فرستاد تا مردم را به ترک پرستش معبودان باطل و عبادت خدای واحد دعوت نماید. دعوت توحیدی ابراهیم (ع) به مقاومت شدید نمرود پادشاه آن وقت و سران شرک مواجه شد ولی به‌زودی از مرزهای بین النهرین گذشت و به فلسطین و جزیره العرب رسید.

زراعت: منابع سرشار آبی دجله و فرات عامل مهم در توسعه و انکشاف زراعت در بین النهرین بود که به اثر آن سیستم منظم آبیاری به میان آمد و راه برای زنده گی اجتماعی هموار شد. گندم و جواز مهمترین پیداوار بین النهرین بود.

خط: لوایح زیادی گلی از بین النهرین بدست آمده که نوشته‌های مختلف بر روی آن‌ها به نظر می‌رسد. تحقیقات مؤرخین ثابت کرده است، لوایحی که قدامت آن به ۵۰۰۰ سال ق.م میرسد، در واقعیت امر کتاب‌های همان زمان است، برین اساس گفته میتوانیم که قدیم ترین کتابخانه جهان در بین النهرین بوجود آمده است. این لوایح مطالب زیادی راجع به تعلیم و تربیه، عبادت خدایان، مسایل حقوقی، جنگ‌ها، داد و ستد و غیره را دارا می‌باشد که به خط میخی نوشته شده پس گفته میتوانیم که نخستین خط به میان آمده در بین النهرین خط میخی است.

علوم: علم نجوم در بین النهرین به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌یی دست یافته بود. دلیل آن هم پرستش ستارگان بود. آن‌ها ستاره‌ها را که در حال حاضر عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل نامیده میشوند می‌شناختند. سواحل دریای دجله و فرات برای مردم بین النهرین بهترین مشوق بود تا در مورد تنظیم سیستم آبیاری و استفاده از آن و تعیین حدود زمین‌های شان فکر کنند. به این ترتیب نخستین فعالیت‌های ریاضی و هندسی به میان آمد و به تعقیب آن عملیه‌های جمع، منفی، ضرب و تقسیم نیز ایجاد شد، مردم بین النهرین هر سال را به دوازده ماه قمری و هر ماه را به چهار قسمت تقسیم کرده بودند که به این شکل هفته بوجود آمد.

توضیح: بابل، شهر بزرگ و پر آوازه جهان باستان

بابل یکی از شهرهای قدیم بین النهرین است. به نظر مؤرخین این شهر از ۴۰۰۰ سال ق.م بدینسو وجود داشته و از اولین شهرهای جهان به حساب می‌آید. شهر بابل در زمان حکمرانی قدیم بابلی و خصوصاً در زمان حکمرانی حمورابی بسیار انکشاف یافت. در سال ۵۳۹ ق.م شهر بابل تحت تصرف کوروش، زمامدار هخامنشی هاقرار گرفت شهر بابل در کرانه دریای فرات واقع است مساحت این شهر بزرگ ۵۲۰ کیلومتر مربع تخمین شده است. در دورا دور این شهر استحکامات بلند و محکم موجود بود این استحکامات تقریباً ۲۵۰ برج و ۱۰۰ دروازه داشت که در دورا دور آن حفره‌های عمیق پر از آب وجود داشت و دیوارهای به طول ۹۰ کیلومتر این شهر را احاطه نموده بود دریای فرات از وسط شهر می‌گذشت هر دو طرف این شهر توسط دو پل مقبول و زیبا وصل می‌گردید. تعمیرات شهر از سنگ اعمار گردیده بود روی این سنگ‌ها توسط رنگ سفالی پوشانده شده بود و بلندترین عمارت جهان شمرده می‌شد طرف بیرونی این تعمیر توسط کاشی‌های منقوش زیبا تزئین شده بود هنگامیکه یونانی‌ها به بین النهرین آمدند این منطقه مورد توجه اسکندر قرار گرفته و آنرا مقر خویش قرار داد در نتیجه جنگ‌های جانشینان اسکندر این شهر خساراتی را متحمل شد و بعد از آن بسوی سقوط می‌رفت. از روی آیات قرآن کریم ثابت است که حضرت ابراهیم (ع) در بابل بت‌ها را شکستاند و بنابراین حاکم بابل نمرود در آتش افکنده شد- خرابه‌های شهر بابل در ۸۵ کیلومتری جنوب شهر بغداد در نزدیکی‌های کوفه همین حالا هم موجود می‌باشد.

فعالیت داخل صنف

- شاگردان به سه گروه تقسیم شوند.
- گروه اول در مورد عقاید مذهبی مردمان بین النهرین .
- گروه دوم در مورد پیشرفت علوم در بین النهرین.
- گروه سوم در مورد شهر بابل و نماینده هر گروه معلومات خود را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

آنچه را که در باره عباد تگاه‌های بین النهرین میدانید معلومات خود را بنویسید.

۱- در مورد پیشرفت علوم در بین النهرین توضیحات دهید؟

۲- در مورد شهر بابل معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان در مورد «نمرود» حاکم بابل معلومات خود را تحریر داشته و به همصنفان خود ارائه نمایند.

در این درس پیرامون عوامل بوجود آمدن تمدن مصر، مراحل تکاملی آن و هم چنان به ارتباط وضعیت سیاسی مصر باستان معلومات حاصل خواهیم کرد.

کشور مصر در افریقا واقع شده است، به نظر مؤرخین عامل به وجود آمدن تمدن بشری در مصر دریای نیل بود که در حاشیه و سواحل خود زمینه ایجاد شهرها و قریه‌ها را به میان آورد، فرهنگ را انکشاف داد و بسیاری از فعالیت های تمدن شهری را اساس گذاشت. در مصر از ۵۰۰۰ الی ۳۲۰۰ قبل از میلاد حکومت مرکزی مقتدری دروادی نیل وجود نداشت، ولی با وجود آن هم بعضی از حکمای محلی متحد شدند و دو حکومت را یکی در جنوب و دیگری در شمال ایجاد کردند. در این دوره هنر انکشاف کرد، بر اساس رسوم و عادات قانون ساخته شد و همچنان خط و تقویم به میان آمد که از پیشرفت علمی این عصر شمرده می شود. در ۳۲۰۰ قبل از میلاد همزمان با وحدت دو حکومت شمالی و جنوبی یک حکومت مرکزی ایجاد شد.

بنیان گذار این حکمرانی مینز اول (menz) بود که بانی دوره اول نیز شمرده می شود.

مراحل تکاملی مصر باستان

مؤرخین تاریخ مصر را از زمان مینز تا ورود هخامنشی ها به سه دوره تقسیم نموده اند:

۱- سلطنت قدیم

سلطنت قدیم با به قدرت رسیدن مینز آغاز می گردد، در این سلطنت شش خاندان پی در پی همدیگر به قدرت رسیدند، سیستم حکومتی در این دوره تیوکراسی (دینی) بود، پادشاه رهبر سیاسی و هم رهبر دینی بود، زیرا نیروی شاه به اصطلاح نیروی خدایی شمرده می شد و در میان مردم از احترام زیاد برخوردار بود، از همین لحاظ لقب فرعون به وی داده می شد.

سلطنت قدیم مصر، نیروی نظامی کافی در اختیار نداشت و از روش مسالمت آمیز پیروی می نمود. این دوره در سال ۲۳۰۰ق-م پایان یافت که همراه با آن عصر جدید آغاز شد و به مدت دو قرن دوام کرد و به نام دوره فیودالی (حکومت زمینداران بزرگ) یاد می گردد. در دوره یاد شده هرج و مرج حاکم بود، نجبا از قدرت زیادی برخوردار بودند که به همین دلیل وقتاً فوقتاً قیام‌هایی از سوی طبقات پایین اجتماعی به میان می آمد.

۲- سلطنت میانه

در ۲۱۰۰ قبل از میلاد خاندان یازدهم به قدرت رسید که در نتیجه آن هرج و مرج‌ها پایان یافت و صفحه جدیدی در تاریخ مصر باز شد که به نام سلطنت میانه یاد می گردد. این سلطنت در مقایسه با سلطنت قدیم ضعیف تر بود، فرعونیان یکی پی دیگر به قدرت می رسیدند، ولی قدرت اصلی به دست حاکمان کوچک بود، خاندان دوازدهم زمانی که به قدرت رسیدند به این وضعیت خاتمه دادند، فرعونیان را صاحب قدرت بیشتر ساختند، عدالت تأمین شد و مردم بدون تفاوت و تبعیض نژادی به کار گماشته شدند، پس گفته می توانیم که خاندان دوازدهم نخستین بنیانگذاران دموکراسی بودند، این حاکمیت از نظر عدالت اجتماعی و پیشرفت علمی یک دوره زرین بود که با ختم آن مصر یکبار دیگر دستخوش هرج و مرج و تجاوزات بیگانه‌ها قرار گرفت که بیشتر از دو قرن دوام نمود، سرانجام پیشرفت های علمی و اجتماعی از بین رفت و هکسوس‌ها که در آسیای غربی حکمرانی داشتند، مصر را متصرف شدند. این تسلط تأثیرات مهم از خود به جا گذاشت. نه تنها ایشان را با اصول جنگی آشنا ساخت، بلکه به اتحاد در برابر خارجی‌ها نیز آن‌ها را ترغیب کرد. حکمرانان مصر در مقابل هکسوس‌ها قیام را آغاز کردند و نیروهای بیگانه را از سرزمین خویش اخراج نمودند. قهرمان این پیروزی اعموز اول مؤسس خاندان هزدهم بود.

۳- دوره امپراتوری (۱۵۸۰ ق م تا ۱۰۹۰ ق م)

این دوره با خروج هکسوس ها و به قدرت رسیدن اهموز اول آغاز می گردد، اهموز در



جسد مومایی شده ی فرعون

مقایسه با گذشته یک نظام فراگیر را ایجاد کرد، فلسطین را تسخیر نمود و تا به سوریه رسید، حملات و لشکر کشی های موفق این دوره در زمانی توتمس سوم رخ داد که نواحی وسطی رود های دجله و فرات را به قلمرو مصر ملحق ساخت.

در پی مرگ امپراتور بازهم شورش و تشنج به میان آمد که فرعون های مصری در فروکش کردن آن عاجز ماندند و در پی آن انقلابات یکی بعد دیگر آغاز شد و تا قرن دوازدهم قبل از میلاد مناطق مفتوحه را از دست داد و حکمرانی ایشان روبه تنزل نهاد.

در ۶۷۰ ق م مصر از سوی آشوریان تصرف شد و تا ۶۶۲ ق م تحت استعمار آنها باقی ماند، بعد از این مصر یکبار دیگر نیرو گرفت و فرهنگ انکشاف یافت، ولی این حالت دیری دوام نیاورد، در ۵۲۵ ق م مصر به تصرف امپراتوری فارس در آمد که بعد از این تمدن گذشته حیات دوباره نیافت.

مجموعاً بیست خاندان در مصر به قدرت رسیدند و تعداد کثیری از فرعونیان در آن حکمرانی کردند که رامسس دوم یکی از این حکام بود که در زمان حکمرانی او حضرت موسی (ع) ظهور کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه نخست در مورد سلطنت قدیم، گروه دوم راجع به سلطنت میانه و بالاخره گروه سوم راجع به عصر امپراتوری معلومات جمع آوری نموده و هر گروه به واسطه نماینده گروه خویش به دیگر اعضای صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- در وادی نیل چه وقت و توسط کی حکومت مرکزی بوجود آمد؟
- ۲- راجع به ادوار تاریخی مصر معلومات خود را بنویسید؟
- ۳- حضرت موسی (ع) در زمان کدام حاکم ظاهر شد؟ نام بگیرید.

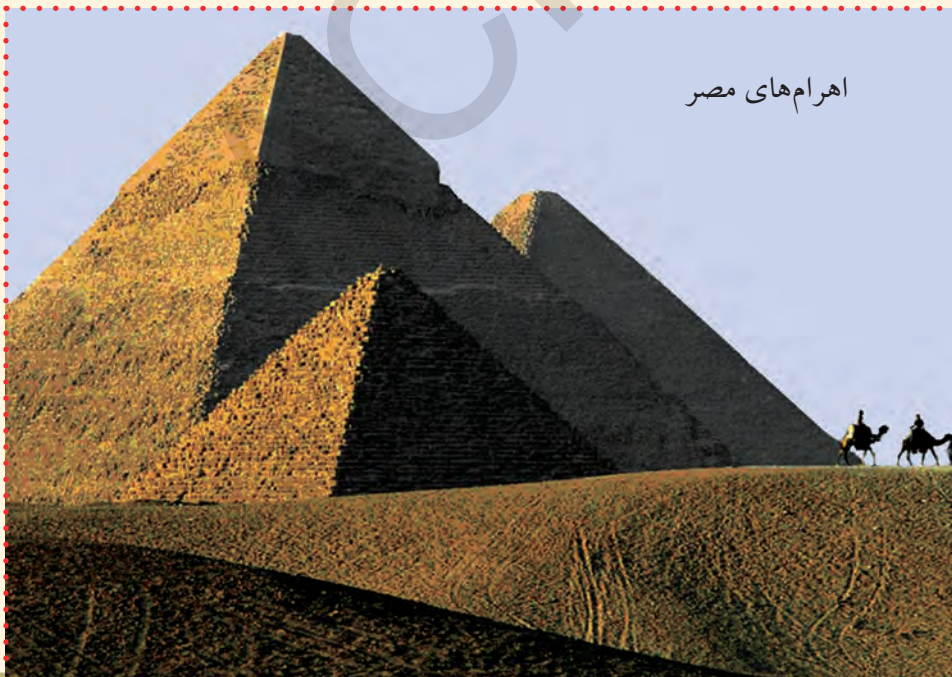
فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان راجع به فراغت مصر معلومات جمع نموده و به دیگر اعضای صنف تقدیم نمایند.

در این درس راجع به دین، وضع اجتماعی، سیستم اقتصادی، دستاوردهای علمی، فعالیت‌های هنری و آثار باستانی مصر قدیم معلومات حاصل مینمایید.

دین: - در زنده گی اجتماعی مصریان دین نقش بارزی داشت و تمام شئون زنده گی را تحت تأثیر قرار داده بود، سیستم حکومتی در سلطنت قدیم تیوکراسی (دینی) بود در دوره سلطنت میانه و حتی امپراتوری، امور کشور از طریق دین اداره می شد. در سلطنت قدیم ادیان مختلفی با هم یکجا شدند و یک دین واحد را به میان آوردند، همچنین از میان خدایان متعدد آمون ری (رب النوع آفتاب) که حافظ عدالت، صداقت و امور اخلاقی کائنات محسوب می شد و اوسیروس (رب النوع نیل) که خدای نباتات شمرده می شد به وجود آمد، در عصر سلطنت میانه و امپراتوری دین به تکامل نهایی خود رسید. در زمان تجاوز هکسوس‌ها این مذهب به ادیان خرافاتی مبدل شد، مردم در مقابل پول بخشش‌نامه که به روی پاپیروس نوشته میشد می گرفتند و در کنار مرده آن را در قبر می گذاشتند، در این نامه برای مرده از ارباب انواع طلب مغفرت می شد.



اهرام‌های مصر

این خرافات که از سوی روحانیون به منصفه اجرا در می آمد، تأثیر سوء به محیط بجا گذاشت که در اثر آن در سال ۱۳۷۵ قبل از میلاد به رهبری امینوهوتپ چهارم قیام رخداد، مذهب قدیم از بین رفت و به جای آن دین جدید به میان آمد، در آن خدای اتون که نام قدیم آفتاب بود مورد پرستش قرار می گرفت، امینوهوتپ به اخناتون تغییر نام داد، فرعونیان اخیر با این دین علاقمندی چندانی نداشتند، گذشته از آن توتن خامون خرافات دینی را مجدداً ترویج کرد و دین اتون را از میان برد.

میراث های فرهنگی مصر تا حدی زیاد احرام ها، مومیایی ها، عبادتگاه ها، مقبره ها، مجسمه ها، تصاویر، سنگ نوشته ها و سرود های دینی است که تمامی آن ها در سایه مذهب شکل گرفته است.

مصریان به ارباب انواع عقیده داشتند، آفتاب، مهتاب، دریای نیل و بعضی از حیوانات را مقدس می پنداشتند و به مقصد احترام تصاویر و مجسمه آن ها را در معابد می گذاشتند. مگر این را نیز ناگفته نباید گذاشت که در کنار این همه خرافات و اوهام پرستی و شرک خداوند (جلال) برای هدایت مردم به طرف توحید و یکتا پرستی پیامبران علیهم السلام را فرستاده است. موسی (علیه السلام) و برادرش هارون (علیه السلام) در مصر به پیامبری مبعوث شدند. موسی علیه السلام و پیروانش بیرق توحید و یکتا پرستی و زنده گی در پرتو تعلیمات الهی را بر افراشت و با فرعون زمان در گیر شد. سر انجام قیام موسی علیه السلام علیه شرک و خرافات و ظلم و بی عدالتی فرعون در نهایت به یک حرکت مردمی تبدیل شد و در فرجام فرعون غرق گردیده و دعوت توحید بار دیگر اوج گرفت.

در آغاز مصریان مرده های شان را به پارچه ها می پوشانیدند و در قبر می گذاشتند، ولی بعدها این شیوه را تغییر دادند و غرض حفظ جسد آن ها را مومیایی می کردند و اشیاء مورد ضرورت آن را همراه با مرده در قبر دفن می کردند.

اوضاع اجتماعی

جامعه مصر در واقعیت از چهار طبقه تشکیل شده بود، در هر طبقه آن افراد و در رأس آن فرعون جای داشت، در میان طبقات تفاوت زنده گی زیاد محسوس نبود، تمام افراد در برابر قانون برابر بودند، البته تفاوت های اقتصادی موجود بود.

به جز از اعضای خانواده شاهی دیگر موقعیت اجتماعی هیچ فردی مشخص نبود و حتی نوکران و غلامان می توانستند تا از یک طبقه به طبقه دیگر ترفیع کنند.

غلامان که در اوایل به کار های شاقه گماشته می شدند، بعدها به خدمات عسکری شامل

شدند و در زنده گی ایشان تغییرات رونما گردید تا سر انجام صنف یا طبقه غلامان کاملاً از بین رفت.

در جامعه مصری زنان از مقام والای اجتماعی برخوردار بودند تا حدی که می توانستند به تاج و تخت فرعونى برسند، عروسی و ازدواج در میان فامیل ها زیاد معمول بود مبنی بر آن فرعونیان با خویشاوندان و اقارب نزدیک خود در فامیل ازدواج می کردند. در عرصه تعلیم و تربیه نیز مصر به پیشرفت قابل توجه نایل آمده بود، در کنار مکاتب دولتی مکاتب خصوصی نیز وجود داشت و افراد وابسته به هر طبقه می توانست در آنها به کسب تحصیل پردازد.

سیستم اقتصادی

اساس اقتصادی مصر بر زراعت و مالدارى استوار بود، زراعت بسیار توسعه یافته بود و زمین حاصلات خوبی می داد، بنابر فرهنگ همان زمان تمام اراضی ملکیت فرعون محسوب می شد و در مقابل مالیه به مردم به اجاره داده میشد. بعد از قرن ۲۰ ق.م تجارت به سرعت توسعه یافت و در استحکام بنیه اقتصادی از همه بیشتر کسب اهمیت کرد. مصریان با کشور های خارجی روابط تجارتي شانرا گسترش داده بودند که مثال خوب آن رسیدن سنگ لاجورد افغانستان به مصر در ۳۰۰۰ ق.م بود.

صنعت نیز در توسعه اقتصادی مصر حایز اهمیت بود، کشتی سازی، شیشه سازی، کلالی، نساجی و صیقل سنگ عبارت از صناعی بودند که در آن افراد زیادی به کار اشتغال داشتند، در ضرب سکه فلزی نیز مصر شهرت جهانی کسب کرده بود.

تا دوره امپراتوری، زمین در میان مردم تقسیم شده بود و از کنترل عملی دولت خارج محسوب می شد، اما مصارف گزاف این دوره موجب شد تا مالیات بر زارعین افزایش یابد که به اینگونه فرعونیان صاحب زمین، و زارعین به نوکران آنها مبدل شدند.

افزون بر آن به منظور به دست آوردن سود بیشتر تجارت خارجی نیز به انحصار دولت در آمد. غیر از دوره اخناتون دیگر در تمام دوره امپراتوری روحانیون از مالیه معاف بودند و در بودجه دولت سهم خاص داشتند، علاوه بر آن (یک هفتم حصه) زمین زراعتی سهم روحانیون شمرده می شد و همچنین مالک هزاران حیوانات و تقریباً صد کشتی نیز بودند.

ادبیات

مصریان نخستین کسانی بودند که خط تصویری (هیرو گلیف) را ایجاد کردند، کاهنان این خط رابه منظور نوشتن مطالب مربوط به عبادتگاهها، قصرها و قبور فرعونیان به کار می بردند و در مکاتب خاص آن را به شاگردان تعلیم می دادند. علاوه بر هیرو گلیف

رسم الخط دیگری به نام دیموتیک نیز مروج بود که مردمان طبقات متوسط و تاجران از آن استفاده می کردند.

کاهنان به تدریس علوم مختلف و تربیت فرزندان اشراف در مکاتب اشتغال داشتند، در این مکاتب از کاغذ پاپیروس بهره گرفته می شد. به میان آوردن سالنامه نیز قابل ذکر است که در حقیقت همچون کتب تاریخ آن زمان شمرده می شد، و در آن ظفر پیروزی فرعونیان و مسایل مربوط به آن‌ها به وسیله منشی‌ها تحریر می شد.

هنر و معماری

مواریث کلتوری به یادگار مانده تا حدی زیادی به تمدن مصر، شهرت داده است. این آثار عبارت از اهرام‌ها، عبادتگاه‌ها، قصرها، مجسمه‌ها و تصاویری است که بزرگی و دانایی حاکمان وقت را بیان می کند. که اهرام‌های سه گانه مصر بهترین مثال آن است بر علاوه اهرام‌ها، عبادتگاه‌های زیادی نیز اعمار گردیده بود که در اطراف آن برای غلامان، کاهنان و کارگران نیز محل بود و باش وجود داشت، در این عبادتگاه‌ها مجسمه‌های حیوانات مقدس گذاشته شده بود و ستون‌های آن مملو از تصاویر و نوشته‌های دینی بود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به مذهب مصری‌ها، گروه دوم در رابطه به سیستم اقتصادی مصری‌ها و گروه سوم راجع به هنر و معماری مصریان بوسیله نماینده گروه‌شان به دیگر اعضای صنف معلومات دهند.

سؤالات



- ۱- راجع به عقاید مذهبی مصری‌ها چه میدانید؟ معلومات خود را بنگارید!
- ۲- راجع به اوضاع اجتماعی مصریان معلومات خود را تحریر دارید.
- ۳- راجع به ادبیات مصریان معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان معلومات خویش را در رابطه به دست آوردهای مصری‌ها نوشته و به هم صنفان‌شان تقدیم کنند.

زمانی که آریایی‌ها در بخدی (بلخ) متوطن گشتند به دلیل ازدیاد نفوس به داخل آریانا، جانب شرق و غرب آریانا مهاجرت نمودند، آنانیکه به سمت غرب به مهاجرت پرداختند که در شمال و فارس ایران امروزی مسکن گزین شدند بنام مادها و فارس‌ها شهرت یافتند و تمدنی را پی ریزی نمودند که بنام تمدن فارس معروف است، که در این درس در مورد آن معلومات حاصل خواهیم کرد.

دشت‌های بزرگ، دریاها و منابع طبیعی غنی فارس سبب شد تا در این کشور زراعت، مالداری و صنعت انکشاف یابد و تمدن‌های بشری به میان آید. سیالک، گوران، مارلک، جیروفت و شهر سوخته از مناطق معروف باستانی ایرانی است که اهالی آن با مناطق همجوار خود همچون مندیگک، موهنجودارو و هراپه ارتباط داشت. ایلامی‌ها ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در فارس تمدن ایلام را به وجود آوردند. معلومات بیشتر تاریخی در مورد این تمدن از شهر شوش که مرکز سیاسی ایلامی‌ها بود به دست آمده است. ایلام در بخش‌های ادب، هنر و صنعت به پیشرفت‌های قابل ملاحظه دست یافت، اما با به قدرت رسیدن بابلی‌ها و آشوری‌ها، ایلامی‌ها رو به ضعف نهادند که در نتیجه در سال ۶۴۵ (ق.م) ایلام از طرف آشور بانیپال فتح شد. نوشته‌های آشوری از دو قبایل متذکر می‌شود که در شمال غرب فارس اقامت داشتند که عبارت از مادها و پارس‌ها بودند.

به روایت هیروdot در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد شخصی به نام دیاکو قبایل ماد را تحت تسلط خود در آورد و حکومت مادها را بنیان گذاشت. در این سلسله سه پادشاه معروف به قدرت رسیدند که یکی از جمله آن‌ها استیاگ بود که در زمان حاکمیت او اقتدار مادها به اوج خود رسید و به قلمرو مادها وسعت زیادی داد.

توسعه طلبی قلمرو مادها توسط قبایل پارسی متوقف شد، پارسی‌ها به رهبری کوروش باهم متحد شدند و در سال ۵۵۳ ق.م حاکمیت مادها را از بین بردند، در پی فروپاشی حکومت مادها، قدرت به دست هخامنشی‌ها افتاد، حاکم مشهور این سلسله کوروش کبیر بود که شهر بابل را تحت تسلط خویش در آورد و خود را پادشاه بابل نامید.

بعد از کوروش پسر وی کمبوجیه به قدرت رسید، کمبوجیه به مصر هجوم برد و مصر را به قلمرو خود ملحق ساخت، هشت حکمران هخامنشی یکی بعد دیگر به قدرت رسیدند که سرانجام در ۳۳۵ ق.م حکمران اخیر هخامنشی‌ها داریوش سوم در اثر تهاجم اسکندر مقدونی شکست خورد با این ترتیب حکومت هخامنشی نیز پایان یافت.

فرهنگ و تمدن

دین: در نتیجه ضعف عقاید و باورها و انتشار شرک و خرافات پرستی در فارس قدیم پرستش بعضی از حیوانات، زمین، آسمان، آب و آتش بیشتر معمول بود. پرستش ستاره گان و خصوصاً پرستش آفتاب نقش خاصی داشت، در دین فارسیان قدیم عبادتگاه‌ها وجود نداشت، مراسم دینی، دعا و قربانی در محلات مناسبی انجام می شد. ولی بعدها عبادتگاه‌ها اعمار گردید که در آن مجسمه‌های خدایان گذاشته می شد و مردم آن را عبادت می کردند.

ایلامی‌ها به زنده گی بعد از مرگ باور داشتند و با مرده های شان ظروف گلی (سفالی) را دفن می کردند و همچنان از کانال‌ها آب به قبرها می ریختند تا مرده‌ها تشنه نشوند.

با ظهور زردشت مذهب رسمی فارس زردشتی شد و ارزش زیاد نیز کسب کرد.

هنر، صنعت و معماری

ایلامی‌ها در فارس قدیم در ساختن ظروف فلزی و سفالی، مجسمه سازی و نقاشی بر روی سنگ بسیار مهارت داشتند.

مادها خانه‌های شان را در جا‌های بلند و در بین قلعه‌های مستحکم می ساختند، اطراف این قلعه‌ها به وسیله دیوارها احاطه شده و برج‌های بلند حفاظتی نیز داشت که منحیث سنگر دفاعی از آن استفاده می شد.

مادها برای شاهان شان در کوه‌ها قبرها حفر می کردند، آثار سفالی و فلزی به دست آمده توسط باستان شناسان بیانگر مهارت‌های هنری و معماری مادها می باشد. شاهان هخامنشی به هدف نمایش اقتدار شان قصرهای زیادی را اعمار می کردند که از جمله آن‌ها یکی هم تخت جمشید است.

آلات و ابزار به دست آمده و هم چنان سکه‌ها، سلاح‌ها و ظروف خود گویای پیشرفت صنعت همان زمان است.



تصویر تخت جمشید

تخت جمشید از جمله قصرهای مجلل است که به وسیله هخامنشی‌ها ساخته شده بود، داریوش این محل را برای قصر خود انتخاب کرد و برای آبادی آن تعداد کثیری هنرمندان را از تمام کشور به کارگماشت، بعد از داریوش تمام حاکمان هخامنشی در همین محل برای شان قصر ساختند. در این منطقه هر سال مراسم جشن

نو روز برپا میشد که از ولایات مختلف در آن افراد و نماینده‌ها با تحفه های قشنگ اشتراک می ورزیدند، با ورود اسکندر مقدونی وسایل ارزشمند این تخت از بین رفت و عمارت آن نیز متضرر شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به حکومت مادها و فارسیان، گروه دوم در مورد مذهب ایران قدیم و گروه سوم در باره هنر و معماری معلومات جمع آوری کرده و نماینده هر گروه به همصنفان خویش ارائه بدارند.

سؤالات



- ۱- مناطق باستانی ایران کدامها اند واضح سازید؟
- ۲- بنیان گذار حکومت هخامنشی کی بود و چه وقت به میان آمد؟
- ۳- در باره هنر و معماری حکومت مادها چه میدانید واضح سازید؟

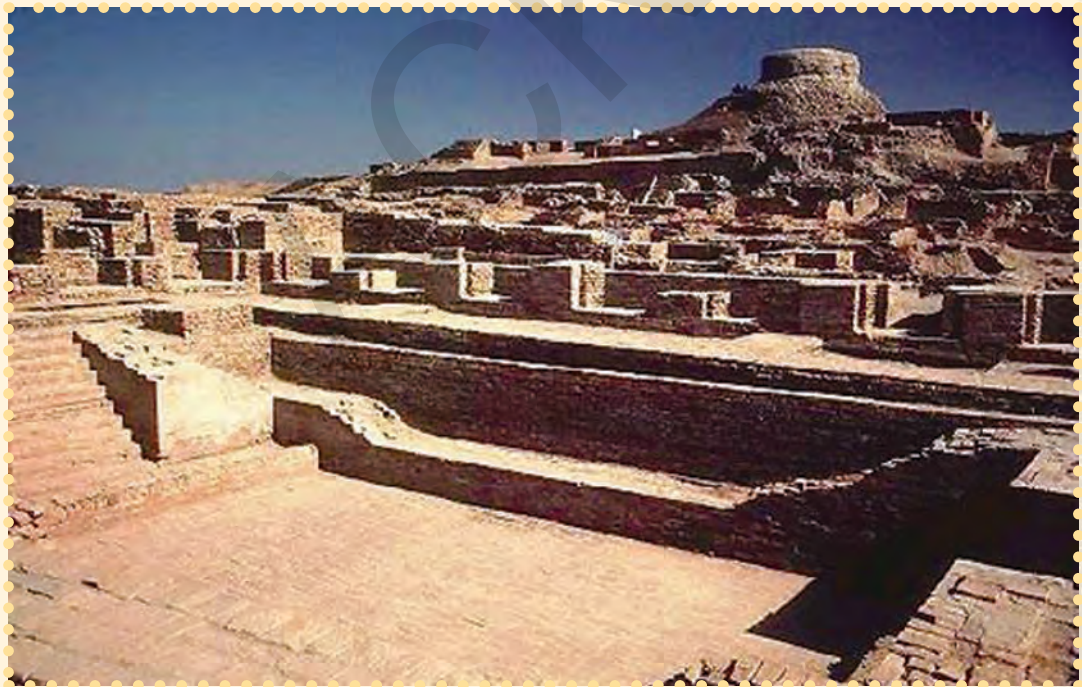
فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان راجع به تخت جمشید معلومات جمع آوری و به همصنفان خویش ارائه کنند.

در این درس پیرامون چگونگی به میان آمدن تمدن هند، وضع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنان دست آوردهای علمی، هنر و معماری در هند باستان معلومات حاصل مینمایید.

هند در آسیا یکی از کانون های باستانی تمدن شمرده می شود، و عبارت از منطقه قشنگ و زیبایی می باشد که مدنیت ها و مذاهب زیادی رادر آغوش خویش پرورانیده است. در سال ۱۹۲۴ م باستان شناسان، بقایای دو محل باستانی هراپه و موهنجودارو را در هند دریافتند که قدامت آن به ۳۰۰۰ سال ق م میرسد. هراپه و موهنجودارو در نزدیکی کراچی پاکستان موقعیت دارد و مربوط می شود به اقوام دراویدی، این نواحی از تمدن قدیمه هند محسوب می شود. تمدن هراپه و موهنجودارو در غرب سند به میان آمد، از آثار به دست آمده از این محل بر می آید که در ۳۰۰۰ ق.م مردمان این منطقه به زراعت، مالداري و



دیوارهای باقیمانده شهر موهنجو دارو

پرورش اشجار میوه دار مشغول بوده اند، آن‌ها با استفاده از برونز وسایل کار، ظروف و سلاح می ساختند و هم در این گونه صنایع پیش تاز بودند، آثار و بقایای هراپه و موهنجودارو نشان می دهد که در این محل تعداد کثیری خانه های ساخته شده از خشت پخته و همچنین داکاین و دیگر عمارات موجود بوده که عموم منازل آن دو طبقه یی و دارای کوچه های وسیع بود، در این شهرها وجود تالارها، چاهای آب، حمام‌ها، کانال های آبی و سیستم کانالیزاسیون، ثابت می کند که اهالی این منطقه حایز تمدن متری بوده اند.

در سال ۱۵۰۰ ق.م آریایی‌ها به هند مهاجر شدند و اقوام دراویدی را که دارای تمدن پیشرفته بودند، به تابعیت خود در آوردند، آریایی‌ها بعد از ورود شان به هند سیستم کاست (طبقاتی) را به وجود آوردند، بر اساس این تقسیمات چهار طبقه مثل برهما (روحانیون) کشتاریان (جنگجویان)، ویستا (تجار و زارعین) و سودرا (کارگران) به میان آمدند. آریایی‌ها در هند یک سیستم واحد حکومتی را ایجاد نکردند، بلکه هر قبیله یک ساحت کوچک را برای خود انتخاب کردند و در آن ساکن شدند که در اثر آن زمینه برای حملات بیگانه گان مساعد گردید.

داریوش حکمران هخامنشی مناطق شمال هند را فتح کرد، ولی با از بین رفتن هخامنشی‌ها به وسیله اسکندر، شمال هند به دست یونانیان افتاد، لیکن با مرگ او، یک قوماندان هندی به نام چندراگوپتا در مقابل یونانی‌ها قیام کرد و آن‌ها را از قدرت بر انداخت.

وی در وقت کم حکمرانان محلی را با هم متحد ساخت و یک حکومت نیرومندی را به وجود آورد که به نام حکمرانی موریایی‌ها یاد می شود. از حکمرانان معروف این سلسله یکی هم آشوکا بود که در تاریخ از شهرت زیادی برخوردار است، بعد از موریایی‌ها حکمرانی گوپتاها به وجود آمد که برای چند قرن دوام یافت.

فرهنگ و تمدن

دین: بدون شک و با در نظر داشت باورهای درست دینی و حقایق تاریخی توحید و یکتا پرستی در تاریخ دینی بشر اصل است و رو کردن به طرف پرستش چیزهای غیر از خدا انحراف است. بر اساس همین انحراف قبل از ورود آریائی‌ان در هند، حیوانات و طبیعت را مورد پرستش قرار می دادند. از خدایان بزرگ و مهم آن آگنی (خدای آتش) و اندیرا (خدای باران) بود، در هند قدیم آئین‌های زیادی به وجود آمد که یکی از آن‌ها برهمن بود، آئین برهمن به دولت مقام خدایی قایل بود و پادشاه را مقدس می دانست. در قرن ششم قبل از میلاد در هند دین بودایی به میان آمد که مورد حمایت اشراف قرار گرفت و گسترش زیاد یافت.

علم، هنر و معماری

مردم هند قدیم در ریاضی و طبابت پیشرفت‌هایی داشتند، اعداد از یک الی ۹ و سیستم اعشاری و غیره توسط هندیان به وجود آمد. هندی‌ها ضرورت احساس می کردند که روزهای جشن و قربانی را انتخاب کنند، از همین لحاظ به علم نجوم نیز توجه زیادی داشتند. در هند باستان هنر و معماری نیز به پیشرفت‌های دست یافته بود، که مثال‌های آن در خرابه‌های هراپه و موهنجودارو به چشم می خورد، همزمان با گسترش کیش بودایی در تمام کشور معابد زیادی اعمار شد، علاوه بر آن برای شاهان قصور بزرگ و زیبا نیز ساخته شد، که بقایای آن تا حال وجود دارد که از پیشرفت هنر و معماری هند قدیم نماینده‌گی می کند.

یکی از کارهای هنرمندان هندی مجسمه سازی (هیکل تراشی) بود، آن‌ها برای بودا و خدایان شان با استفاده از چوب و سنگ مجسمه‌های زیادی ساخته بودند، که از طرف

مردم مورد پرستش و عبادت قرار می گرفت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به مهاجرت آریایی ها به هند، گروه دوم در مورد دین هند قدیم و گروه سوم در باره هنر و معماری در هند قدیم معلومات جمع آوری و نماینده هر گروه به همصنفان خویش ارائه کند.

سؤالات

- ۱- در مورد مناطق باستانی هند چه میدانید واضح سازید.
- ۲- آریایی ها چه وقت به هند مهاجرت کردند و چه نوع سیستم طبقاتی را به میان آوردند؟
- ۳- راجع به پیشرفت علم در هند قدیم معلومات خویش را بنویسید.

فعالیت های خارج صنف

شاگردان راجع به فرهنگ مردم هند معلومات جمع آوری و به همصنفان خویش ارائه نمایند.

در این درس پیرامون وضع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آثار تاریخی چین باستان معلومات ارائه می‌گردد.

کشور چین در شرق آسیا موقعیت دارد و یکی از تمدن‌های قدیم جهان است. تمدن چین در سواحل دریای هوانگ هو به میان آمد، این منطقه که دارای زمین‌های حاصل خیز بود و مردم آن به زراعت اشتغال داشتند، نخستین حکومت در چین باستان در ۱۵۰۰ ق. م به وجود آمد که به نام شانگ یاد می‌شود. از دست آورد های مهم تمدن چین در دوره شانگ ایجاد خط، سالنامه و ظروف سازی می‌باشد.

سلسله دوم حکومتی که در چین به وجود آمد، به نام (چو) یاد می‌شود، که حکمرانان آن از ۱۰۲۸ - ۲۵۶ ق. م حکمرانی کردند، در اواخر دوره حکمرانی چو جنگ‌های داخلی و شورش در چین رونما شد که در نتیجه آن قبیله یی به نام (چه این) بر چین مسلط شد و بنیاد یک حکومت مشهور را در چین باستان گذاشت.

فرمانروای قبیله (چه این) شی هوانگ تی بود که در تاریخ چین شهرت بسیار دارد، شی هوانگ تی از نیروی نظامی مقتدر برخوردار بود، روی همین ملحوظ وی موفق شد تا حکومت کوچک را از میان بردارد و بر کشور وسیع چین تسلط یابد و خود را اولین سلطان یا امپراتور اعلام نماید، در این دوره زمینه برای رشد و شکوفایی تمدن چین آغاز شد.

درین دوره قوانین به وجود آمد، جاده‌ها اعمار گردید و به منظور جلوگیری از حملات خارجی یک دیوار اعمار شد که هم اکنون به نام دیوار بزرگ چین یاد می‌شود.

پس از مرگ شی هوانگ تی، در چین هرج و مرج حاکم شد که در اثر آن سلسله هان به قدرت رسید، در زمان حکمرانی هان، مبلغین بودایی به چین سفرهایی کردند و در این کشور آئین بودایی را گسترش دادند.

تمدن و فرهنگ

دین: در چین باستان مردم آسمان، زمین و نیاکان خود را عبادت می‌کردند، از مذاهب مشهور قدیم چین، دین تاو و کنفوسیوس بود، از نظر این کیش انسان و طبیعت با هم نزدیک اند و یکی بر دیگر تأثیرات متقابل دارد.

آئین تاو محاسن یک زنده گی ساده و ترک خواهشات نفسانی را تبلیغ می‌کرد. آئین کانفوسیوس به داشتن روابط اجتماعی و روابط بین انسانها تأکید می‌نمود. این آئین به رسوم قدیم، بزرگان، خوبی‌ها و وحدت خانواده تأکید داشت.

در زمان سلطنت هان کیش بودایی به این کشور رسید و تعداد کثیری پیروان برای خود دریافت که به زنده گی فرهنگی چینایی‌ها تأثیر به سزایی از خود برجا گذاشت.

ادبیات

رسم الخط چینایی مشابه به رسم الخط هیروگلیف یک رسم الخط کهن است. این رسم الخط در زمان سلطنت (چه این) معیاری گشت و در تمام چین رونق یافت که تا به حال به کار گرفته می‌شود. این رسم الخط به دیگر کشورها نیز انتشار یافت و اساس رسم الخط جاپانی‌ها، کوریایی‌ها و ویتنامی‌ها را گذاشت.

در گذشته‌ها خط بر روی استخوان‌ها و چوب نوشته می‌شد، در قرن اول میلادی در چین کاغذ به میان آمد که یک انقلاب بزرگ را در عرصه سواد (نوشتن) ایجاد کرد و به بسیاری مردم دانش را انتقال داد.

پیشرفت رسم الخط چین، راه را برای غنای ادبیات هموار ساخت، نثرهای زیاد، کتب قصاید و آثار تاریخی تحریر گردید، در بخش شعر هم انکشاف قابل توجه به میان آمد.

علم، صنعت و هنر

چینی‌ها در بخش ریاضیات، نجوم و جغرافیه پیشرفت‌هایی داشتند، در زمان سلطنت چو برای ایالات متعددی نقشه‌ها ساخته شد و راجع به جغرافیای کشور نیز معلومات زیادی حاصل گردید. چینی‌ها راجع به زلزله هم معلومات داشتند و برای تشخیص زلزله یک آله‌یی را ایجاد کرده بودند. آن‌ها به خصوصیات مقناطیسی آهن پی بردند، که بعدها قطب‌نما نیز ساخته شد. چینیایی‌ها در قسمت اناتومی انسان نیز اطلاعاتی داشتند و در رابطه به یک تعداد امراض و روش علاج آن نیز مطلع بودند.

چینی‌ها از نخستین کسانی بودند که با سفالگری، فلزکاری آشنا بودند، شهرهای بزرگ چین مملو از دانشمندان و صنعت‌کاران بود، به وجود آوردن کاغذ و فن چاپ قطب‌نما و باروت سازی از افتخارات چینیایی‌ها می‌باشد، صنعت ظروف سازی و نساجی در چین انکشاف یافته‌تر بود.

در چین باستان هنر و معماری نیز رشد زیاد نموده و در شهرهای چین تعداد کثیری معابد و قصرها اعمار گردیده بود، دیوار بزرگ چین یک مثال واضح معماری آن زمان است.



دیوار بزرگ چین

دیوار بزرگ چین یک اثر مشهور جهان است، این دیوار از سواحل بحر آرام آغاز و در سرحدات تبت به پایان می رسد، این دیوار به فرمان شی هوانگ تی، در ظرف صد سال ساخته شده است. ارتفاع این دیوار ۷,۵ هفت و نیم متر و عرض آن نیز به همین اندازه است، گفته می شود وقتی که کدام کارگر مریض می شد و یا جان می باخت، آن را در زیر دیوار گور می کردند. در هر فاصله صد متری این دیوار پوسته های امنیتی موجود است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد حکمرانان چین و گروه دوم راجع به تمدن و فرهنگ چین معلومات جمع آوری و نماینده هر گروه به همصنفان خویش ارائه نماید.

سؤالات



- ۱- فرمانروای قبایل چه این، کی بود و کدام کارها را انجام داد؟
- ۲- راجع به مذاهب چین قدیم چه میدانید واضح سازید؟
- ۳- راجع به پیشرفت علمی چینایی ها معلومات دهید؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان در مورد دیوار بزرگ چین معلومات جمع آوری و به همصنفان خویش ارائه نمایند.

تمدن یونان

در این درس در مورد تمدن کرت، دولت‌های شهری یونان، و اوضاع، اجتماعی، فرهنگی و هم چنان دست آوردهای علمی و هنری یونان باستان معلومات حاصل مینمایید.

تمدن یونان یکی از آن دسته تمدن‌های قدیم جهان است که دنیای غرب از آن الهام گرفت و بر اساس آن فرهنگ خود را بنیان گذاشتند.

تمدن اولی یونان به نام کرت یاد میشود. کرت یک جزیره وابسته به یونان بود. در سال ۱۹۰۰م تحقیقات باستانشناسان واضح ساخت که در جزیره کرت یک تمدن پیشرفته وجود داشت که با تمدن‌های مصر و بین النهرین رقابت مینمود از این ناحیه آثاری زیادی سنگی و گلی نظیر وسایل آشپزخانه و آثار مشابه دیگری به دست آمده که قدامت آن به ۲۵۰۰ - ۱۵۰۰ ق.م میرسد.

حوالی سال ۲۰۰۰ ق.م در کرت حکومت مرکزی به وجود آمد که پایتخت آن شهر کنوسوس بود. تمدن کرت در اثر حملات قبایل آریایی از بین رفت.

یونانیان: یونانیان از جمله قبایل آریایی است که از سرزمین اصلی خود (آریانه ویجو) به سوی اروپا مهاجر شدند و در حوالی ۲۵۰۰ قبل از میلاد وارد یونان شدند. نخستین دسته آریایی‌ها اکیان بودند که به یونان وارد شدند. آن‌ها ساکنین اصلی یونانی را تابع خود ساختند و نه تنها یونان، بلکه تمام دریای ایجن (ایژه) را به دست آوردند. در حوالی قرن ۱۶ قبل از میلاد نخستین بنیاد حکومتی از طرف اکیان گذاشته شد و کاخ بزرگ و مجلل در می‌سن اعمار گردید. تمدن اکیان تا قرن دهم قبل از میلاد دوام نمود.

اکیان‌ها به زراعت اشتغال داشتند و از وسایل برونزی استفاده میکردند این دوره در قرن دهم قبل از میلاد در اثر تهاجم دوریان‌ها پایان یافت و به این ترتیب دوریان در یونان باستان به حکمرانی رسیدند.

دوریان به پیشرفت فرهنگ توجه نداشتند، لیکن داستان حماسی مشهور که بنام (الیاد و ادیسه) یاد میگردد در همین عصر به وجود آمده است. این داستان که در ادبیات جهان حایز مقام رفیع است، به واسطه هومر شاعر نابینای یونانی سروده شده است.

دولت‌های شهری یونان

موجودیت کوه‌ها و جزایر زیاد در یونان و همچنین تعصبات قبیله‌ای در این نواحی سبب شد که قبایل یونانی از یکدیگر جدا و به‌طور مستقل زنده‌گی کنند. بنابراین در یونان دولت‌های شهری زیاد به‌میان آمد که اسپارت و آتن از دولت‌های مشهور آن بود. این دو دولت با یکدیگر تمایزات داشتند. مردمان اسپارت در جنگ‌ها شهرت بسزای کسب کرده بود، اما مردم دولت آتن در ترویج دموکراسی، علم و فلسفه از شهرت زیادی برخوردار بودند. دولت‌های شهری یونان با همدیگر در رقابت و دشمنی بودند، آن‌ها بدو دسته تقسیم شده بودند که در رأس یکی از آن‌ها اسپارت و در رأس دیگر دولت آتن قرار داشت.

خانه جنگی‌ها در یونان که به نام جنگ پلوپونیز شهرت دارد، تا دیرزمان دوام کرد که در نتیجه آن اسپارته‌ها پیروز شدند، ولی آن‌ها هم از طرف دولت شهر (تس) مغلوب شدند، این هرج و مرج‌ها باعث ضعف دولت یونان شد. در این حالت فلیپ مقدونی که در شمال یونان در مقدونیه حاکم بود بر یونان مسلط شد که این عمل راه را برای فتوحات اسکندر پسر فلیپ هموار ساخت. اسکندر بعد از تسخیر مصر و ترکیه به طرف ایران رو آورد و تا ۳۳۶-۳۲۳ ق. م هخامنشیان را مغلوب کرد و تا شمال هند به پیش رفت. بعد از مرگ اسکندر امپراتوری یونان تجزیه شد که این وضعیت زمینه ساز گسترش و قدرت یابی امپراتوری روم گردید.

فرهنگ و تمدن

دین: در اثر انحراف اعتقادی و ضعف و فقدان عقیده توحید و یکتا پرستی یونانی‌ها به خدایان زیادی اعتقاد داشتند و همچون دیگر مردم دنیای قدیم متعقد بودند که آسمان، زمین، رعد و برق، محبت و زیبایی و دانش هر یک خدایان خاص دارد. زیوس خدای آسمان، پاسیدون خدای دریا، اپولو خدای آفتاب و اتینا خدای پیروزی محسوب میشد. به نظر یونانی‌ها یک تعداد خدایان شان در کوه المپ قرار داشتند، به همین لحاظ مسابقات ورزشی در نزدیکی کوه المپیا برگزار می‌گردید. مسابقات المپیک یادگار همان زمان است. یونانیان به زنده‌گی بعد از مرگ باور داشتند و بامرده‌های شان یک مقدار وسایل را به همراه شان در قبر می‌گذاشتند.



نمونه از تمدن یونان باستان

در شهرهای یونان معابد زیادی وجود داشت، که مردم غرض اجرای مراسم دینی به آنجا میرفتند.

هنر و معماری

آثاری زیادی از یونان باستان همچون مجسمه‌ها، ظروف، مسکوکات و معابد به جامانده است. اما معماری و مجسمه سازی یونانیان از شهرت زیادی برخوردار است. آن‌ها برای خدایان و حاکمان شان مجسمه‌های ساختند خانه‌های ایشان از سنگ و چوب ساخته میشد. موسیقی و تئاتر هم در یونان مرسوم و رایج بود.

علم و فلسفه

علم در یونان انکشاف بسزای نموده بود، زیرا آن‌ها با بحث و گفتگو علاقه فراوان داشتند. یکی از عوامل دیگر رشد علم روابط تجارتي یونان با مصر و آسیای صغیر بود که از اینطریق دست آوردهای علمی آسیا و افریقا به یونان راه یافت و انکشاف نمود.

فیلسوفان یونان در جهان مشهور اند که از جمله آن‌ها سقراط، افلاطون و ارسطو را می‌توان نام برد. سقراط فیلسوف بزرگی بود که در شهر گشت و گذار می‌نمود و با مردم به گفتگو می‌پرداخت. او شاگردان بسیاری داشت که مشهورترین آن‌ها افلاطون است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به تمدن کرت، گروه دوم راجع به دولت‌های شهری یونان و گروه سوم راجع به فرهنگ و تمدن یونان معلومات جمع‌آوری و نماینده هر گروه به دیگر همصنفان ارائه نماید.

سؤالات



- ۱- راجع به جزیره کرت چه میدانید واضح سازید؟
- ۲- دولت‌های مشهور شهری یونان کدام‌ها بودند، در مورد معلومات ارائه نمایید؟
- ۳- در مورد عقاید مذهبی یونانیان معلومات ارائه نمایید؟
- ۴- فیلسوفان مشهور یونان کی‌ها اند واضح سازید؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان راجع به مسابقات ورزشی المپیک معلومات جمع‌آوری و به همصنفان ارائه نمایند.

در این درس در مورد ایجاد امپراتوری روم و اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هم چنان دست آوردهای هنری روم باستان معلومات حاصل می‌نمائیم.

تمدن روم در ایتالیا متمرکز بود. این تمدن منحیث پلی محسوب می‌گردد که دست آوردهای تمدن یونان از اینطریق به دیگر نواحی اروپا منتشر می‌شد. ایتالیایی‌های قدیم، الفبا، عقاید دینی و هنرها را از یونانی‌ها آموختند، بنابراین، نام ایتالیا یک نام یونانی میباشد. تمدن روم از شش قرن قبل از میلاد آغاز به انکشاف نمود و بعد از سقوط تمدن یونان، به مدارج عالی انکشاف خود رسید.

شهر روم (۱۰۰۰) سال قبل از میلاد در ناحیه لاتیوم ساخته شد. نام قدیم زبان رومی‌ها (لاتینی) از همین کلمه گرفته شده است. در آنزمان یک تعداد اقوام ساکن در روم باهم یکجا شدند که بنام لاتینی‌ها شهرت یافتند و بعد از یک مدتی نظام شاهی را بمیان آوردند که تا ۵۰۹ قبل از میلاد دوام کرد. بعد از نظام شاهی در روم نظام جمهوری اساس گذاشته شد که مجلس اعیان سنتوری یا شورای مرکب از صد نفر اعضا و مجلس قومی بود.

بعد از آنکه رومی‌ها بر تمام ایتالیا تسلط یافتند کوشش‌های را برای تصرف مناطق دیگر براه انداختند که در پی آن جنگ میان رومی‌ها و کارتاژها رخداد. در این زمان کارتاژ (تونس کنونی) بر جزایر مدیترانه و بسیاری از مناطق ساحلی افریقایی شمالی حاکمیت داشتند. در میان رومیان و کارتاژها بیشتر از یک قرن این جنگها ادامه داشت که در نتیجه رومیان پیروز شدند و در سال ۱۴۶ ق. م. دولت کارتاژ را از پا در آوردند. رومی‌ها به تصرفات خود ادامه دادند و با تسخیر مصر و آسیای صغیر یک حکومت بزرگ و وسیع را ایجاد کردند. که به این ترتیب حکومت روم به امپراتوری روم مبدل شد.

اکتاو شخصی بود که امپراتوری روم را اساس گذاشت که از سال ۲۷ قبل از میلاد الی ۱۴ میلادی بر روم حکمرانی داشت. پس از این صفحه جدیدی از تاریخ روم آغاز شد که بنام امپراتوری روم یاد میگردد و تا سال ۴۷۶ م دوام یافت. اکتاو یک امپراتور برجسته بود، در زمان حکمرانی او اصلاحات زیادی صورت گرفت.

فساد از بین رفت. نظم و قانون تقویت شد، محاکم جدید ایجاد گردید و خدمات پستی نیز پی ریزی شد. بعد از اکتاو تعداد زیادی حکمرانان به قدرت رسیدند که بسیاری ایشان از کفایت چندان بر خوردار نبودند.

پس از قرن سوم میلادی امپراتوری روم به مشکلات روبرو شد و از قدرت آن کاسته گردید. وقتی که کستانتین امپراتور روم شهر بیزانتوم (قسطنطنیه) را پایتخت خود ساخت. این عمل امپراتوری روم را بدو بخش شرقی و غربی تجزیه کرد. مردم غربی در اثر حملات اجانب روبه ضعف نهاد. لیکن روم شرقی تا زمانی باقی ماند که پایتخت آن در سال ۱۴۵۳ م از طرف مسلمانان ترکی (ترکان عثمانی) فتح شد. به این ترتیب امپراتوری بزرگ جهان از بین رفت.

فرهنگ و تمدن

دین: رومی‌ها نیز مانند یونانیان به خدایان متعددی معتقد بودند و برای آن‌ها به عبادت می‌پرداختند. مریخ خدای امداد دهنده در هنگام جنگ‌ها، جونو خدای حافظ زنان، مشتری خدای باران، و عطارد خداوند پیام دهنده محسوب می‌شدند. در روم عبادتگاه‌های زیادی اعمار گردیده بود. در این عبادتگاه‌ها کاهنان (غیب گویان) وجود داشتند که مردم بر آن‌ها باور داشتند.

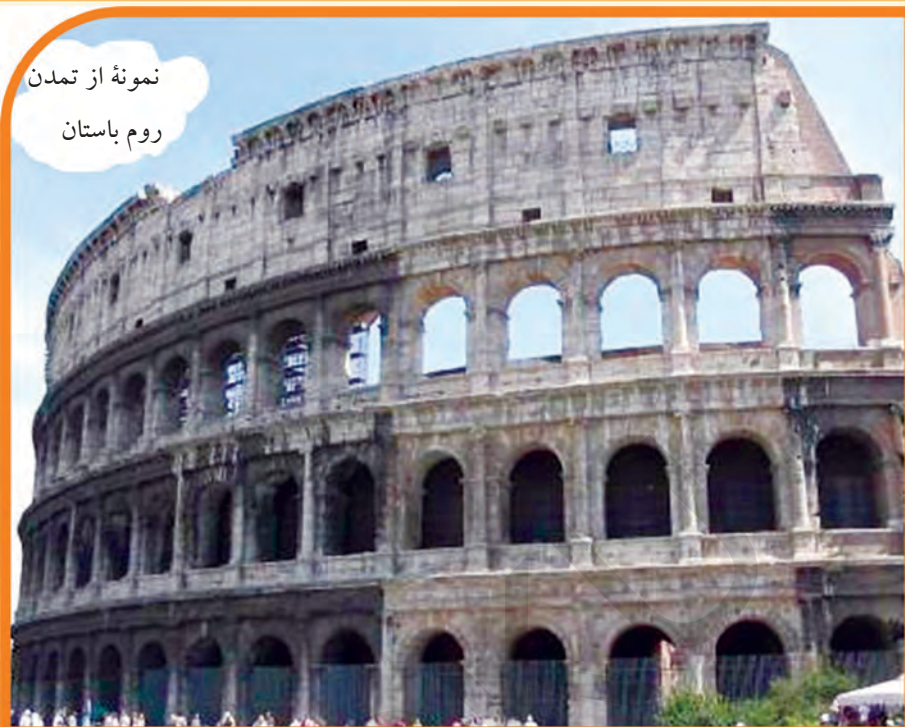
انتشار مسیحیت در روم در زنده گی اجتماعی مردم تأثیر بسزای از خود بجا گذاشت مسیحیان به خدایان رومی باور نداشتند، به همین سبب در ابتدا با مخالفت مامورین دولتی و کاهنان مواجه شدند. لیکن، با گسترش مسیحیت این دین (دین مسیحی) جای نظریات و اعتقادات گذشته را گرفت و به عنوان دین رسمی روم شناخته شد.

زنده گی اجتماعی

در هنگام تشکیل حکومت روم جامعه رومی از سه گروه اصلی؛ یعنی رومیان اصلی مردم غیر رومی و غلامان ترکیب شده بود. حق مالکیت زمین و اشتراک در انتخابات تنها به طبقه عالی محدود میشد، لیکن با گذشت زمان این حالت تغییر کرد و گروه دوم هم در

نمونه از تمدن

روم باستان



نتیجه اعتراضات و تلاش‌های شان از امتیازات گروه اول مستفید شدند. در روم حالت غلامان بسیار به صورت ناگوار سپری میشد. از همین لحاظ بعضی اوقات شورش‌های را برپا میکردند. در جامعه رومی مردم به وظایف مختلفی اشتغال داشتند. طبقات سرمایه دار وقت زیاد خود را در تیاترها و رقابت‌های ورزشی سپری میکردند. از منازل بسیار بزرگ که شامل اتاقهای خواب، حمام، آشپزخانه و جای برای بود و باش غلامان، اختصاص داده شده بود برخوردار بودند.

قانون و دولت: قوانین و اصول اداری روم بهترین تحفه‌های رومیان برای جهان است. قانون روم سه بخش داشت که یکی از آنها قانون مدنی و خانواده بود که تنها برای اتباع رومی وضع شده بود. دومی آن قانون مردم بود که بر تمام ساکنین امپراتوری عملی میشد و دیگری هم قانون طبیعی بود که به تناسب محاکم با فلسفه زیاد سروکار داشت. قوانین رومی در وحدت امپراتوری، تثبیت تجارتی و نشر تولیدات کمک شایانی

نمود. اساس حکومت دارای قوه قضاييه و مقننه بود که از طرف رومی‌ها پی ریزی شد و نظريه جمهوريت طلبی را نیز رومی‌ها انکشاف دادند.

هنر و معماری: در بخش هنر و معماری رومیان پیشرفت بسزای نموده بودند، ولی طریقه هنری آن‌ها تحت تأثیر هنر یونانی قرار داشت، از همین سبب هنر رومی ادامه هنر یونانی به حساب می‌آمد. آثار زیادی چون ظروف، سکه‌ها، مجسمه‌ها و غیره از روم باستان به دست آمده که نمایانگر تمدن رومی می‌باشد. رومی‌ها در ساختن پل‌ها، سکه‌ها، مجسمه‌ها و عمارات بسیار پیشتاز بودند که نمونه آن تا هنوز هم در این کشور موجود است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد به میان آمدن امپراتوری روم گروه دوم در مورد مذهب رومی‌ها و گروه سوم در مورد قانون و دولت رومی‌ها معلومات جمع آوری و نمایندۀ هر گروه به همصنفان خویش ارائه نماید.

سؤالات

- ۱- در مورد نظام جمهوری روم معلومات خود را ارائه نمایید؟
- ۲- اکتاو کی بود و کدام کارها را در حکومت خویش انجام داد؟
- ۳- جامعه رومی به چند بخش تقسیم شده؟ معلومات ارائه نمایید.
- ۴- راجع به قانون روم چه میدانید واضح سازید؟

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان راجع به تصرف روم شرقی توسط مسلمانان معلومات جمع آوری نموده و به همصنفان ارائه نمایند.

در این درس، چگونه گی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تمدن های قدیم امریکا معلومات حاصل خواهید کرد.

مدتها قبل تصور بر این بود که تمدن های امریکا از قدامت بسیار کم برخوردار بوده. و باور بر این بود که در این قسمت از جهان انسانها بسیار به تأخیر آمده اند؛ اما تحقیقات دانشمندان واضح ساخت که هزاران سال قبل زنده گی انسانها در امریکا آغاز شده و مراحل مختلف انکشاف خود را پیموده است.

راجع به اهالی بومی امریکا دیدگاه های متفاوتی وجود دارد، ولی نظری که همه بدان اتفاق دارند اینست که جمعیت ابتدایی این منطقه مغول ها بودند که از طریق سایبریا به الاسکا مهاجر شده اند و بعضی از ظواهر تمدنی را نیز با خود انتقال داده اند. آثار بدست آمده از امریکا ثابت میکند که در سالیان قدیم بعضی فرهنگ های وجود داشت که تمدن های دیگری را که بعدها به حاکمیت های بزرگی مبدل گشتند تحت تأثیر قرار داد. این تمدنها عبارت بود از تمدن مایاها و آزتک ها در امریکای مرکزی و تمدن اینکاها در امریکای جنوبی.

تمدن مایا

تمدن مایا که تاریخ آن تقریباً به ۱۵۰۰ ق.م میرسد، تا قرن نهم میلادی خیلی انکشاف کرد و به نواحی گواتیمالا، مکسیکو، هاندوراس و یوکاتان در امریکای مرکزی انتشار یافت. بقایای این تمدن از مناطق چون تیگال، نابونامپاک، پالینکو، گواتیمالا و گوپان در هاندوراس یافت شده است. در این مناطق عمرانات و آبادی هایی کشف شده که توسط تصاویر مزین شده است.

مایاها تقویم، الفبا و خط تصویری را ایجاد کردند. با صفر و اعداد آشنایی داشتند و به حساب نیز می فهمیدند. آن ها به گذشت سال توجه داشتند و برای هر دوره بیست ساله یک یادگاری می ساختند که کاتون یاد میشد.

مایایان خدایان متعددی مثل خدای آتش، خدای باران، خدای آفتاب و خدای هنر و صلح را پرستش میکردند و برای رضا و خوشی آن ها قربانی میدادند. در قرن نهم قبل از میلاد دسته های تازه مردم وارد دره مکسیکو شدند و تمدن مایا را از میان بردند.

آزتک‌ها: آزتک‌ها در قرن (نهم) قبل از میلاد در مکزیکو ظاهر شدند. آن‌ها مردمان جنگجو بودند و بعد از مدتی حکمرانان همین منطقه شدند. آزتک‌ها امپراتوری بزرگی را به وجود آوردند که به سی و هشت ولایت تقسیم شده بود و هر بخش (ولایت) آن توسط یک نفر والی اداره میشد.

پادشاه آزتک‌ها در عین حال یک راهب نیز بود، از طرف شورای اشراف، و جنگجویان تعیین میشد. جامعه آزتک به طبقات نظیر جنگجویان، تاجران و کسبه کاران تقسیم شده بود. آن‌ها یک تعداد خدایان را مثل خدای آفتاب می‌پرستیدند. و باذوب آهن و استفاده از آن در ساختن ابزار و وسایل کار آشنا بودند. زبان آزتک‌ها ناهوت بود که تا حال مروج است و خط ایشان تصویری بود. در سال ۱۵۲۱ م این امپراتوری بوسیله اسپانیایی‌ها از میان برداشته شد.

تمدن اینکاها: تمدن اینکاها در قرن یازدهم میلادی از طرف قبیله اینکاها که از آسیا به امریکا مهاجر شده بودند به میان آمد. اینکاها نیز امپراتوری بزرگی را بنیان نهادند که مناطق اکوادور، پیرو و چیلی را شامل میشد. حاکم اینکاها به همکاری کاهنان مذهبی در قلمرو خود حکومت میکرد و خود را پسر خدا و نماینده او معرفی میکرد. اختیار سیاسی به دست پادشاه بود و مردم از هیچ نوع صلاحیتی برخوردار نبودند بلکه آن‌ها تحت فرمان پادشاه و کاهنان امرار حیات میکردند، مقررات سختی برای مردم وضع شده بود. زمین ملکیت دولتی محسوب میشد، کچالو و جواری محصولات عمده زراعتی را تشکیل میداد، زارعین یک سوم پیدا



بقایای تمدن اینکا

وار خود را به دست می‌آوردند، یک قسمت را برای دولت و یک قسمت دیگر آن را برای امپراتور جدا میکردند. پیدوار صنعتی و زراعتی از طرف کارمندان دولتی میان خود شان توزیع میشد.

اینکاهای تقویم داشتند و در معماری، مهندسی و صنایع دستی نیز به پیشرفت‌های نایل آمده بودند. شهرهای اینکاهای از ساختارهای بزرگی چون قصرها، عبادتگاهها، گدام‌های رسمی و قلعه‌های جنگی برخوردار بودند. هنر و صنایع دستی انکشاف نموده بود. اینکاهای ظروف مسی، سلاح و زیورات را با استفاده از ترکیب مس و طلا می‌ساختند. آنها با آرتک‌ها روابط تجارتي داشتند و تولیدات صنعتی خود را به امپراتوری آرتک صادر میکردند.

در سال ۱۵۳۲م هسپانیایی‌ها به قلمرو اینکاهای داخل شدند و آخرین امپراتور اینکاهای (اتاهولپا) را از بین بردند و در ظرف دوسال برتمام امپراتوری اینکاهای مسلط شدند، به این ترتیب این امپراتوری نیز خاتمه یافت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد تمدن مایا، گروه دوم در رابطه به تمدن آرتک و گروه سوم راجع به تمدن اینکاهای معلومات جمع آوری نموده و نماینده هر گروه آنها به دیگر اعضای صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- جمعیت بومی امریکا کی‌ها بودند؟ در مورد آن معلومات دهید.
- ۲- تمدن مایا چه وقت ایجاد شد و در کدام مناطق انتشار یافت؟
- ۳- راجع به آرتک‌ها چه میدانید؟ معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان در مورد اینکه مردم بومی امریکا کی‌ها بودند معلومات بدست آورده و به همصنفان خود بیان دارند.

فصل چهارم

تاریخ اسلام

این فصل مشتمل بر درس‌های زیر می‌باشد:

- ۱- اوضاع جهان و شبه جزیره عربستان مقارن ظهور اسلام.
- ۲- زنده گی حضرت محمد ﷺ از تولد الی بعثت؛ و از بعثت الی رحلت.
- ۳- بیعت اول و دوم عقبه.
- ۴- غزوات.
- ۵- صلح حدیبیه.
- ۶- فتح مکه.
- ۷- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه.
- ۸- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه.
- ۹- حضرت عثمان رضی الله عنه.
- ۱۰- حضرت علی (کرم الله وجهه).
- ۱۱- نگاه مختصری به دوره خلفای راشدین رضی الله عنهم.
- ۲۱- امویان.
- ۳۱- وضعیت اقتصادی و ثقافتی و کلتوری مسلمانان در زمان اموی‌ها.
- ۴۱- عباسیان.
- ۵۱- اوضاع سیاسی اداری و کلتوری عباسی‌ها.

اهداف فصل

- از شاگردان انتظار می‌رود در پایان فصل به اهداف ذیل دست یابند:
- آشنایی شاگردان به اوضاع عربستان مقارن ظهور اسلام.
 - بدست آوردن معلومات راجع به سیرت پیامبر بزرگ اسلام.
 - کسب معلومات در مورد غزوات.
 - آشنایی با طرز اداره و نظام خلفای راشدین.
 - شاگردان حوادث و رویدادهای دوران امویان را تحلیل کرده بتوانند.
 - شاگردان حوادث و رویدادهای عصر عباسیان را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند.
 - با نقشه‌ها و اطلس آشنایی حاصل نمایند.

اوضاع جهان و شبه جزیره عربستان مقارن ظهور اسلام

درین درس راجع به اوضاع سیاسی، اجتماعی و کلتوری جهان و عربستان قبل از ظهور دین اسلام معلومات ارائه می گردد.

قبل از ظهور دین مبین اسلام، در روی زمین کفر و وحشت حکمفرما بود و در هر جایی حق تلفی ها صورت می گرفت اگر چه مردم قسمت های بیشتر اروپا، افریقا و



مراسم اعراب قبل از اسلام

قسماً آسیای غربی خویشان را پیروان دین حضرت موسی و حضرت عیسی (علیهما السلام) می دانستند؛ ولی در ادیان خود انحرافات و تغییرات زیادی را بوجود آورده و راه اساسی و اصلی دین را به کلی رها نموده بودند. ظلم به اوج خود رسیده بود و زور یگانه روش استبداد حکومت داری حاکمان وقت

بود. مردم فارس (ایران) و خراسان آن وقت آتش را می پرستیدند حکام ظالم ساسانی بر آن ها حکومت می راندند در سرزمین هند، چین، خراسان و قسمت های جنوبی براعظم آسیا مذهب بودایی رائج بود و شکل بت پرستی را به خود گرفته بود. باشنده گان مکه در سایه جهالت و خود کامگی بسر می بردند. شبه جزیره عرب به چند قسمت یمن، حجاز و نجد تقسیم شده بود، در یمن حبشی ها و طرفداران ایشان حکومت می راندند و مردم شان یهودی، نصرانی و بت پرست بودند.

اکثریت مردم حجاز بت می پرستیدند. اقلیت از یهودی و نصرانی نیز در آن بود و باش داشتند. علاوه بر آن، در جزیره عرب پرستش آفتاب، مهتاب و ستارگان نیز مروج بود. بیشتر باشنده گان شبه جزیره عربستان به تجارت، زراعت و مالداري مشغول بودند.

افراد سرمایه دار و زور مند غرق در انحرافات و فساد بودند. مساکین و بینوایان در وضعیت بدی روزگار تلخ را می گذرانیدند. تجاوز و تعدی بر یکدیگر، به آخرین حد خود رسیده بود. همچنان عده یی، دختران خود را از خوف گرسنگی و یا از روی ننگ و عار زنده به گور میکردند. زنان در نزد آنها، بی ارزش بوده مانند متاع عادی مورد خرید و فروش قرار میگرفتند.

در اثر عوامل مزبور، الله ﷻ حضرت محمد مصطفی ﷺ را به حیث آخرین پیامبر مبعوث و مامور نمود. در نتیجه دعوت و تلاش های خستگی ناپذیر، آن حضرت توانست در مدت کمتر از یک ربع قرن نه تنها از شبه جزیره عرب و اطراف آن جهالت ها را ریشه کن سازد؛ بلکه تاریکی ها و جهالت را از جهان از بین برد تا جایش را انوار قرآنی و ارشادات نبوی ﷺ فرا گیرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به ادیان و گروه دوم درباره اوضاع اقتصادی عربستان قبل از اسلام بین خود شان مباحثه نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- اقوام عرب قبل از اسلام با زنان و دختران چگونه برخورد مینمودند؟
- ۲- چرا خداوند ﷻ حضرت محمد ﷺ را به پیامبری مبعوث نمود؟
- ۳- اقوام عرب قبل از اسلام به کدام ادیان و اشیا معتقد بودند؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان راجع به ادیان و اعتقادات اعراب قبل از اسلام از علماء، امامان مساجد و منابع دست داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

زنده گانی حضرت پیامبر (ﷺ) از تولد تا بعثت

در این درس راجع به نسب حضرت پیامبر ﷺ، دوران طفولیت، چگونه گی مبعوث شدن به پیامبری و اولین هجرت مسلمانان معلومات ارائه می گردد.

حضرت پیامبر خاتم الانبیاء یعنی محمد ﷺ بتاريخ ۲۰ ماه اپریل سال ۵۷۱ میلادی مطابق نهم یا دوازدهم ربیع الاول در سپیده دم (هنگام طلوع فجر) روز دوشنبه عام الفیل پا به عرصه وجود گذاشتند. حضرت محمد ﷺ یتیم تولد یافت؛ زیرا او هنوز جنین دو ماهه در بطن مادرش بود که پدرش عبدالله در گذشت. حضرت محمد ﷺ پس از تولد مدت چهار سال در میان قبیله بنی سعد تحت تربیت بی بی حلیمه سعدیه قرار داشت. و زمانیکه حضرت به شش سالگی قدم گذاشت مادرش آمنه نیز رحلت کرد و کفالتش بعد از آن، به دوش پدر کلانش عبدالمطلب گذاشته شد. وقتیکه پیغمبر ﷺ به هشت سالگی رسید پدر کلانش نیز وفات یافت که بعداً کفالت او به کاکایش ابوطالب تعلق گرفت، تا اینکه جوان رشید و برومند گردید.

ابوطالب، حضرت محمد ﷺ را بیشتر از همه فرزنداناش دوست می داشت و از هیچ گونه ترحم و شفقت در موردش مضایقه نمی نمود. حضرت محمد ﷺ در سن دوازده سالگی به همراهی کاکای خود، غرض تجارت به شام سفر نمود، در سرزمین شام، بحیرا یکی از علمای مسیحی، از سیمای محمد ﷺ دریافت که وی پیامبر آخر زمان است؛ لذا به ابوطالب گفت که در حفاظتش سعی بلیغ بخرج دهد.

برتری عقلی و مزیت اخلاقی پیغمبر، همیشه او را از دیگران ممتاز میساخت که حادثه گذاشتن حجرالاسود در دیوار خانه کعبه دلیل واضح این گفته است. خداوند جلّ با خردمندی و حکمت بی نظیر پیامبرش، قبایل اعراب را از یک خون ریزی بزرگ که هر لحظه انتظار میرفت، رهایی بخشید. پیامبر ﷺ در جوانی در میان قومش به راست گویی، امانت داری معامله نیکو، وفا به عهد، نیک سیرتی و آبرو مندی مشهور بود. با در نظر داشت صفات پسندیده، حضرت محمد ﷺ مورد توجه بی بی خدیجه، زن نجیب و سرمایه دار قریش، قرار گرفت. وی از حضرت محمد مصطفی ﷺ خواهش نمود تا سر پرستی کاروان

تجارتی اش را که رهسپار شام بود به عهده گیرد. این پیشنهاد را حضرت محمد ﷺ پذیرفت و اموال تجارتی را به شام برده با فایده بسیاری باز گشت نمود. حینیکه قافله به مکه رسید غلام بی بی خدیجه که همسفر حضرت رسول اکرم ﷺ بود، از فضایل و خصایل نیکوی حضرت محمد ﷺ به بی بی خدیجه حکایت نمود. به اثر همین صداقت و راستکاری، بی بی خدیجه رضی الله عنها بیشتر مایل به حضرت محمد ﷺ گردیده تقاضای ازدواج با او نمود که این تقاضا هم از جانب حضرت محمد ﷺ پذیرفته شد. در این هنگام حضرت محمد ﷺ ۲۵ ساله و بی بی خدیجه رضی الله عنها ۴۰ ساله بودند.

زنده گی و سیرت پیغمبر اکرم ﷺ صحیح ترین سیرت در تاریخ زنده گانی همه پیامبران الهی می باشد زنده گی فرستاده خدا، در تمام مراحل حیاتش واضح و روشن است. تمام رویدادهای زنده گی آن حضرت از ولادت، کودکی، جوانی، کار و شغلش قبل از بعثت و سفرهایش به خارج مکه و خلاصه اینکه تا زمانیکه خداوند جل جلاله ایشان را به رسالت مبعوث گردانید مثل آفتاب روشن است.

از بعثت الی هجرت

مدتها قبل از بعثت، خداوند جل جلاله برای حضرت محمد ﷺ، رفتن به غار حراء را دلپذیر ساخت. پیغمبر همه ساله یک ماه را در آن سپری می کرد و در جهان آفرینش و قدرت عظیم پروردگار به اندیشه فرو می رفت و تا زمان آمدن وحی و نزول قرآن کریم به این عادت خود دوام میداد.



غار حراء

زمانیکه پیغمبر ﷺ سن چهل سالگی را تکمیل کرده بود، روز دو شنبه دوازدهم رمضان، جبرئیل امین، وحی خداوند جل جلاله را بر وی فرود آورد. او در غار حراء مشغول عبادت بود که فرشته به نزد اش آمد و گفت: بخوان پیامبر ﷺ فرمود من خوانده نمی توانم. پیامبر ﷺ می گوید که آن فرشته مرا در آغوش گرفت و سخت

فشار داد چنان که تاب و توانم را از دست دادم و سه بار این عمل تکرار شد. بعد از فشار دادن بار سوم فرشته گفت: «اقرا باسم ربك الذی خلق...!» ترجمه: بخوان بنام پروردگارت که آفرید آدمی را از لخته خون، بخوان، که پروردگارت کریم ترین کریمان است، خدایی که به قلم آموخت و به آدم آنچه را نمی دانست تعلیم داد. بعد از مدت کوتاهی نزدیک ترین دوستانش حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، حضرت علی (کرم الله وجهه) و از زنان، حضرت بی بی خدیجه رضی الله عنها به رسالت وی ایمان آوردند. با گذشت مدت اندکی ده ها تن از اقشار مختلف مردم به دین اسلام گرویدند.

هجرت مسلمانان به حبشه

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، خانه حضرت ارقم رضی الله عنه را مرکز دعوت خویش تعیین نموده بود و در همین جا با مردم دید و باز دید می نمود و مردم را به دین اسلام طور سری دعوت میکرد این دعوت مخفی سه سال دوام کرد. بعد از گذشت این مدت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر فراز تپه صفا دعوت اسلام را آشکار نمود. بدنبال این رویداد ابولهب، ابوجهل و سایر مشرکین به آزار و اذیت مسلمین مبادرت ورزیدند و چون ظلم و ستم کفار از حد بگذشت، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان اجازه داد تا به حبشه که پادشاهش یک شخص عادل بوده و نجاشی نام داشت مهاجرت نمایند.

سال پنجم بعثت ماه رجب بود که برای اولین بار یازده تن از مسلمانان که چهار تن شان زن بودند به حبشه هجرت کردند. هنگامیکه مشرکین از این هجرت آگاه شدند به شقاوت خود افزودند که در نتیجه در سال ششم نبوت به تعداد ۸۳ تن مسلمانان رهسپار دیار هجرت شده و به حبشه رفتند. کفار مکه همینکه خبر شدند مسلمانان مورد لطف نجاشی قرار گرفته اند تحایف و هیئتی را تحت رهبری عمرو بن عاص، اعزام نمودند، اما در اثر درایت ذاتی نجاشی و دانستن حقیقت دعوت اسلام توسط نماینده مهاجرین، نه تنها تحایف کفار مکه را رد نمود بلکه به حمایت مهاجرین توجه بیشتری مبذول داشت.

سفر طایف

پس از آن هم مسلمانان همواره مورد آزار و شکنجهٔ مشرکین قرار داشتند وعده ای در اثر تعذیب کفار جان خود را از دست دادند و فضا بر پیامبر ﷺ تنگ آمد.

سال دهم بعثت حضرت بی بی خدیجه الکبریٰ رضی الله عنها و ابوطالب که از هر حیث نزدیکترین اقارب و حمایت کنندهٔ حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند وفات نمودند این دو حادثهٔ الم ناک بر روح پاک حضرت محمد صلی الله علیه و آله چنان تأثیر کرد که این سال را بنام عام الحزن مسمی نمود، ولی باز هم این چنین حوادث درد ناک نتوانست که کوچکترین وقفه را در برابر ادای فریضهٔ رسالت دعوت بوجود آورد. روی همین اصل، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای انجام دادن وظیفهٔ رسالت جهت دعوت مردم به طایف که شهری در نزدیکی مکه بود، سفر نموده. سران مردم را به اسلام دعوت نمود. ولی آن ها نه تنها دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را قبول نکردند؛ بلکه پسران خوردسال و جوانان را وظیفه دادند تا به آزار و اذیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بپردازند و از شهر بیرونش کنند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول در مورد دعوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و گروه دوم در مورد هجرت مسلمانان به حبشه معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- در مورد نسب حضرت محمد صلی الله علیه و آله معلومات دهید؟
- ۲- چرا مسلمانان به کشور حبشه مهاجرت نمودند؟
- ۳- عکس العمل مردم طایف در مقابل دعوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله چه بود؟

فعالیت های خارج صنف

شاگردان در مورد زنده گی حضرت محمد صلی الله علیه و آله از بزرگان پرسیده معلومات خود را در صنف ارائه نمایند.

در این درس شاگردان راجع به بیعت عقبه و هجرت مسلمانان به مدینه معلومات حاصل مینمایند.

الف- بیعت اول عقبه: در درس گذشته خواندیم زمانیکه پیغمبر از ایمان آوردن اهل مکه مأیوس گردید به طائف رفته قبیله بنی ثقیف را به اسلام دعوت نمودند که آنها هم نپذیرفته بلکه آنحضرت را با سنگها زدند. بناءً رسول اکرم ﷺ در مواقع حج قبایل مختلف عرب را به دین اسلام دعوت می نمودند تا اینکه در سال یازدهم نبوت حضرت محمد ﷺ با شش تن یثربی و خزرجی خارج از مکه در جایی به نام عقبه دیدار نموده برایشان اسلام را عرضه کرد و آیات چندی از قرآن مجید را تلاوت کرد، آن شش تن دعوت اسلام را قبول نموده وعده سپردند که سال بعد نیز در همین جا با هم دیدار نمایند. در سال دوازدهم بعثت در محل مذکور ۱۲ تن یثربی ها با حضرت محمد ﷺ دیدار نموده و روی یک سلسله موضوعات با هم به موافقه رسیدند که بنام بیعت عقبه معروف شد مندرجات بیعت مذکور قرار ذیل است:

هیچ کس و یا چیزی را با خداوند ﷻ شریک نمی سازیم - دزدی و سایر اعمال ناشایسته را انجام نمی دهیم - اولادهای خود را نمی کشیم - دروغ نمی گوئیم - به کسی تهمت نمی بندیم و نافرمانی رسول خدا ﷻ را نمی نماییم. حضرت محمد ﷺ بعد از عقد قرارداد به حضرت مُصعب بن عمیر رضی الله عنه دستور داد تا همراه این ۱۲ تن به مدینه رفته امور تعالیم اسلامی و دعوت مردمان به اسلام را به پیش برد، که در نتیجه از اثر مساعی مخلصانه ایشان تعداد زیادی از یثربی ها به دین مقدس اسلام مشرف شدند.

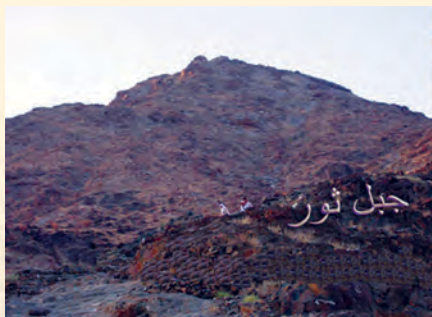
ب- بیعت دوم عقبه: در سال سیزدهم بعثت ۷۳ تن مرد همراه با دو زن برای بار سوم در عقبه با حضرت رسول اکرم ﷺ دیدار داشتند. طی این دیدار آنها، تعهد سپردند که بر

علاوه اینکه مردم را به اسلام دعوت مینمایند با رسول خدا ﷺ نیز هر نوع کمک و همکاری می نمایند. این بیعت به نام بیعت دوم عقبه مسمی گردید. طی این بیعت تعهدات ذیل به میان آمد:

ما به هر حکم پیامبر خداوند ﷺ جواب مثبت میدهیم - مصارف مالی اش را به عهده می گیریم و هنگامیکه حضرت محمد ﷺ از مکه به مدینه تشریف بیاورد ما هر نوع کمک و همکاری همایشان نموده و چنان از او حمایت خواهیم نمود، مثلیکه از اولاد و سایر اعضای فامیل خویش حمایه به عمل می آوریم و ما در برابر این خدمات خویش تنها و تنها جنت می خواهیم - این بیعت و تعهد در حقیقت سنگ تهادب حکومت اسلامی بود که گذاشته شد.

هجرت

هنگامی که حضرت محمد ﷺ از مردم یثرب وعده هر گونه کمک را دریافت نمود به دنبال آن هجرت مسلمانان به جانب یثرب آغاز گردید و جناب پیامبر ﷺ یکماه بعد، از مکه جانب یثرب هجرت نمودند. در حین آغاز هجرت، خانه حضرت محمد ﷺ توسط مشرکین محاصره بود در آن شب که حضرت محمد ﷺ خواست از خانه بیرون شود حضرت علی رضی الله عنه را توظیف نمود در بسترش بخوابد تا بدین گونه کفار قریش اغفال گردید. حضرت محمد ﷺ



ابوبکر صدیق رضی الله عنه را با خود همراه نموده به غار کوه ثور رفتند، سه شبانه روز را در آنجا

سپری نمودند. گرچه کفار تا به دهن غار هم رسیدند، اما خداوند ﷺ این دو دوست خود را حفاظت نموده ایشان را از شر کفار در امان داشت. روز چهارم هر دو به سوی یثرب رهسپار شدند. بعد از سپری نمودن ۹ شبانه روز بتاریخ ۸ ربیع الاول بروز دوشنبه به قبا که در مسافت دو میلی یثرب موقعیت دارد، رسیدند. در آنجا تهداب اولین مسجد را گذاشته و بعداً به جانب یثرب حرکت نمودند. حضرت نبی کریم ﷺ در محله بنی سالم بن عوف اولین نماز جمعه را ادا کردند و طی خطابه مسلمانان را به وظایف اصلی شان ملتفت نموده و چنین ایراد فرمودند: حاکمیت اصلی به خداوند ﷺ تعلق دارد تنها او را پرستید و با او شریک میاورید، رهنمای حقیقی خویش، کتاب خداوند ﷺ یعنی قرآن و سنت پیامبرش را بدانید و آنرا بر خود حاکم نمایید دشمنان خدا را دشمنان خود بدانید و جهت غلبه دین به جهاد جنگ زنی نام اسلامی شما مسلمان بوده و همه تان مسلمان و افراد یک جامعه هستید که به نام امت اسلامی یاد می شوید؛ پس از آن بین مهاجرین و انصار عقد مواخات بوجود آمد و از اثر فیض و برکت دین مبین اسلام جنگ های ده ساله بین قبایل اوس و خزرج از بین برده شده و به برادری مبدل گردید. امتیازات نسبی، منطقوی و نژادی از بین برده شد و در عوض تقوی و عمل نیکو معیار برتری قرار گرفت و طی یک منشور ۵۲ ماده یی عملاً تهداب یک حکومت اسلامی گذاشته شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به بیعت اول عقبه و گروه دوم راجع به هجرت حضرت محمد ﷺ به یثرب، معلومات خود را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- متن بیعت اول عقبه شامل کدام موضوعات بود؟
- ۲- بیعت دوم عقبه در کدام سال عقد گردید؟
- ۳- حضرت محمد ﷺ اولین نماز جمعه را در کجا ادا نمودند؟

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان در مورد هجرت حضرت محمد ﷺ به مدینه منوره از علما و دانشمندان محل خویش معلومات جمع آوری نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

در این درس راجع به غزوات، عوامل به وقوع پیوستن و نتایج آن‌ها معلومات ارائه می‌گردد.

بیشتر بدانید

حضرت محمد ﷺ در اولین سال هجری، بعد از استقرار در مدینه جهت تنظیم امور زنده‌گی بین قبایل و ساکنان مختلف آن پیمانی را عقد نمود که در تاریخ بنام منشور مدینه مشهور است. پیمان مذکور مبین ارجگذاری به انسانیت و عدالت اجتماعی می‌باشد که از بعضی مواد آن به طور فشرده تذکر به عمل می‌آید:

- ۱- وحدت امت اسلامی بدون تفرقه.
- ۲- تساوی مسلمانان در حقوق و کرامت انسانی.
- ۳- همکاری با امت مسلمان بخاطر پایان دادن به ستم، گناه و تجاوز.
- ۴- نبرد بی امان در برابر یاغیان دولت اسلامی و امتناع ورزیدن از یاری و همکاری با آنها.
- ۵- بر غیر مسلمانان لازم است تا در مصارف دولت اسلامی مانند مسلمانان سهم گیرند.
- ۶- بر غیر مسلمانان لازم است بخاطر دفع خطرات خارجی در حالت جنگ با مسلمانان همکاری نمایند.
- ۷- بر دولت اسلامی لازم است تا از وقوع ظلم و ستم بر غیر مسلمانان جلوگیری به عمل آورد، طوریکه این کار با مسلمانی که مورد ستم قرار می‌گیرند، نیز عملی می‌گردد.
- ۸- گناهکار و ستمگر حمایت نمی‌شود.
- ۹- جامعه بر پایه‌های همکاری، نیکو کاری و پرهیز کاری اساس گذاری می‌شوند، نه بر پایه گناه و تجاوز.
- ۱۰- هیچ کس به گناه کس دیگری گرفته نمی‌شود و حدود تنها بالای جانی تطبیق می‌گردد.

پس از آنکه پیامبر ﷺ و مسلمانان در مدینه منوره مستقر گردیدند و پایه‌های اولین دولت اسلامی گذاشته شد، دشمنی‌های مستقیم دشمنان اسلام نیز آغاز گردید و در نتیجه غزوات بین مسلمانان و کفار آغاز گردید. سیرت نویسان و مؤرخان مسلمان هر نبردی را که میان مسلمانان و مشرکان انجام پذیرفته و فرستاده خدا شخصاً در آن حضور یافته بود بنام «غزوه» و آن نبردهایی که پیغمبر ﷺ در آن حضور نداشتند، به نام «سریه» یاد میکنند.

تأسیس حکومت اسلامی در مدینه منوره، کفار را بطور عموم و مشرکین مکه را بالاخص به حالت ترس مواجه نموده در پی آن برآمدند تا به هر وسیله ممکنه جلو پیشرفت مسلمانان را بگیرند. مسلمانان نیز می‌فهمیدند که اگر جهاد نکنند با زوال حتمی روبه رو می‌شوند؛ لذا این‌ها هم آماده گی‌های دفاعی نظر به امر خداوند ﷻ را می‌گرفتند. و به غزوات آغاز نمودند که به ترتیب آتی از مهمترین آن‌ها تذکر به عمل می‌آیند.

غزوة بدر

این غزوه در هفدهم رمضان المبارک سال دوم هجری به وقوع پیوست. سببش این بود که مسلمانان می‌خواستند قافله تجارتی قریش را که از شام سوی مکه رهسپار بود بدست آورند. پیامبر ﷺ نیت جنگ نداشت؛ اما رئیس قافله ابوسفیان به قریش پیام فرستاد تا قافله او را از تعرض مسلمانان حمایت کنند. بناءً یک هزار مرد جنگی قریش که شش صد تن آن زره بر تن داشتند با یکصد رأس اسب که سوار کارانش نیز لباس زره به تن داشتند و با هفتاد شتر آماده جنگ شدند. سیره نویسان هم اتفاق دارند که: این تعداد را کنیزان خوش آواز و نوازنده، با دف زدن‌ها و هجو کردن مسلمانان، همراهی میکردند. اما مسلمانان تعدادشان به سه صد و سیزده و یا سه صد و چهارده تن بالغ میگردد که اکثریت آنها انصاری بودند. با این جمع هفتاد شتر و دو یا سه رأس اسب نیز بود که مسلمانان آن شترها را به نوبت سوار می‌شدند. با آنکه پس از اندکی مشرکین قریش اطلاع یافتند که قافله‌شان نجات یافته با آن هم راه جنگ را در پیش گرفتند و با غرور و تکبر گفتند که می‌خواهیم مسلمانان را گوشمالی دهیم و عرب را مغلوب سازیم. زمانی که هردو لشکر رو در روی هم قرار گرفتند فرستاده خدا ﷺ قبل از اینکه داخل نبرد شود، خواست تا از یارانش بویژه از انصار مشوره بخواهد، مهاجرین همه به غذا مشوره دادند وقتی که انصار فهمیدند پیامبر ﷺ، خواهان دیدگاه آن هاست، سعد بن معاذ رضی الله عنه به نماینده گی از انصار گفت: ای رسول الله ﷺ ما به تو ایمان آوردیم و نبوت تو را تصدیق کردیم و گواهی دادیم آنچه تو آورده یی حق است و به سمع و طاعت از فرامین تو پیمان بستیم و عهد کردیم. ای فرستاده خدا، به سوی آنچه می‌خواهی حرکت کن ما همه با تو همراه هستیم. دیگران نیز مثل سعد حرفهایی زدند، این گفتارها، خوشی زایدالوصفی در پیامبر ﷺ ایجاد کرده ایشان فرمودند:

در پناه برکت الهی حرکت کنید و بشارت باد بر شما که خداوند یکی از این دو نیکویی را برایم وعده فرموده است، یا کاروان و یا غلبه بر نیروهای جنگی قریش که برای نجات کاروان آمده‌اند. بدین ترتیب جنگ در گرفت. در این غزوه، هفتاد تن از مشرکین که ابوجهل و برخی زمامداران شان نیز در جمله شامل بودند، کشته شدند و هفتاد تن دیگر به اسارت افتادند.

پیامبر اکرم ﷺ امر فرمود تا کشته شده گان را دفن و خود به مدینه برگردند و همراه با یارانش در مورد سرنوشت اسیران مشوره نمودند.



غزوهٔ اُحد

این غزوه در سال سوم هجری به وقوع پیوست. قریش، به غرض گرفتن انتقام غزوه بدر سه هزار تن را که ملبس به زره بودند با دوصد اسب و سه هزار شتر به مدینه در ساحهٔ کوه احد آمادهٔ جنگ شدند. حضرت محمد ﷺ نقشه جنگ را طوری ترتیب کردند که پشت سپاه اسلام، به جانب کوه احد و روی شان طرف دشمن باشد و به حضرت عبدالله بن جبیر رضی الله عنه و ظیفه سپرده شد تا با پنجاه تن تیرانداز، از جانب کوه که به جبل الرماة شهرت داشت، به محافظت و نگهبانی مسلمانین پردازند، و حتی در صورت کامیابی و ناکامی مسلمانین هم آنجا را ترک نمایند، و در عین حال قوماندانی سواره نظام را به حضرت زبیر بن عوام رضی الله عنه و قوماندانی پیاده نظام را به حضرت حمزه رضی الله عنه واگذار نموده و حضرت مصعب بن عمیر رضی الله عنه بحیث علمبردار تعیین گردید. جنگ در گرفت و در نتیجه کفار شکست خورده پا به فرار نهادند. مسلمانان به جمع کردن غنایم پرداختند. تعداد زیادی از آنانیکه در تنگهٔ کوه احد توظیف بودند آن‌ها هم آمدند تا از غنیمت محروم نمانند- خالد که تنگه کوه احد را خالی دید از همان مسیر با گروهی سواره نظام خود آمده حضرت عبدالله بن جبیر رضی الله عنه را با چند تن محدودی که با او باقی مانده بودند به شهادت رسانیده و از عقب بر مسلمانان که سرگرم جمع آوری غنایم بودند هجوم آوردند و مشرکین توانستند که خود را به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برسانند و سنگ‌های که پرتاب می‌کردند به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و رخسار مبارکش معجروح گردیده و دندان مبارکش اش به شهادت رسید



کوه احد

و ۷۰ تن به شمول حضرت حمزه رضی الله عنه کاکای حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به شهادت رسانید. در این غزوه تعداد مسلمانین ۷۰۰ تن بود.

غزوهٔ بنی نضیر

بنی نضیر یکی از قبیله‌های یهودی بوده و در نزدیکی مدینه سکونت داشتند و با خزر ج هم پیمان و با مسلمانین پیمان صلح و تعاون بسته بودند؛ ولی از آنجایی که شرارت، غدر و خیانت با سرنوشت یهودان مزج و عجین بود و این اوصاف در ژرفای دل شان ریشه داشت، آن‌ها را نگذاشت تا به عهد خود وفا کنند. روزی فرستادهٔ خدا صلی الله علیه و آله و بعضی از یارانش در میان

بنی نضیر بودند و پیامبر ﷺ به دیوار خانه یی تکیه زده بود، یهودان در این لحظات توطئه قتلش را سنجیدند و خواستند با انداختن سنگ بزرگی از فراز بام خانه به زنده گی مبارک پیامبر ﷺ خاتمه بدهند. پیامبر ﷺ از طریق وحی از دسیسه شان آگاه شد و به سرعت از جایش برخاسته و به دشمن چنان وانمود کرد که گویا دنبال کاری می رود و به سوی مدینه رهسپار شد که یارانش نیز به دنبالش رفتند. پس از آن پیامبر ﷺ محمد بن مسلمة رضی الله عنه را به نزد بنی نضیر فرستاد تا این پیام را بر ایشان برساند که:

از کشور خارج گردید و شما نمی توانید با من در مدینه سکونت کنید؛ زیرا شما نقض عهد کردید و تصمیم به غدر و خیانت گرفتید.

محمد بن مسلمة، بعد از ابلاغ فرمان پیامبر اکرم ﷺ بر ایشان ده روز مهلت داد تا در این مدت منطقه را ترک کنند.

بنی نضیر نیز با شنیدن اخطار فرستاده خداوند ﷺ آماده ترک آن دیار شدند، ولی زعیم منافقان عبدالله بن ابی برای شان پیام فرستاد که منطقه را ترک نگویند و در ضمن برای شان وعده داد که دو هزار نفر را به کمک و دفاع از آنها خواهد فرستاد. بنی نضیر با شنیدن این پیام، از تصمیم خود برگشتند و سنگرهای خویش را مستحکم ساخته و از ترک دیار خویش ابا ورزیدند و به رسول خدا ﷺ پیام فرستادند که سر زمین خویش را ترک نمی کنند تا اینکه رسول خدا ﷺ با جمعی از یارانش به سوی بنی نضیر حرکت کرد و غزوه اتفاق افتاد. بنی نضیر شکست خورده و تحت شرایط خاص که پیامبر خداوند ﷺ برای شان وضع نمود محل را ترک گفتند.

غزوه خندق

یهود بنی نضیر که از اثر سرکشی قرارداد، از مدینه اخراج و در خیبر مسکن گزیده بودند با مسلمانان کینه زیاد داشتند و از اینکه نمی توانستند با مسلمانان بجنگند رئیس خود حبیب بن اخطب را به مکه فرستادند تا کفار مکه و قبیله غطفان را بر ضد مسلمانان به جنگ تحریک نماید. آنها در کار خود موفق شدند در ماه ذوالقعدة سال پنجم هجری ده هزار تن به سر کرده گی ابوسفیان به سوی مدینه در حرکت شدند حضرت محمد ﷺ در مدینه به مشوره حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه برای حفر خندق به طول ۱۲ هزار «ذراع» دست به کار شدند خود حضرت رسول اکرم ﷺ شخصاً با کمال جدیت در حفر خندق سهم گرفت. هنگامیکه کفار قریش به مدینه رسیدند درین وقت کار حفر خندق به اتمام رسیده بود. برای مسلمانان از یک طرف خندق و از جانب دیگر باغهای خرما سنگرهای خوبی بود که مانع هجوم کفار می شد، اما

یهود بنی قریظه هم پیمانان مسلمانان بودند و نمی‌توانستند بر ضد مسلمانان عمل کنند ولی حبیب بن اخطب سر انجام به این موفق شد تا کعب بن اسد سرکرده بنی قریظه را وا دارد تا قرارداد خود را با مسلمانان بشکند. این کار اسباب پریشانی مسلمانان را فراهم نمود. در همین وقت حضرت نعیم بن مسعود رضی الله عنه بدین اسلام مشرف گردید؛ اما کفار از مسلمان شدن وی آگاهی نداشتند وی از پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله اجازه گرفت تا با استفاده از جنگ روانی کفار را از هم متفرق نماید. نامبرده نزد بنی قریظه رفته برای شان گفت: اگر قریش شکست بخورند به مکه می‌روند، اما شما کجا خواهید رفت؟ بعد به طور نصیحت برای شان گفت که چند تن از قریش را نزد خود گروگان بگیرید تا آن‌ها شما را تنها نگذارند، سپس نزد مشرکین مکه و بنی غطفان رفته برای شان گفت بنی قریظه از تعهدی که همراه شما نموده اند پشیمان شده همراه پیامبر صلی الله علیه و آله دیدار نموده و می‌خواهند چند تن شما را بگیرند و به او بپردازند خلاصه اینکه بنی قریظه به مناسبت روز شنبه جنگ نکرد و از قریش چند تن را طوری گروگان مطالبه نمودند تا به وفاداری آن‌ها مطمئن شوند. سخنان حضرت نعیم رضی الله عنه که در این مورد سخت کارگر افتاده بود با خواستن گروگان از طرف بنی قریظه بدگمانی قریش و غطفانیان اضافه تر شده و این عمل ایشان مشرکین مکه را نا امید و خسته ساخته بود که در همین هنگام

به امر خداوند جل جلاله طوفان شدید توأم با گرد و خاک، ریگ و سنگ ریزه‌ها به وزیدن آغاز نمود این طوفان چنان شدید بود که همه خیمه‌ها، دیگ‌ها و سایر اشیای کافران و مشرکین را چپه و سرنگون نمود. این حادثه کفار را سخت جبون و وارخطا کرد و سر انجام ابوسفیان حکم نمود لشکریان آنجا را ترک کرده و به مکه برگردند. و به این ترتیب فتح و کامیابی نصیب مسلمانان شد.



غزوه بنی قریظه

این غزوه بدنبال غزوه احزاب در سال پنجم هجری بوقوع پیوست، علتش این بود که بعد از آنکه پیامبر اکرم ﷺ غدر، خیانت و همبستگی یهود را با قریش و همپیمانانش مشاهده کرد، و در جنگ احزاب، این قبیله خیانت پیشه، پیمانش را با پیامبر اکرم ﷺ نقض نمود، چون این قبیله خیانت پیشه همراه با پیامبر ﷺ و مسلمانان در مدینه سکونت داشتند، بناءً شر بزرگی از آنها انتظار میرفت و هرگاه غزوه احزاب پایان نمی پذیرفت، خطر جدی مسلمانان را از جانب آنها تهدید میکرد. همان بود که پیامبر ﷺ خواست تا آن را تأدیب کرده، مدینه مقرر جهاد و دعوتش را از وجود آنها پاک سازد. تا شرایط بار دیگر طوری نیاید که آنها بالای مسلمانان حمله کنند.

حضرت رسول اکرم ﷺ مطابق حکم خداوندی با لشکر سه هزار نفری جانب بنی قریظه حرکت نمود و مدت بیست و پنج شبانه روز آنها را در محاصره گرفتند که سرانجام یهودیان تسلیم شدند و پیغمبر اکرم ﷺ سعد بن معاذ را در میان شان حکم قرار داد. حضرت سعد حکم خویش را در مورد بنی قریظه صادر نمود.

فرستاده خدا ﷺ فیصله سعد بن معاذ را تنفیذ فرموده و بر دسیسه ها و توطئه های یهودیان که هدف شان نابودی پیامبر ﷺ و دعوت اسلامی در مدینه و اطراف آن بود، خاتمه بخشید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ گروه اول راجع به غزوه بدر، گروه دوم در مورد غزوه احد و بنی نضیر و گروه سوم راجع به غزوه خندق و بنی قریظه معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- در غزوه بدر به چه تعداد کفار به قتل رسیدند؟
- ۲- علت غزوه احد را توضیح نمایید؟
- ۳- علت شکست کفار در غزوه خندق چه بود مختصراً توضیح نمایید؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان در مورد نتایج غزوات احزاب، بنی نضیر و بنی قریظه از بزرگان، امامان مساجد و منابع دست داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

صلح حدیبیه - بیعت الرضوان

در این درس راجع به صلح حدیبیه، مواد آن، و هم پیرامون غزوات خیبر و موته معلومات ارائه می گردد.

حضرت محمد ﷺ در سال ششم هجرت جهت زیارت بیت الله و ادای عمره با یک هزار و چهارصد نفر رهسپار مکه معظمه گردیدند. در نزدیکی مکه، قریش راه مسلمانان را گرفتند و نگذاشتند تا ادای عمره کنند. حضرت محمد ﷺ حضرت عثمان رضی الله عنه را که شخصی مورد احترام زیاد برای قبایل متنفذ مکه بود، بحیث نماینده نزد مردم مکه فرستاد تا به آن‌ها تفهیم نماید که مسلمانان به جنگ نه بلکه جهت ادای عمره آمده اند. قریش حضرت عثمان رضی الله عنه را از وقت معینه بیشتر با خود نگه داشتند بناءً چنان آوازه شایع شد که گویا حضرت عثمان رضی الله عنه را به شهادت رسانیده اند، این موضوع حضرت محمد ﷺ را وا داشت تا خویشان را به جنگ با قریش آماده نماید روی همین اصل آنحضرت در حالیکه در حدیبیه زیر یک درخت ایستاده بود در رابطه با جنگ از مسلمانان بیعت گرفت، این بیعت در تاریخ بنام بیعت الرضوان یاد می شود. هنگامیکه قریش از این تصمیم مسلمانان واقف شدند، مشرکین مکه سهیل بن عمرو را در رأس هیئتی نزد پیامبر ﷺ فرستادند مذاکرات آغاز و طرفین متعهد به قرار دادی شدند به شرح ذیل:

- ۱- هر دو جانب باید برای مدت ده سال با هم صلح نموده جنگ نه کنند.
- ۲- حضرت محمد ﷺ با اصحاب خویش امسال برگردند حج را ادا کرده نمی توانند و سال آینده بیایند آن هم در حالی که غیر شمشیر چیز دیگری نزد شان نباشد و آن هم در غلاف.
- ۳- هر قبیله عرب غیر از قریش در برقراری روابط با حضرت محمد ﷺ مختار است.
- ۴- اگر کسی از قریش به مسلمانان پناه ببرد مسلمانان ویرا باید مسترد نمایند اما اگر از

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (۱)

مسلمانان کسی به کفار مکه پناه برد محمد ﷺ حق ندارد ویرا مطالبه کند.

این صلح در مقام حدیبیه صورت گرفت که در قرآن کریم از این صلح بنام فتح مبین ذکر به عمل آمده است. و یکی از فوائد عمده این معاهده این بود که مسلمانان از طرف قریش در امن شدند و فرصت یافتند تا توجه خود را به سایر قبایل عرب متمرکز نمایند.

بعد از صلح حدیبیه حضرت پیامبر ﷺ با ارسال دعوت نامه‌ها ذریعه اصحاب کرام رضی الله عنهم به قیصر روم، شاه ایران، عزیز مصر مقوقس، نجاشی پادشاه حبشه، و به رؤسای یمامه و شام آغاز نمودند و آن‌ها را به شرف یابی به دین مبارک اسلام دعوت کردند. پادشاه حبشه، عمان و بحرین این دعوت را پذیرفتند، پادشاه ایران (خسرو پرویز) نامه را پاره کرد، بعضی دیگر ایشان سکوت اختیار کردند و اما حارث غسانی نه تنها دعوت را نه پذیرفت بلکه نماینده حضرت رسول اکرم ﷺ شجاع بن وهب را به شهادت رسانید که همین حرکت غیر انسانی حارث، سبب غزوه موتیه گردید.

غزوة خیبر

در ماه محرم سال ۷ هجری، بعد از آنکه خاطر حضرت پیامبر ﷺ از جانب کفار مکه



جمع گردید خواست تا به پیمان شکنان گوش مالی دهد، بنا بر آن، لشکری را آماده کرده شب هنگام خود را با لشکر به منطقه رجیع رسانیدند تا شب صبح می شد و یهودیان پی کارهای خویش می رفتند مسلمانان به خیبر رسیدند یهودیان که مسلمانانرا دیدند پا به فرار نهادند و به قلعه ها یشان پناه بردند، غطفانیان میخواستند به ایشان کمک نمایند، اما دیدند که دره رجیع در تصرف مسلمانان است و جهت رسیدن به خیبر کدام راه وجود

ندارد، از تصمیم خود منصرف شدند، سرانجام قلعه های خیبر در اثر جان فشانی ها و قهرمانی های مسلمانان از جمله علی بن ابی طالب رضی الله عنه فتح گردیده و یهودیان خیبر تسلیم شدند. در جریان بازگشت آن حضرت از غزوة خیبر دو تن از سران و قهرمانان قریش خالد بن ولید و عمرو بن عاص به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده اعلان اسلام نمودند.

غزوة موته

چون از یکطرف غسانی ها نماینده حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را به شهادت رسانیده بودند از جانب دیگر وقت آن رسیده بود تا ایشان دو باره بدین اسلام دعوت شوند بنا بر آن حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در سال ۸ هجری جهت سرکوبی آن ها لشکری سه هزار نفری را تحت قیادت حضرت زید بن حارثه رضی الله عنه فرستادند و برای ایشان فرمودند که اگر حضرت زید رضی الله عنه

شهید شد سپس حضرت جعفر علیه السلام قیادت لشکر را به عهده گیرد و اگر او هم شهید شد سپس حضرت عبدالله بن رواحه علیه السلام قیادت لشکر را عهده دار گردد. همینکه مسلمانان در سرزمین شام در قریه موته با لشکر مرکب از اعراب و رومیان مواجه شدند جنگ در گرفت، قوماندانان لشکر اسلام یکی پی دیگری به شهادت رسیدند با آخره سپاه اسلام سیف الله یعنی حضرت خالد بن ولید علیه السلام را به حیث قوماندان خویش تعیین نمودند وی لشکر پراکنده خویش را دوباره جمع و منظم نمود و بعد از آنکه جنگ سختی را به راه انداخت و بعد از دو روز جنگ به دامنه کوه پناه برد و دشمن هم از ادامه جنگ دست کشید. بالاخره لشکر اسلام به مدینه برگشت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ گروه اول در مورد صلح حدیبیه و گروه دوم راجع به غزوه خیبر معلومات خویش را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

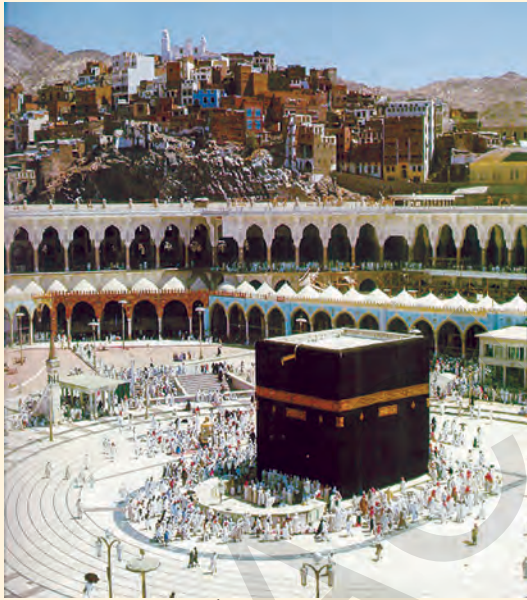
- ۱- بیعت الرضوان چیست معلومات دهید؟
- ۲- حضرت محمد صلی الله علیه و آله بعد از صلح حدیبیه کدام شاهان را به دین اسلام دعوت نمودند؟
- ۳- علت غزوه موته چیست بیان نمایید؟

فعالیت های خارج صنف

شاگردان راجع به فواید صلح حدیبیه معلومات جمع آوری نموده در صنف ارائه نمایند.

در این درس راجع به فتح مکه، چگونه گی به وقوع پیوستن غزوه حنین، حجه الوداع و رحلت حضرت محمد ﷺ معلومات ارائه می گردد.

مردم مکه پیمانی را که در سال ششم هجری با مسلمانان بسته بودند بر اساس آن می بایست با قبیله خزاعه که هم پیمان مسلمانان بودند جنگ نمی کردند، و مسلمانان هم باید به



مکه معظمه

مکیان و هم پیمانان آن ها ایجاد مزاحمت نمی نمودند؛ اما بنی بکر، هم پیمان قریش به همکاری قریش چند تن افراد بنی خزاعه را بر سر چشمه به قتل رسانیدند، بنابر همین ملحوظ بنی خزاعه از مسلمانان خواستار کمک و داد رسی شدند. همان بود که حضرت رسول اکرم ﷺ دانست که قریش پیمان صلح را شکسته لذا، لشکر ده هزار نفری را آماده و به جانب مکه در حرکت شدند. هنگامیکه مردم مکه از این رویداد اطلاع حاصل نمودند سخت وارخطا شده، ابوسفیان و سایر

بزرگان قریش به حضرت رسول کریم ﷺ تسلیم شدند و حضرت محمد ﷺ نیز به آن ها مهربانی نموده آن ها را تحت حمایت خویش قرار دادند. بر علاوه امتیازاتی را که اصلاً در فکر ابوسفیان هم نمی گشت به وی و سایرین عنایت فرمود؛ از جمله آنکه حضرت محمد ﷺ فرمودند: هر که به خانه کعبه یا خانه ابوسفیان پناه ببرد و یا در خانه های خویش باقیمانده در را عقب خود ببندد در امان است، طی این رویداد کدام جنگ مهمی بوقوع نه پیوست. پیغمبر ﷺ بعد از ورود به مکه پیرامون خانه کعبه را طواف نموده و سه صد و شصت و یک بار طواف را نابد کرد، سپس داخل خانه کعبه گردیده، در آن دو رکعت نماز اداء نمود. بعد

از ادای نماز به دروازه کعبه ایستاده شده و قریش منتظر بودند که پیغمبر چه میکند؟ در جمله حرفهایی که فرستاده خدا ﷺ گفتند یکی این بود که: ای قریش، شما چه گمان دارید که من در برابر شما چه خواهم کرد؟ قریش گفتند:

تنها خیر و خوبی، تو برادر مهربان و برادر زاده مهربان هستی. رسول الله ﷺ، گفت: امروز من برای شما آنچه را میگویم که برادرم یوسف علیهما السلام، قبلاً به برادرانش گفته بود: امروز سرزنتی به شما نیست بروید همه تان آزاد هستید. بعد از این اعلان برای مردم مکه چنان خورسندی دست داد که تازه از مادران خود تولد شده باشند. سپس مردم پیرامون صفا گرد آمدند تا با پیغمبر ﷺ بیعت کنند. رسول الله ﷺ بالای کوه صفا نشست و بیعت آنها را مبنی بر سمع و طاعت فرامین خداوند جلّ و علا قبول فرمود.

غزوة حنین

بعد از فتح مکه، حضرت پیامبر ﷺ جهت تنظیم و ترتیب یک سلسله امور مربوط به مسلمانان مدت ۱۵ روز در مکه باقی ماند در همین وقت احوال رسید که قبیله هوازن به سرکردگی مالک بن عوف با کمک قبیله ثقیف آماده جنگ اند؛ اموال، زنان و فرزندان



خود را نیز به میدان جنگ آورده اند تا موجودیت آنها انگیزه جنگ را در وجود شان تقویت کند و شکست را نپذیرند. حضرت پیامبر ﷺ با ۱۲ هزار تن از اصحاب که ۲ هزار تن آن جدیداً به دین مبین اسلام مشرف شده بودند جهت سرکوبی آنها عازم آن دیار شدند. هنگامیکه این لشکر به تنگی حنین رسید،

دشمن در کمین نشسته بود، جنگاوران هوازن به ناگهانی بر مسلمانان هجوم آوردند. از اثر این حمله غیر پیش بینی شده مسلمانان با یک نوع شکست روبه رو شدند، حضرت محمد ﷺ

که در عقب سپاه تشریف داشتند به حضرت عباس علیه السلام فرمود تا با صدای رسایش مسلمانان را به جهاد دعوت نماید از اثر شنیدن این صدا مسلمانان دوباره با هم جمع شدند و بر کفار هجوم بردند که از اثر آن دشمن راه فرار را گم کردند. زنان، مال و اولاد خود را در جای خود گذاشتند و خود پا به فرار نهادند. مالک سر کرده هوازن به طایف گریخت. طایف نیز از سوی مسلمانان محاصره شد و بعد از مدتی پیامبر صلی الله علیه و آله از ادامه محاصره دست برداشته به مکه باز گشت. بعد از اندکی مردم هوازن خود از مخالفت دست برداشته به پیامبر صلی الله علیه و آله تسلیم شدند و اسلام خود را اعلان نمودند. پیامبر هم تمام غنایمی را که در جنگ حنین از آن‌ها گرفته بود به ایشان باز گردانید.

غزوة تبوک

در سال نهم هجری به پیامبر اسلام اطلاع رسید که امپراتوری روم سپاه چند صد هزار نفری را جهت نابودی دولت نو بنیاد اسلام آماده جنگ ساخته است لذا در ماه رجب سال نهم هجری یک لشکر ۳۰ هزار نفری مسلمانان تحت قیادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رهسپار تبوک گردید، هنگامیکه این لشکر به تبوک رسید رومی‌ها هراسیدند و جرئت مقابله را در وجود خویشان ندیده و هر سو پراکنده شدند. لشکر اسلام در تبوک مدت ۲۰ روز اقامت نمود و چون دشمن حاضر به جنگ نشد لشکر اسلام دو باره به مدینه پیروزمندانه برگشت- رفت، آمد و اقامت در تبوک مدت ۵ روز را در بر گرفت.

حجة الوداع

بعد از نماز ظهر دو شنبه ۲۵ ذوالقعدة الحرام سال دهم هجری بود که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله - جهت ادای مراسم حج با بیشتر از یکصد هزار تن اصحاب کرام راه مکه مکرمه را در پیش گرفتند. شب اول این سفر پر میمنت را در ذوالحلیفه گذراندند. در روز احرام بستند و بعد از هشت شبانه روز سفر به مکه مکرمه رسیدند. طواف خانه خداوند جلت عظمت و سعی صفا و مروه را به پایان رسانیدند و در بلندی مکه در نزدیکی حجون اقامت گزیدند و در روز هشتم ذالحجه رخت سفر بسوی منا بستند. شبی در آن جا ماندند و روز نهم ذوالحجه بعد از

طلوع آفتاب، رهسپار عرفات گردیدند. در آنجا حضرت رسول الله ﷺ چنان بیانیۀ پر محتوا، همه جانبه و ارزشمندی را ایراد فرمودند که مؤرخین، آنرا به مثابۀ معقولترین قانون اساسی اسلامی و جهانی تلقی نموده اند. بعضی از نقاط مهم این بیانیۀ قرار ذیل می باشد:

۱- ای مردم، حرف شنوی کنید و از آن اطاعت نمایید! شاید من قادر نشوم سال آینده معیت شما را داشته باشم.

- ۲- خوردن مال و ریختن خون یک دیگر تان بر شما حرام می باشد.
- ۳- تمام امور مربوط به زمان جاهلیت ممنوع است.
- ۴- در مورد زنان از خدا ﷻ بترسید زنانرا بر شما و شما را بر زنان حقوقی هست.
- ۵- من برای شما آنچه را که گذاشته ام اگر بر آن چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد و آن عبارت از کتاب الله و سنت من است.
- ۶- تنها و تنها خدای یگانه را پرستید، نمازهای پنجگانه را بر پا دارید، روزه بگیرید و زکات مالهای خویشرا به خوشی خاطر پردازید، حج بیت الله را ادا و از اولوالامر اطاعت نموده به جنت خداوند ﷻ داخل شوید.
- ۷- در مورد من از شما پرسیده خواهد شد پس شما را اندر باب من جواب چه خواهد بود؟ اصحاب گفتند ما شهادت میدهیم که شما برای ما احکام ذات کبریایی را رسانیدید. و خیر ما را خواستید آنرا جستجو نمودید و حق را ادا کردید.
- سپس فرمود:

«ای خدای پاک من، شما شاهد باشید»

در روز دهم در منا، طی خطبۀ دیگری فرمود:

«آیا من احکام خدای تبارک و تعالی را به شما رسانیدم؟»

اصحاب گفتند: بلی، حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود: «ای خدای بزرگ، شما شاهد باشید»

و سپس افزود مردمان حاضر این سخنانرا به مردم غایب برسانند.

بعد از گذشتادن ایام تشریق بتاريخ ۱۳ ذوالحجه از منا به بیت الله شریف تشریف فرما گردیدند و بعد از طواف و وداع راه مدینه را در پیش گرفتند.

رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم



مسجد نبوی

حضرت نبی کریم ﷺ در بازگشت از حجه الوداع به مدینه منوره مدتی بعد دچار مریضی و سر دردی شدید گردیدند.

همینکه اندکی صحت یاب شدند در حالیکه سر مبارک شانرا به پارچه تکه بسته بودند به مسجد تشریف آوردند، بعد از آنکه در حق شهدای احد دعای خیر و مغفرت کردند سفارش فرمودند تا انصار مورد احترام قرار گیرند واز نیکی‌های شان یاد نمودند سپس

فرمود: خدای عزوجل از بندگان خویش یک بنده را مخیر نمود که از دنیا و آخرت یکی آنرا انتخاب نماید، او آخرت را انتخاب کرد. با شنیدن این سخن حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه گریست. و گفت: پدر و مادر خود را قربان تو میکنم و مردم بحالت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تعجب کردند که او چرا گریه میکند و چنین سخن می گوید ولی بعد از رحلت حضرت نبی کریم ﷺ دقت فهم حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای مردم ثابت شد که مفهوم سخن پیامبر ﷺ را به سرعت درک کرده بود! حضرت نبی کریم ﷺ فرمود: «ای ابوبکر، آرام باش» حضرت رسول اکرم ﷺ به سخنان خویش ادامه داده فرمودند: «به غیر از دروازه ابوبکر تمام دروازه هائیکه به سوی مسجد باز بود بسته شوند و اضافه نمودند من نمیدانم که در رابطه با صحبت و رفاقت نسبت به ابوبکر کسی دیگری حق بیشتر بر من داشته باشد و اگر می توانستم از بین بندگان خداوند جل جلاله کسی را بحیث خلیل انتخاب نمایم یقیناً آن شخص ابوبکر می بود. ولی باز هم بین مادوستی و برادری بر قرار است تا وقتی که ما همه در برابر خداوند بزرگ جل جلاله پیش کرده می شویم، هم چنان فرمودند: لعنت خداوند جل جلاله بر یهود و نصارا باشد که قبور پیامبران شانرا مسجد و عبادتخانه قرار داده اند. از قبر من و ثن (بت) نسازید. در همین ضمن فرمودند:

«اگر کسی را لت و کوب نموده یا به کسی نا سزا گفته باشم انتقام خود را بگیرد و یا اگر از کسی قرضدار باشم و حق بر من داشته باشد آنرا مطالبه نموده می تواند.» از جمله اصحاب یکی گفت من بر شما سه درهم قرض دارم. حضرت رسول اکرم ﷺ به حضرت فضل بن عباس رضی الله عنه امر فرمود تا مبلغ متذکره را به وی بپردازد.

چهار روز قبل از رحلت در حالیکه مریضی شان شدید گردیده بود در مسجد به حاضرین فرمودند: در یک زمان مناسب یهود، نصارا، و مشرکین از جزیره العرب بیرون کرده شوند. حضرت مبارک ﷺ الی شام روز پنجشنبه به امامت مسلمین پرداختند ولی به نماز خفتن نتوانستند به مسجد تشریف بیاورند، به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه امر فرمودند تا امامت کنند. بعد از همین خفتن تا رحلت آن حضرت ﷺ - حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه ۱۷ نماز را امامت نمود. حضرت محمد ﷺ قبل از رحلت غلامان خود را آزاد فرموده مبلغ هفت دیناری که در خانه داشتند آنرا صدقه نموده و سلاح جنگی خود را به مسلمانان بخشیدند. حضرت رسول ﷺ هنگام چاشت روز دو شنبه دوازدهم ربیع الاول سال یازدهم هجری به عمر ۶۳ سالگی از این جهان فانی وداع نمودند و به رحمت حق پیوستند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ گروه اول در مورد فتح مکه، گروه دوم در مورد غزوة حنین و گروه سوم در مورد حجه الوداع معلومات خویش را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- مکه در کدام سال فتح شد و علت آن چه بود؟
- ۲- غزوة حنین چه گونه به وقوع پیوست معلومات دهید؟
- ۳- حضرت محمد ﷺ در کدام سال، ماه و روز رحلت نمود معلومات دهید؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان در مورد شخصیت حضرت محمد ﷺ معلومات جمع آوری نموده در صنف ارائه نمایند.

خلفای راشدین

ابوبکر صدیق رضی الله عنه

در این درس در مورد نسب، چگونه گی به خلافت رسیدن و وقایع مهم دوره خلافت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه معلومات ارائه می گردد.

اسم حضرت ابوبکر صدیق، عبدالله و اسم پدرش ابوقحافه و اسم مادرش ام الخير سلما بنت صخر بود و به لقب های صدیق و عتیق از جانب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ملقب گردیده اند. دو سال و چند ماه بعد از عام الفیل در شهر مکه دیده به جهان گشود نسب او در جد ششم با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکجا می شود. پیشه اش تجارت بود. هنگامیکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله به پیامبری مبعوث گردید ابوبکر صدیق رضی الله عنه از مردان اولین شخصی بود که به دین مبین اسلام مشرف گردید. وی در راه اعتلای اسلام و جهاد فی سبیل الله تمام دارایی خود را نثار نمود. در حین گرفتن آماده گی های حربی برای غزوة تبوک در حالیکه تمام اموال خانه خود را به مسجد نبوی صلی الله علیه و آله آورده هر آنچه از ملک و مال داشت همه اش را فدای اسلام نمود. بعد از رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله انصار در سقیفه بنی ساعده جمع شده و می خواستند حضرت سعد بن عبادہ رضی الله عنه را به خلافت برگزینند، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه با شنیدن این خبر به طرف سقیفه روان شدند. در راه حضرت ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه نیز با ایشان همراه شد و چون به سقیفه رسیدند حضرت ابوبکر رضی الله عنه با ایراد بیانیه انصار را به این متقاعد ساخت تا از داعیه خلافت دست بردار شوند. حضرت عمر رضی الله عنه به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بحیث خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود بعد از وی سایرین همه به حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه بیعت نمودند. به این ترتیب مسئله خلافت بوجه نیکویی حل و فصل گردید. فردای آنروز حضرت ابوبکر

صدیق رضی الله عنه در مسجد نبوی طی یک بیانیه مختصر ولی پر محتوا خط مشی خود را به مسلمانان ابلاغ فرمودند: «ای مردم، من بر شما خلیفه شدم در حالی که از شما بهتر نیستم. اگر کارهای خوب انجام میدادم مرا کمک و یاری کنید و اگر کار بد می کردم مرا منع کنید. قوی شما نزد من ضعیف و ضعیف تان نزد من قوی است تا حق او را از قوی بگیرم و برایش بسپارم، قومی که جهاد نکند الله تعالی آن قوم را ذلیل می سازد و در قومی که بد کاری رواج پیدا کرد آن قوم به بلاها دچار می گردند.»

با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله یک تعداد افراد بد بخت چون مسیلمه کذاب، طلحه الاسدی و غیره دعوای نبوت کردند و هم بعض مردم از دادن زکات به بیت المال ابا ورزیدند. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه لشکر اسلام را توظیف نمود تا کار مسیلمه کذاب و طلحه الاسدی که دعوای پیغمبری میکردند و آنانیکه از دادن زکات به بیت المال اسلامی ابا ورزیده بودند و یاهم مرتد شده بودند را یک طرفه نماید. این جنگ ها بیشتر از یکسال دوام کرد تا سرانجام مسیلمه کذاب و سایر مرتدین به جزای اعمال خود رسیدند. مرتدین کشته شدند و ابا ورزیده گان از دادن زکات به راه آمدند و دادن زکات را قبول کردند.

حضرت ابو بکر رضی الله عنه، جهت اشاعه دین مبین اسلام لشکری را به سر کردگی حضرت اسامه بن زید رضی الله عنه به شام فرستاد وی نیز موفق از وظیفه برگشت. طی این جنگ ها به تعداد زیادی از قاریان و حافظان قرآن کریم به شهادت رسیدند. همان بود که به پیشنهاد حضرت عمر رضی الله عنه حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه امر نمود تا قرآن کریم را که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت متفرق نوشته شده و توسط صحابه در سینه ها محفوظ بود در یک مصحف جمع آوری نمایند. بعد از آنکه وضع داخل کشور اصلاح شد حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه را در

رأس یک لشکر چهار هزار نفری به عراق فرستاد وی طی یک سال و دوماه اهالی منطقه رود فرات را به اسلام مشرف نمود در حالیکه مسلمانان مصروف فتوحات بودند رومیان از فرصت استفاده نموده لشکر ۲۴۰ هزار نفری را جمع آوری نمودند تا با مسلمانان بجنگند. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای دفع ایشان حضرت عمرو بن عاص را به فلسطین، حضرت ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه را به حمص، حضرت یزید ابن ابی سفیان رضی الله عنه را به دمشق و حضرت شرحبیل بن حسنہ رضی الله عنه را به سوی اردن فرستاد، و به حضرت سیف الله خالد بن ولید رضی الله عنه حکم نمود که عراق را به مثنی بن حارث بگذارد و خود به شام برود. درین وقت تعداد عساکر حضرت خالد رضی الله عنه به سی و شش هزار تن می رسید. در جنگی که طی سال ۱۳ هجری در کنار دریای یرموک بوقوع پیوست دشمن با شکست تاریخی رو برو شده و یکصد و سی هزار تن آن ها به قتل رسید در حالی که از طرف مسلمانان فقط سه هزار تن به شهادت رسیده بودند، و هر قل هر اکیوس مایوس از شام پا به فرار نهاد. در این جنگ قوماندان اعلای تمام قوت های عسکری مسلمانان، حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه بود وی لشکر خود را به ۳۸ قسمت تقسیم نمود و همزمان از سه طرف بالای دشمن حمله ور گردید این عملیه و تاکتیک عجیب دشمن را چنان مبهوت و حیرت زده نمود که تمام طرح های خود شان را از یاد بردند و جز دادن تلفات دیگر هیچ کاری از ایشان ساخته نبود. یکی از کارهای عمده دیگری که در زمان خلافت حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه رخ داد آن بود که به مشوره حضرت عمر فاروق رضی الله عنه عده ای از متخصصین را به سر کردگی زید بن ثابت مکلف به جمع آوری قرآن کریم نمود و این کار سبب شد که مسلمانان در مورد قرآن متحد بمانند.

خلیفه اول، در مدت دو سال و سه ماه خلافت شان چنان کاروایی‌ها و خدمات قابل قدر و فراموش ناشدنی به اسلام و مسلمانان انجام دادند که در تاریخ اسلام و جهان نظیری ندارد و تاریخ اسلام به آن می‌بالد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان بدو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به کارهای مهم دوره خلافت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و گروه دوم راجع به اولین خطبه حضرت ابوبکر رضی الله عنه معلومات خویش را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه چه گونه به خلافت رسید؟
- ۲- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه چند سال خلافت نمود؟
- ۳- از کارکردهای مهم حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه نام ببرید؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان راجع به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه با استفاده از دانش علمای دینی و افراد دانا در قریه و محلات جمع آوری نموده و به دیگر اعضای صنف آن را شرح دهند

حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه)

در این درس راجع به نسب، شخصیت حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه)، فتوحات و دست آوردهای دوره خلافت ایشان معلومات حاصل می‌نمایید.

اسم اصلی خلیفه دوم اسلام، عمر بن خطاب ملقب به فاروق است که در ۱۳ عام الفیل در یک خانواده محترم قریش پا به عرصه وجود گذاشت. سلسله نسبش در جد نهم به حضرت رسول اکرم ﷺ میرسد. در سال ششم بعثت به دین مبین اسلام مشرف گردید. حینیکه اسلام آورد مسلمان شدن خود را آشکار اعلان نمود و هم در وقت هجرت آشکارا اعلان کرد که به هجرت می‌رود و فرمودند هر که با او کدام حسابی داشته باشد و یا می‌خواهد که پسرش یتیم و خانمش بی شوهر گردد به عقب من بیاید. حضرت عمر رضی الله عنه همراه رسول اکرم ﷺ در تمام غزوات اشتراک نموده و در از بین بردن مرتدین با حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از هیچ نوع همکاری دریغ نورزید. خلیفه اول در تمام کارها از وی مشوره می‌گرفت. حینیکه خلیفه اول مریض شد بعد از مشوره با اصحاب حضرت عمر رضی الله عنه را به حیث جانشین خویش تعیین نمود. که از طرف انصار و مهاجرین تایید گردید. حضرت عثمان رضی الله عنه در موردش گفت: حضرت عمر رضی الله عنه سخت گیر است اما در بین ما نسبت به او سزاوارتر به خلافت کسی دیگری هم موجود نیست.

فتوحات: دوره خلافت خلیفه دوم مسلمانان یک دوره بسیار روشن و پر فتوحات بوده از نگاه عدل، انصاف و نظم در تاریخ اسلام کاملاً بی نظیر است فتوحاتی که در دوره ده ساله امارت امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق رضی الله عنه صورت گرفته با تمام فتوحاتی که در دوره‌های امویان و عباسیان صورت گرفت برابر است. فتوحات دوره خلافت حضرت عمر رضی الله عنه در شرق تا ترکستان و خراسان، در غرب تا لیبیا، در جنوب تا سودان و در شمال الی آخرین سرحدات شام و بحیره سیاه میرسید. حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در نتیجه جنگ‌های نه‌اوند و قادسیه امپراتوری فارس را درهم کوبید و فارس (ایران) را بدین اسلام مشرف گردانید. در جنگ قادسیه تعداد غازیان مسلمان سی هزار تن و قوماندانان شان حضرت سعد بن وقاص رضی الله عنه بود، در حالیکه تعداد سپاه فارس به ۱۵۰۰۰۰ هزار تن می‌رسید. این جنگ در سال ۱۴ هجری واقع شد، قوماندان سپاه فارسی‌ها رستم نام داشت.

وی حین گریز و فرار خود را در آب انداخت ولی به اثر ضرب شمشیر هلال بن علقمه کشته شد. در زمان خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه شهرهای کوفه، بصره جدیداً آباد و رونق خوبی به آن‌ها داده شد، پل‌ها اعمار، کانال‌ها و انهار حفر گردید. قشله‌های منظم عسکری ایجاد شد، نظام بیت المال منظم و امارت اسلامی برای هر ولایت والی تعیین و مقرر نمود، نظام اداری نیز منظم شده تشکیلات اداری، نظامی، دفاتر مالی و غیره تأسیس گردید قضات تعیین شدند نظام خراج آغاز به فعالیت نمود از پیر مردان، زنان و اطفال خراج گرفته نمی‌شد. تاریخ هجرت به مشوره صحابه کرام در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه تصویب و منحیث مبدا تاریخ مسلمانان قرار گرفت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه بعد از ده سال و پنج ماه خلافت به تاریخ ۲۷ ذوالحجه سال ۲۳ هـ توسط ابولولو به شهادت رسید. دوره خلافت وی از نگاه فتوحات، نظم، عدل، انصاف، مساوات، رفاه عامه و تأمین سهولت‌های زنده گی یکی از درخشان ترین مراحل تاریخ اسلام است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند؛ گروه اول در مورد نقش دولت حضرت عمر رضی الله عنه در پخش و نشر اسلام و گروه دوم در مورد عدل حضرت عمر رضی الله عنه با هم گفتگو و مباحثه نمایند.

سؤالات



- ۱- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه چه وقت به دین مبین اسلام مشرف شدند؟
- ۲- حضر عمر رضی الله عنه چگونه به خلافت رسید؟
- ۳- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه چه وقت و به دست کی به شهادت رسید؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان با استفاده از منابع دست داشته و به کمک علمای دین راجع به زنده گی حضرت عمر فاروق رضی الله عنه و عدالت شان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

در این درس در مورد نسب و شخصیت حضرت عثمان (رضی الله عنه)، چگونه گی رسیدن او به خلافت، فتوحات، و پیشرفت های زمان خلافت وی معلومات حاصل می نمایید.

نام ایشان عثمان بن عفان و لقبش ذوالنورین بود، از حیث نسب در جد پنجم به حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) میرسید. پنج سال بعد از سال فیل در مکه در یک فامیل صاحب عزت چشم به جهان گشود. از آوان جوانی به تجارت مشغول بود. به دعوت حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) به دین اسلام مشرف گردید. حضرت عثمان (رضی الله عنه) شخص نرم خو، حلیم و پرهیزگار بود، در راه انتشار دین مبین اسلام قسمت اعظم سرمایه شخصی خود را صدقه نمود، بجز از غزوه بدر در همه غزوات پیامبر بزرگ اسلام را همراهی نموده است. کاتب وحی بود و هنگامیکه حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) توسط ابولولو زخمی شد و قبل از اینکه روح از بدن شان جدا گردد جهت انتخاب خلیفه، هفت تن از کبار صحابه هر یک حضرت عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبیدالله زبیر بن عوام، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) را تعیین نمودند و اضافه کرد که عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) حق رای دارد اما حق انتخاب شدن را ندارد. بعد از سه روز بحث و مباحثه سر انجام با اکثریت آراء حضرت عثمان (رضی الله عنه) بحیث خلیفه مسلمین انتخاب گردید و همه به او بیعت کردند.

فتوحات دوره حضرت عثمان (رضی الله عنه) دو بخش عمده را احتوا می نماید، یکی اینکه مردم آن مناطقی را که بعد از شهادت حضرت عمر (رضی الله عنه) بغاوت کردند مانند ری، همدان، اسکندریه و آذربایجان، دوباره تحت اثر حکومت اسلامی در آورده شدند، دوم مناطق قبرس و ترکیه در هنگامیکه حضرت معاویه (رضی الله عنه) والی شام بود زیر اثر حکومت اسلامی آورده شد. همین گونه در افریقا نیز یک تعداد مناطق به تصرف مسلمانان در آمد. حضرت عثمان (رضی الله عنه) حین خلافت شان قوه بحری را ایجاد و قرآن کریم را که جمع

آوری آن در زمان خلافت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) صورت گرفته بود بصورت مصاحف،
تحریر و به مناطق مفتوحه فرستادند.

حضرت عثمان (رضی الله عنه) بعد از دوازده سال خلافت، در سال ۳۶ هجری توسط شورشیان
حینیکه به تلاوت قرآن کریم مشغول بودند به شهادت رسانیده شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دودسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به زنده گی حضرت عثمان (رضی الله عنه)
روشنی انداخته و دسته دومی در باره فتوحات دوره خلافت آنحضرت معلومات حاصل و
در صنف پیشکش نمایند.

سؤالات



- ۱- حضرت عثمان (رضی الله عنه) چگونه به خلافت برگزیده شد؟
- ۲- کدام مناطق در زمان خلافت حضرت عثمان (رضی الله عنه) فتح شد؟
- ۳- حضرت عثمان (رضی الله عنه) چه وقت و چگونه به شهادت رسید؟ معلومات دهید.

فعالیت های خارج صنف



شاگردان راجع به زنده گی حضرت عثمان (رضی الله عنه) با استفاده از معلومات علما و دانشمندان
و منابع دست داشته خویش معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

در این درس راجع به نسب، چگونگی شخصیت و وقایع مهم دوره خلافت حضرت علی (کرم الله وجهه) معلومات حاصل می‌نمایید.

حضرت علی (علیه السلام) بن ابوطالب، پسر کا کا و داماد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌باشد. لقب مبارک وی اسدالله و حیدر بوده و به کنیت ابوالحسن و ابو تراب نیز معروف بود. ایشان ۲۱ سال قبل از هجرت در مکه زاده شد، ده ساله بود که بدین اسلام مشرف گردید. وی در راه اسلام از هیچ گونه ایثار و فداکاری دریغ نورزید. در شب هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در بسترشان خوابید تا آن عده کفاریکه خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را محاصره کرده بودند اغفال شوند و مطمئن گردند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) جایی نرفته و در بستر خود خواب است. حضرت علی کرم الله وجهه باب علم و دانش بوده. و در عقد مواخات شخص حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به وی دست برادری داد. بعد از شهادت حضرت عثمان (رضی الله عنه) در روز دوم، مردم در مدینه منوره به او بیعت نموده ویرا به حیث امیرالمؤمنین انتخاب کردند. در دوره خلافت وی حضرت معاویه (رضی الله عنه) و هم نظرانش اصرار داشتند تا قصاص قاتلین حضرت عثمان (رضی الله عنه) دفعاً گرفته شود و اما حضرت علی (رضی الله عنه) استدلال می‌کرد که تا آرام شدن وضع داخلی حکومت، اندکی انتظار می‌باید کشید. سرانجام در نزدیکی بصره طرفداران حضرت علی (رضی الله عنه) و طرفداران قصاص حضرت عثمان (رضی الله عنه) آماده جنگ شدند قبل از وقوع جنگ به میانجی گری حضرت قعقاع (رضی الله عنه) نزدیک بود که بین طرفین صلح برقرار گردد اما به اثر تحریک عبدالله بن سبا یهودی منافق، جنگ در شب آغاز شد حضرت طلحه و زبیر (رضی الله عنه) دوتن از اصحاب عشره مبشره به شمول تعداد زیادی از اصحاب شهید شدند و جنگ به نفع حضرت علی (رضی الله عنه) پایان یافت حضرت ام المؤمنین عایشه (رضی الله عنها) که بالای شتر سوار بود دستگیر شده و با برادرش با احترام زیاد به امر حضرت علی (رضی الله عنه) به مدینه منوره فرستاده شدند.

جنگ صفین

این جنگ بین حضرت علی (رضی الله عنه) و حضرت معاویه (رضی الله عنه) در سال ۳۷ هجری در مقام صفین واقع گردید. حضرت علی (کرم الله وجهه) بعد از پنج سال خلافت در

سال ۴۰ هجری روز ۱۹ رمضان مبارک توسط عبدالرحمن ابن ملجم یکتن از پیروان تفکر خوارج، در حالی که جهت ادای نماز فجر به سوی مسجد روان بود مجروح گردید که سر انجام از اثر همین جراحات دو روز بعد به تاریخ ۲۱ رمضان مبارک به درجهٔ عالی شهادت نایل گردید. وی امور خلافت را با کمال عدالت، انصاف، شفقت و مهربانی بر رعایا به پیش می‌برد. پس از شهادت حضرت علی (علیه‌السلام) مسلمانان پسر ارشدش حضرت حسن (علیه‌السلام) را به خلافت برگزیدند، ایشان بعد از بحث و تحقیق به این نتیجه رسید که باید بخاطر حفظ جان و مال و وحدت مسلمانان از دشمنی و رقابت با معاویه بن ابوسفیان دست برداشته از داعیهٔ خلافت بگذرد. این امر سبب گردید که با حضرت معاویه رابطه برقرار نموده از خلافت به نفع او درگذشت و باهم اتفاق نمودند که بایستی معاویه بعد از خود امور خلافت را به خود مسلمانان واگذارد تا آزادانه خلیفهٔ خویش را برگزینند و به همین شکل توافق صورت پذیرفت بدین ترتیب خلافت به دودمان اموی انتقال نمود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان بدو دسته تقسیم شوند. دسته اول راجع به چگونه گی به خلافت رسیدن حضرت علی کرم الله وجهه و دسته دوم در مورد حوادث دوره خلافت موصوف معلومات حاصل و با دیگر همصنفان خویش شریک سازند.

سوالات



- ۱- راجع به نسب حضرت علی کرم الله وجهه چه میدانید؟ بنویسید.
- ۲- جنگ صفین میان کی ها واقع شد؟
- ۳- حضرت علی کرم الله وجهه در کدام سال و از طرف کی به شهادت رسید؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان راجع به احوال زنده گی حضرت علی کرم الله وجهه با طرح سوالات در رابطه به همه جوانب زنده گی آنحضرت (علیه‌السلام)، از علما و امامان مساجد و منابع دست داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

نگاه مختصری به دوره درخشان خلفای راشدین (رضی الله تعالی عنهم)

در این درس در مورد چگونگی سیاست خلفای راشدین (رضی الله عنهم)، دست آوردها و سایر حوادث و تحولات معلومات ارائه می گردد.

دوره خلفای راشدین (رضی الله عنهم) که از رحلت پیامبر بزرگ اسلام در سال ۱۱ هجری آغاز و با شهادت امیرالمومنین حضرت علی کرم الله وجهه در سال ۴۰ هجرت به پایان می رسد که نمایانگر شهکاری های تاریخی و مایه افتخار عالم اسلام می باشد.

طی این مدت زمان، خلفای اسلام می کوشیدند تا به اندازه ذره از احکام، اوامر و نواهی قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) عدول ننمایند. و با تمام قوت بر آن احکام و اوامر استوار و عامل باشند. آن ها مانند رسول کریم (صلی الله علیه و آله) با مردم رفتار نیک نموده و به هدایات و رهنمایی ایشان می پرداختند. عدل، انصاف، مساوات، برابری و برادری را تبلیغ، ترویج، تحکیم و تعمیل می نمودند.

خلفای راشدین کسانی بودند که خود را در برابر خداوند (جل جلاله) و مردم مسئول و جوابده می شمردند و هر لحظه هم به حساب دهی حاضر بودند و جز از خداوند (جل جلاله) از هیچ کس دیگر ترس نداشتند.

آنها از قهر و غضب خداوند (جل جلاله) و ضایع نمودن حقوق مردم سخت در هراس بودند از سؤال و جواب روز جزا غافل نبودند. شوکت و دبدبه را نمی پسندیدند. هر کس می توانست هر وقت و در هر جا با ایشان ملاقات کند دارالخلافت شان مساجد، فرش شان بورها و قصر شان همین مساجد متبرک بود. به شکم سیر غذا نمی خوردند در خانه و محل کار خود نگهبان نداشتند. آن ها در راه خداوند (جل جلاله) لحظه از جهاد قولی و فعلی باز ننشستند. در وحدت و اتحاد مردم سعی بلیغ میکردند ایشان که از جانب بزرگان صحابه و اهل حل و عقد انتخاب شده بودند امور مردم را به صاحبان استعداد و اهل تقوی یعنی کار را به اهلش می سپردند و از آن مراقبت جدی میکردند. در دوره خلفای راشدین نظام های عسکری، قضایی، مالیاتی، پستی، محاسبه، تعلیمی و تربیتی و هم دیوان خراج بطور عام بوجود آورده شدند.

فتوحات در دوره خلفای راشدین و بسته به عوامل ذیل بود:

- ۱- در همه امور ترس از خدا (جل جلاله) و رضای او تعالی نزدشان مطرح بود.
- ۲- عزت و فلاح را در پایداری به اسلام می دیدند.
- ۳- اتحاد، پاک نفسی، ایمانداري و خدمت صادقانه در جهاد عامل موفقیت ایشان

شمرده می‌شد.

۴- مسلمانان به این عقیده می‌جنگیدند که اگر با کفار در جنگ کشته شوند شهید و اگر زنده ماندند غازی می‌شوند.

۵- مسلمانان با مردم کشورهای مفتوحه صمیمانه و برادرانه برخورد می‌نمودند.

۶- این عقیده‌شان بود که اجل تغییر نمی‌کند؛ لذا با خاطر جمعی می‌جنگیدند.

۷- تکیه و توکل بر خداوند (جَلَّالَهٗ) نیز یکی از عوامل دیگر فتوحات بود.

۸- حفظ اسرار و مشوره را ارج می‌گذاشتند.

۹- به نظم و قومانده واحد و اطاعت از اولوالامر کردن می‌نهادند.

۱۰- شکیبا و صابر بودند.

۱۱- در برابر گرسنه‌گی، تشنه‌گی، و هر گونه مشکلات استقامت کرده می‌رمزیدند.

چنین صفات و قاطعیت خلفای راشدین باعث شد که دین مبین اسلام تا دور ترین نقاط جهان انتشار نموده و تعداد زیادی از ساکنان جهان به آن مشرف شوند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان بدو دسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به احوال شخصی خلفای راشدین (رضی الله تعالی عنهم) و دسته دوم راجع به عملکردهای دوره خلافت آنها تبصره نمایند.

سؤالات



۱- خلفای راشدین در زنده‌گی رسمی و شخصی شان از چه نوع خط مشی پیروی میکردند؟

۲- راجع به عوامل فتوحات اسلامی در دوره خلفای راشدین معلومات خویش را بنگارید؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان راجع به همه جریانات زنده‌گی خلفای راشدین (جَلَّالَهٗ) با کمک علمای محل و منابع دست داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

در این درس راجع به حضرت معاویه (رضی الله عنه)، خلفای مشهور اموی، فتوحات اموی‌ها و حماسه عاشورا معلومات ارائه می‌گردد.

مؤسس این خاندان حضرت معاویه (رضی الله عنه) می‌باشد، از این خانواده ۱۴ تن حکومت نموده اند که نخستین آن حضرت معاویه (رضی الله عنه) و آخرین آن مروان می‌باشد، در این دوره دامنه فتوحات اسلامی در غرب تا هسپانیه و فرانسه و در شرق الی ترکستان، چین و هند رسید.

حضرت معاویه (رضی الله عنه):

حضرت معاویه (رضی الله عنه) پسر ابوسفیان (رضی الله عنه) و نواسه حرب می‌باشد ۱۵ سال قبل از هجرت در مکه معظمه تولد شده است پدرش حضرت ابوسفیان (رضی الله عنه) از بزرگان قوم قریش بود. و در روز فتح مکه با همه خانواده اش به دین مبین اسلام مشرف گردیدند. حضرت معاویه (رضی الله عنه) یکی از کاتبان وحی نیز می‌باشد که از طرف حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) وظیفه کتابت و حی برایش سپرده شده بود. در زمان خلافت حضرت عثمان (رضی الله عنه) والی شام بود. زمانی که حضرت علی (رضی الله عنه) به شهادت رسید و حضرت امام حسن (رضی الله عنه) به خلافت برگزیده شد بعد از گذشت چند ماه با حضرت معاویه (رضی الله عنه) که والی شام بود به این توافق رسید که حضرت معاویه (رضی الله عنه) نمی‌تواند بعد از خودش کسی را به حیث جانشین خویش تعیین کند بلکه باید این امر را به مسلمانان واگذار نماید. به این ترتیب حضرت معاویه (رضی الله عنه) امیر تمام کشور اسلامی گردید. و حضرت امام حسن از خلافت دست کشید. حضرت معاویه دمشق را پایتخت خود قرار داد، به بنی هاشم احترام زیاد قایل بود او مراکش و المغرب را در غرب، ترکیه را در شمال، سیستان و خراسان را در شرق فتح نمود.

در ایجاد قوه نیرومند بحری سعی فراوان مبذول داشته و در این راه به موفقیت‌های شایانی دست یافت. حضرت معاویه در سال ۶۱ هجری وفات یافت.

یزید

۶۱-۶۴ هـ ق / ۶۸۱-۶۸۴ م

یزید در سال ۲۵ هـ ق تولد شده و در سال ۶۱ هـ ق بعد از وفات پدرش حضرت معاویه (رضی الله عنه) به قدرت رسید. در دوران حکمرانی وی حماسه کربلا به وقوع پیوست که طی آن حضرت امام حسین (رضی الله عنه) با ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسیدند یزید در سال ۶۴ هـ ق وفات نمود.

عبدالملک بن مروان

۶۵-۸۶ هـ / ۶۸۵-۷۰۵ م

پس از وفات یزید پسرش معاویه ثانی به سلطنت رسید زمامداری وی ۴۰ روز زیاد دوام نکرد، در عوض مروان بن حکم زمام امور را به دست گرفت. وی وعده نمود که زمام امور را به خالد پسر معاویه دوم بسپارد آوانیکه قدرت در دست وی متمرکز شد با مادر خالد نکاح کرد و در عوض خالد، پسر خود عبدالملک و عبدالعزیز را یکی پی دیگری ولیعهد تعیین نمود.

بعد از مرگ مروان عبدالملک به قدرت رسید وی بصره، کوفه و سایر مناطق را که در دست عبدالله بن زبیر (رضی الله عنه) بود تحت تصرف خویش در آورد. بعداً فتنه خوارج را از بین برد در شرق دامنه فتوحات را تا کابل امتداد داد، در شمال قسطنطنیه را تصرف نمود. عقبه بن نافع سرزمین‌های شمال آفریقا را که از دست رفته بود واپس بدست آورد. عبدالملک بن مروان بعد از ۲۱ سال پادشاهی در سال ۸۶ هجری به عمر ۶۳ سالگی وفات نمود. نامبرده اولین زمامدار اسلامی بود که سکه را بنام خود ضرب نمود در حالیکه قبل از وی در مملکت سکه‌های رومی و ساسانی رواج داشت و هم در دوران پادشاهی وی زبان عربی در تمام دوایر دولتی رسمیت پیدا کرد.

عمر بن عبدالعزیز

۹۹-۱۰۱ هـ.

در خاندان اموی حضرت عمر بن عبدالعزیز (رحمه الله) کسی بود که از دانش، تقوا و عدل برخوردار و بدان شهرت داشت. وی سعی میکرد تا گام به گام خلفای راشدین (رض) حرکت نماید. او بعد از مرگ سلیمان در سال ۹۹ هـ. به خلافت رسید موصوف مطابق دساتیر قرآن و احادیث نبوی رفتار می نمود وی به سبب رعایت عدالت به عمر ثانی و خلیفه راشد پنجم مسمی شده است.

حضرت عمر بن عبدالعزیز (رحمه الله) در دوره خلافت خویش تمام والیان وقضات دوره اموی را عزل کرد و به جای آنها اشخاص باتقوا، عادل، پاک نفس و با ایمان را مقرر نمود. در اصول خراج و مالیات تغییرات وارد کرد، خراج سنگین و طاقت فرسا را از مردم لغو و آنها مطابق توان مردم عیار ساخت. سوء استفاده از بیت المال و دارایی های عامه را مانع شد، با خائنین، رشوه خوران، مفسدین با قاطعیت مبارزه میکرد و از همچو افراد نا سالم شدیداً نفرت داشت.

نسبت روش و بر خورد عادلانه حضرت عمر بن عبدالعزیز (رحمه الله)، خوارج و تمامی مخالفین از مخالفت با دولت دست کشیدند. وی برای رفاه و سلامتی مردم شفاخانه ها و نهرها، بندهای آب و کانالهایی را احداث نمود که به اثر آن زمین به کشت و زراعت آماده شد و هم مقدار اراضی به مستحقین آن توزیع گردید. هم چنان عمر بن عبدالعزیز (رحمه الله) اولین کسی بود که رسماً به جمع آوری احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) دستور داد. حضرت عمر بن عبدالعزیز (رحمه الله) بعد از دو سال و پنج ماه خلافت به توطئه دسته از خائنین به دست یک غلام خاین شهید شد.

امویان در حدود یک قرن بالای جهان اسلام حکومت راندند که مشهور ترین امرای آنها قرار ذیل است:

- ۱- معاویه بن ابوسفیان (رحمه الله) ۴۰-۶۰ هـ ق
- ۲- یزید بن معاویه ۶۰-۶۴ هـ ق
- ۳- عبدالملک بن مروان ۶۵-۸۶ هـ ق
- ۴- ولید بن عبدالملک ۸۷-۹۶ هـ ق

۵- سلیمان بن عبد الملک ۹۷-۹۹ هـ ق

۶- عمر بن عبدالعزیز (رحمته الله علیه) ۹۹-۱۰۱ هـ ق

۷- یزید دوم بن عبد الملک ۱۰۱-۱۰۵ هـ ق

۸- هشام بن عبد الملک ۱۰۵-۱۲۵ هـ ق

۹- ولید بن ولید بن عبد الملک دوم ۱۲۵-۱۲۶ هـ ق

۱۰- یزید بن ولید بن عبد الملک سوم ۱۲۶-۱۲۷ هـ ق

۱۱- مروان بن محمد ۱۲۷-۱۳۲ هـ ق

حکومت اموی ها تقریباً بعد از یک قرن حکمروایی رو به انحطاط نهاده و آخرین حکمران آن مروان در نزدیکی حران شکست خورده و در حالت فرار به جانب مصر گشته شد و به این ترتیب دودمان عباسیان به قدرت رسید و تاریخ اسلام وارد مرحله جدید گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان بدو دسته تقسیم شوند، دسته اول در رابطه به چگونه گی به قدرت رسیدن خاندان اموی و دسته دوم راجع به کارکردهای حضرت معاویه (رحمته الله علیه) معلومات حاصل در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- حضرت معاویه (رحمته الله علیه) پسر کی و نواسه کی بود؟
- ۲- دامنه فتوحات اسلام در زمان حضرت معاویه (رحمته الله علیه) تا کدام مناطق میرسید؟
- ۳- کدام خلیفه اموی به نام عمر ثانی و خلیفه راشده پنجم نامیده می شد؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان راجع به چگونه گی خلافت حضرت معاویه (رحمته الله علیه) از دانشمندان محل و منابع دست داشته معلومات شانرا افزوده و متعاقباً در صنف آنرا توضیح نمایند.

۴۱-۱۳۲ هـ-ق

در این درس در مورد مسایل سیاسی، اقتصادی، کلتوری و نظامی عصر امویان معلومات ارائه می گردد.

در دورهٔ اموی ها یک سلسله تغییرات مهم از نگاه اقتصادی به میان آمد. تحت عناوین غنیمت، عشر، خمس، اموال و اجناس زیادی از کشورهای مفتوحهٔ آسیایی و آفریقایی به دارالخلافه دمشق ارسال میگردد. روابط تجاری در میان ممالک متصرفه بیشتر در جریان افتاد.

از لحاظ تمدنی و ثقافتی شهرهای زیادی در دوره امویان اعمار شد، این شهرها دارای برج های بلند بوده و در عین حال شکل قلعه های دفاعی را نیز داشت. دمشق که از طرف خاندان اموی من حیث پایتخت مورد استفاده بود در آن زمان یکی از شهرهای قشنگ جهان محسوب می گردید.

برای اولین بار در دوره اموی، در زمان عبدالملک سکه ضرب زده شد. قبل از آن سکه های رومی و ساسانی رواج داشت. در زمان حضرت عمر بن عبدالعزیز (رضی الله عنه) اراضی بایرو خرابه تحت آب قرار گرفته و برای زراعت آماده شد. شفاخانه ها برای علاج مریضان ایجاد شد، به زراعت توجه بیشتر مبذول گردید. و برای پیشرفت زراعت نهرا حفر و بندهای آبی نیز ایجاد گردید.

تمدن اسلامی در دورهٔ امویان رشد سریع داشت که تأسیس مؤسسات خیریه، مساجد و از جمله اعمار مسجد جامع دمشق نمونهٔ بارز آن است. ادبیات اسلامی، علوم و فنون، هنر و صنایع گسترش یافت که از این طریق نظام اسلام در جهان به عنوان یک معیار برای متمدن شدن دیگران مورد استفاده قرار گرفت.

در بُعد نظامی افراد شایسته و دانا مانند موسی بن نصیر در رأس دسته های عسکری (اردو)

قرار گرفت، موسی بن نصیر و طارق بن زیاد در شمال افریقا و جنوب غرب اروپا دامنهٔ اسلام را تا هسپانیا رسانید، قطیبه بن مسلم دامنه فتوحات و متصرفات خود را تا کشورهای آسیای میانه، ترکستان و کاشغر وسعت داد و هم به دربار چین هئیت اسلامی را گسیل داشت. محمد بن قاسم در هند توانست فتوحات خود را تا کراچی و ملتان وسعت دهد. مسلمة بن عبدالملک در آسیای صغیر فعال بود و سرحد فتوحات خویش را تا شهر انطاکیه توسعه بخشید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان بدو دسته تقسیم شوند. گروه اول به بخش امور اجتماعی در دورهٔ اموی‌ها بصورت همه جانبه روشنی بیندازند و گروه دوم راجع به فعالیت‌های نظامی در این دوره باهم گفتگو کنند.

سؤالات

- ۱- راجع به مالیات اسلامی توضیح دهید؟
- ۲- اموی‌ها کدام یک حلب، بغداد و یا دمشق را پایتخت خود انتخاب کردند؟
- ۳- اموی‌ها به منظور رفاه عامه کدام کارهایی را انجام دادند؟
- ۴- محمد بن قاسم کدام قسمت‌ها را تصرف نمودند؟

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان معلومات شانرا در رابطه به رازهای موفقیت دورهٔ اموی‌ها در عرصه تمدنی و نظامی با مطرح نمودن سؤالات از اشخاص آگاه و علمای محل شان بیافزایند بعد از کسب معلومات آنرا در صنف ارائه نمایند.

۱۳۲-۶۵۶هـ / ۷۵۰-۱۲۵۸م

انتقال خلافت از امویان به عباسیان

درین درس با خاندان عباسی و چگونه گی انتقال حکومت از خاندان بنی امیه به عباسیان معلومات ارائه می گردد.

بعد از فوت ولید بن عبدالملک در سال ۹۶هـ ق حکومت اموی ۳۶ سال دیگر نیز دوام کرد اما وضع خوبی نداشت. خانواده عباسی پنهان مبارزه می کرد. علویان نیز با اموی ها از قبل کینه داشتند، ولی موضوع مهمی که این خصومتها را شکل علنی بخشید آن بود که امام ابراهیم به امر مروان به قتل رسید. قتل وی سبب شد تا دیگر عباسیان مخالفت خود را علنی کنند ابو مسلم خراسانی در سال ۱۲۹ در مرو بیرق سیاهی بلند نموده و حاکم اموی نصر بن سیار را که حاکم نیشاپور بود به عقب نشینی مجبور ساخت و بعد با یک لشکر صد هزار نفری در کنار دریای زاب لشکر ۱۲۰ هزار نفری مروان را شکست داد. مروان آخرین خلیفه اموی به موصل گریخت ابو مسلم بیرق سیاه را در دمشق به اهتزاز در آورد. مروان در کنار رود نیل توسط عساکر عباسی به قتل رسید و به اینترتیب خاندان عباسی به قدرت رسید.

ابوالعباس سفاح

۱۳۲ - ۱۳۶هـ ق

نام اصلی ابوالعباس عبدالله بن محمد بن عبدالله میباشد، زمانی که مروان کشته شد. ابوالعباس رسماً خودش را خلیفه اعلان کرد. او اولین خطبه خود را در روز جمعه قبل از نماز برای مسلمانان ایراد نمود و طوری وانمود کرد که مشی خلفای راشدین (علیهم السلام) را در رهنمایی و خدمت به مسلمانان ملاک عمل قرار می دهد. بناءً این بیانیه بر مردم شهر دمشق مؤثر واقع شد. بعد از آن به کشتار دسته جمعی اعضای خاندان اموی آغاز کرد. و در ریختن خون ایشان از نهایت شدت کار گرفت که از اثر آن در کشور بزرگ اسلامی بنام سفاح یعنی سفاک مشهور و معروف شد. دوره خلافت وی که مدت چهار سال بود در ضرب، شتم، تهدید و کشتار مخالفین سپری شد و در سال ۱۳۶هـ وفات یافت.

ابوجعفر عبدالله المنصور

(۱۳۶-۱۵۸ هـ ق / ۷۵۴-۷۷۵ م)

بعد از مرگ ابوالعباس ولیعهدش منصور براریکه خلافت نشست. او فرد دانا، عالم و زیرک و از وسعت بینش و تیز هوشی فکری خاصی برخوردار بود. برای استحکام خلافت عباسیان تلاش‌های زیادی نمود. همچنان وی در تنظیم امور دولتی موفق بود و در امور مالیات، معارف، زراعت و احداث راه‌ها زحمات زیادی کشید. در دوره خلافت او کدام حادثه الم ناک واقع نشد بلکه مردم زنده گی خود را به آرامش بسر می‌بردند. تنها حادثه که از این دوره قابل ذکر است قیام عبدالله بن علی بود که آن هم از طرف منصور به شدت سرکوب گردید. منصور مرکز خلافت را از دمشق به بغداد انتقال داد. وی بعد از ۲۲ سال حکومت در سال ۱۵۸ م در مسیر سفر به حج وفات نمود.

محمد المهدی بن جعفر المنصور

(۱۵۸-۱۶۹ هـ ق / ۷۷۵-۷۸۵ م)

مهدی بعد از مرگ پدرش به خلافت رسید. او صاحب اخلاق پسندیده، حسن سلوک، تقوا و تواضع بود. از اولین کارنامه‌های او عفو عمومی تعدادی از زندانیانی بود که بدون گناه زندانی شده بودند. مهدی ملکیت‌ها و جایادهای تمام مخالفین را که در زمان منصور مصادره شده بود دوباره به صاحبان آن برگردانید و در مجموع با همه انسانها برخورد نیک داشت. به قضا و قضات احترام زیاد داشت و در برابر ایشان همچو یک فرد عادی می‌ایستاد و عملی کردن فیصله آن‌ها را برای خود یک مکلفیت و مسؤولیت جدی و حتمی میدانست. مسجد بیت الحرم را وسعت داد و به آبادانی شاهراه‌ها، کاروان سراها، مهمانخانه‌ها و راه‌های فرعی همت گماشت. در امور پُستی خدمات شایانی را انجام داد و در این راستا سیستم منظم پُستی میان مکه معظمه، مدینه منوره، یمن و بغداد را به میان آورد. برای خانواده‌های زندانیان از بیت المال معاش مقرر کرد. در روزهای واپسین حیات خویش پسران خود را بدین ترتیب هادی ولیعهد اول و هارون را به ولیعهدی دوم تعیین نمود. او بعد از یازده سال خلافت در سال ۱۶۹ هـ. دنیای فانی را وداع گفت.

موسی الهادی

(۱۶۹-۱۷۰هـ)

به تعقیب مرگ المهدی، موسی الهادی برمسند قدرت نشست او درین زمان بیست و چهار سال داشت. الهادی محافظین دروازه‌های دربار را برطرف کرد تا مردم مستقیماً مشکلات شانرا باوی بازگو کنند. در زمان خلافت او ادریس در مراکش و موریتانیا دولت مستقل اعلام نمود. المهدی بعد از تقریباً دو سال خلافت در سال ۱۷۰هـ وفات نمود.

هارون الرشید بن مهدی

(۱۷۰-۱۹۳هـ / ۷۸۶-۸۰۹م)

هارون الرشید بنابر وصیت پدرش بعد از مرگ موسی الهادی به خلافت رسید. وی نه تنها در خاندان عباسی بلکه در تاریخ اسلام یک شخصیت بزرگ بود. در اثر مساعی او بود که بغداد به پایتخت علوم در سطح جهان مبدل شد هارون الرشید انسان مدبر و دانشمند بوده. همسر او زبیده نیز یک زن هوشیار، عالمه و یک خانم مهربان و دلسوزی بود. برای رفع مشکلات آب آشامیدنی مردم مکه حاضر شد تا با فروش زیورات شخصی خود، پروژه حفر نهر را از طایف به مکه با موفقیت به پایان رساند. که این جوی آب تا امروز هم بنام نهر زبیده مشهور است. هارون الرشید با کفایت و درایت شخصی خود تمام آن شورش‌ها و بغاوت‌ها را که در زمان هادی برادرش بمیان آمده بود بصورت مسالمت آمیز فرو نشاند. علما و فضلا را احترام می‌نمود. علوم و فنون در دوره او به اوج خود رسیده بود. وی مکاتب، مدارس، شفاخانه‌ها، کاروانسراها، پل‌ها نهرهای بزرگ و بندهای آب را احداث نمود. یکی از دست آوردهای مهم زمان او ساختن ساعت در بغداد بود. هنگامیکه ساعتی را به شارلمان شاه فرانسه به شکل تحفه فرستاد، شاه فرانسه از دیدن آن ساعت به تعجب افتاد. و با وزیران خود گفت این مسلمانان مردم عجیبی اند که دریک قطعه آهنی بدین کوچکی جنیات را محبوس کرده اند که این اشیای کوچک را به حرکت در می‌آورند و صدای تک تک میکشند. هارون الرشید اولین شخصیت اسلامی است که با کشورهای چین و فرانسه روابط برقرار کرد و به این کشورها سفرا فرستاد و سفرای آن کشورها را در بغداد پذیرفت.

موصوف (۹) بار مکه مکرمه و مدینه منوره را همراه با حجاج زیارت نمود و بعد از (۲۳) سال خلافت در طوس (مشهد) کنونی وفات نموده و در همانجا به خاک سپرده شد.

مامون الرشید

(۱۹۹-۲۱۸هـ)

امین درپی مرگ هارون الرشید به خلافت رسید. مامون برادر وی که به صفت والی مرو ایفای وظیفه مینمود. خلافت امین را پذیرفت، اما وقتی که امین به تحریک فضل بن ربیع مامون را از ولیعهدی برانداخت، مامون مجبور شد تا به شمشیر دست ببرد. و درین وقت از طرف مامون، طاهر فوشنجی که از سرزمین افغانستان امروزی بود، رهبری لشکر را به عهده داشت و از طرف امین علی بن عیسی، سرداری سپاه را عهده دار بود. درین گیرودار امین به قتل رسید و با مرگ امین لشکر وی نیز شکست خورد و خلافت اسلامی رسماً به مامون واگذار شد.

مامون الرشید به معارف توجه جدی معطوف داشت. در این دوره علوم طب، ریاضیات، فلسفه، ادب، منطق و دیگر علوم رشد زیاد نمود. از بسا زبان‌های خارجی خصوصاً زبان لاتین آثار زیادی ترجمه شده و در مجموع کوشش میشد تا نظام سیر تمدنی خود را همچو دوران هارون الرشید بسوی پیشرفت ادامه دهد.

ولی بعد از آنکه مامون وفات کرد و معتصم به قدرت رسید. او طوریکه لازم بود به امور مملکت حاکمیت چندانی نداشت. بتدریج و با به میان آمدن حکومت اندلس (اسپانیا) و فاطمیان در مصر عملاً دامنه خلافت بغداد محدود شد. در سمت شرقی خلافت اسلامی، طاهر فوشنجی که به عنوان والی خراسان از سوی مامون مقرر شده بود. در سال (۲۰۴هـ) اعلان استقلال نمود. در بغداد هم قدرت اصلی بدست ترکان افتاد.

آخرین خلیفه این سلسله مستعصم بالله بود که بدست نواسه چنگیز (هلاکو) در بغداد بقتل رسید و بدین ترتیب در سال (۶۵۶هـ ق) حاکمیت خاندان عباسی پایان یافت.

فعالیت داخل صنف



تمام شاگردان بدو دسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به چگونه گی به قدرت رسیدن عباسی ها و دسته دوم در مورد حاکمیت هارون الرشید معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- شخصیت بازر و مهم خاندان عباسی چه نام داشت و از طرف کی به قتل رسید؟
- ۲- آخرین حکمران خانواده عباسی، از طرف کی به قتل رسید؟
- ۳- در دوره خلافت مامون الرشید در کدام بخش های علمی پیشرفت ها صورت گرفت؟
- ۴- منصور خلیفه عباسی در کدام سال وفات نمود؟

فعالیت های خارج صنف



شاگردان راجع به پیشینه تاریخی خاندان عباسی و عملکرد آن ها در دوره خلافت، با استفاده از فهم، دانش و آگاهی اشخاص آگاه و دانشمند محل شان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

اوضاع سیاسی، اداری، فرهنگی و اقتصادی دروۀ عباسیان

در این درس راجع با ابعاد مثبت و منفی سیاست عباسیان، چگونه گی امور اداری و پیشرفت‌های که در دوران زمامداری خاندان عباسی دربخشهای مختلف زنده گی بخصوص در عرصه علم و هنر بوجود آمده بود معلومات حاصل مینمایید.

عباسیان از ابتدا طوری بمردم وانمود میکردند که اموی‌ها از مشی حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) و خلفای راشدین رضی الله عنه انحراف کردند و ایشان اند که بصورت مستقیم مسیر شریعت محمدی صلی الله علیه وسلم و روش خلفای راشدین رضی الله عنه را تعقیب میکنند. یکی از نمونه‌های این گونه ادعا، خطبه تاریخی ابوالعباس بود که در هنگام به خلافت رسیدن قبل از نماز جمعه توسط وی ایراد گردید.

بعد از مرگ ابوالعباس، در دوره جعفر منصور به سیاست توجه شایانی صورت گرفت، ابو جعفر منصور شخصی بود که از دانشمندان عصر به صفت مشاورین کار میگرفت، مشاوریت مغز متفکر و تیز هوش یزید بن مسلم بهترین مثال برای ثبوت استفاده ابو جعفر منصور از مشاورین است. یکی از خصوصیات سیاست نظامی دوره عباسیان این بود که قبل از وقوع حادثه متوجه آن می‌شدند، وقتیکه از کدام کسی و یا کدام جهت خطری احساس میکردند، کوشش می‌نمودند تا حمله تعرضی و یا ضربه باز دارنده را بر ایشان وارد نمایند بطور مثال وقتیکه ابو جعفر منصور از طرف ابو مسلم احساس خطر کرد، برای از بین بردن او دست به کار شده به زنده گی اش خاتمه داد.

خصوصیت دیگر حکومت عباسی‌ها بر قرار ساختن روابط دیپلوماسی جهانی بود که براساس آن اعزام سفرای حسن نیت دایمی و موقتی به کشورهای جهان و برعکس پذیرش و سکونت نماینده گان کشورهای متعدد در قلمرو تحت حاکمیت عباسیان بوده است.

به عنوان نمونه زمانیکه هارون الرشید خلیفه مملکت وسیع اسلامی بود، وی عملاً با بسیاری از کشورهای جهان روابط دیپلماتیک برقرار ساخت که می‌توان از کشورهای نظیر هند، چین، فرانسه، یونان و غیره نام برد.

در عرصه علمی و فرهنگی در این دوره پیشرفت بوجود آمد. طبابت نهایت رشد و

انکشاف کرد و برای بسیاری از امراض انسانی، حیوانی و نباتی، دوا و دارو ساخته شد. در بغداد از بسیاری کشورهای جهان دانشمندان؛ علما، اهل فن، فلاسفه، جغرافیه دانان، علمای علم نجوم، ریاضی دانان، هندسه دانان، نقاشان، خطاطان، موسیقی دانان، معماران و باآلاخره ماهرین هر فن و مسلک جمع شده بودند و از طرف خلفای عباسی کاملاً حمایت می شدند و مورد احترام قرار می گرفتند، و از امتیازات بلند برخوردار بودند.

در بغداد از هر دین و مذهب مردم وجود داشت. برای هیچ کسی محدودیت دینی، مذهبی و کلتوری موجود نبود. عیسویان، یهودیان، مجوسیان، بت پرستان و صاحبان عقاید و افکار مختلفه با آزادی کامل به اجرای مراسم دین خود می پرداختند و به تحقیقات شان در بخش های مختلف علمی و فنی مشغول بودند.

در این دوره علم، فن و معارف رشد خوبی داشت، بسیاری از کتب علمی و هنری که به زبان های متعدد در کشورهای مختلف جهان تألیف گردیده بود. به زبان عربی ترجمه شد. تاریخ و جغرافیا نویسان غرض گرد آوردن معلومات به نواحی مختلف جهان سفرهایی انجام دادند و در این راستا زحمات زیادی را متقبل شدند. در این سفرها جغرافیا نویسان کشفیات زیادی کردند و مؤرخین نیز آثار قابل قدر و ستودنی را به رشته تحریر در آوردند. ادبا، اهل فن و غیره در راه تعمیم تعلیم و تربیه از هیچ نوع سعی و قبول زحمات دریغ نورزیدند، ترویج زبان عربی در تمام مناطق آسیایی و آفریقایی صورت گرفت. در بخش الجبر و ریاضیات خدمات فراموش ناشدنی بعمل آمد. در دوره عباسیان، کشف و کار بُرد قطب نما به منظور تسهیلات در فن کشتیرانی و اسطرلاب منحصلاً لابر اتوار برای علم جغرافیه، از جمله چیزهایی بودند که در این دو رشته شکل انقلاب را داشت. زیرا قطب نما از یکطرف در سیر و سفر کشتی ها سهولت فوق العاده را فراهم می نمود و از طرف دیگر آله اسطرلاب دوری و نزدیکی ستاره ها را تشخیص می داد. این آله را شخصی بنام اغریق اختراع کرد. همچنان مسلمانان آن عصر طلایی در صنعت ساعت سازی، کاغذ سازی و باروت سازی استادان اروپایی ها بودند. مؤرخین بر این عقیده اند که اروپایی ها علوم چون هندسه، نجوم، ریاضی و بسیاری فنون و هنرهای دیگر را از مسلمانان فرا گرفته اند.

پیشرفت هایی که در بخش های مختلف علوم چون کیمیا، الجبر و جیولوژی در دوره

عباسیان صورت گرفت، از دستاوردهای آن دوره بشمار میرود.

کار استخراج معادن نمک، سرب، گوگرد، آهن و دیگر احجار کریمه بصورت منظم در این دوره شروع و ادامه یافت. در دوره عباسیان علاوه بر بغداد، شهرهای بصره، کوفه، قاهره، قیروان، مرو، ری، بخارا و نیشاپور از لحاظ علم و فن و هنر در سطح جهان مقام شامخ را احراز کردند که از نقاط مختلف جهان مردم برای تحصیل علم، دانش، هنر، مهارت‌های گوناگون، کسب کار به آن مناطق می‌آمدند و از فضایل و زیبایی مادی و معنوی آن لذت برده و کسب علوم و فضایل می‌کردند.

در عصر عباسیان برای پیشرفت و تعالی همه جانبه مدنیت انسانی کارهای زیادی انجام شد که دارای ارزش خاص بوده تاریخ و تمدن اسلامی تا به ابد به آن می‌بالد. در مورد ساخت آلات جنگی و دسپلین عسکری نیز توجه خاص در این دوره صورت گرفت. بناء گفته میتوانیم که عباسیان در بخش نظامی نیز موفقیت‌های داشته اند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان بدو دسته تقسیم شوند. دسته اول راجع به بخش فرهنگی و ثقافتی دوره عباسیان باهمدیگر گفتگو نموده و دسته دوم به عملکرد نظامی در این دوره معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سؤالات



- ۱- شهرهایی را نام ببرید که در دوره عباسیان، مراکز تمدن جهان محسوب می‌شدند.
- ۲- در بخش الجبر و ریاضیات در دوران کدام خلیفه عباسی موفقیت‌های بزرگی به میان آمد؟
- ۳- در دوره عباسیان در عرصه دیپلماسی در سطح جهان چگونه اساسات به میان آمد؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان در ارتباط به دوره عباسیان با استفاده از منابع و هم از علما و افراد آگاه قریه و محل خویش معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.